



فهرست مطالب

۲	 سخنی درباره افزایش گرانی و خشم وطنیان مردم مسئله چه باید کرد
۳	 نظام سرمایه‌داری و فاجعه محیط زیست
۴	 نظام مافیایی حاکم، مسبب فاجعه فرو ریزی برج دوقلوی "متروپل"
۵	 سناریونویسی امنیتی علیه رضا شهابی، آیشا اسداللهی و کیوان مهدی
۶	 گرانی نان و تداوم ننویرالیم در ایران
۷	 گرانی سرسام آور بلای جان مردم
۸	 شوک های ارزی لایحه بودجه و بانک های خصوصی عامل گرانی ها هستند
۱۰	 در جبهه نبرد طبقاتی
۱۹	چکیده ای از نظرات دکتر ناصر زرافشان درباره "اوضاع سیاسی و جنبش های مبارزاتی در ایران"
۲۰	بیانیه مشترک سندیکاها و تشکلات کارگری و بازنشستگان مستقل پیرامون تجمعات اعتراضی ..
۲۱	سخنی درباره صحنه سازی های امپریالیستی به نام دادگاه سوئد برای رسیدگی به جنایات ضد بشری!!!!؟
۲۲	یک صدا و متحدانه خواهان آزادی و بازگشت بکار تمامی همکاران در بندمان باشیم.....
۲۳	نامه کلکتیو چند سندیکای فرانسوی در اعتراض به بازداشت های اخیر کارگران و معلمان در ایران
۲۳	تجمع سراسری معلمان و بازداشت چندین معلم در شهرهای مختلف و ممانعت از تجمع در تهران
۲۵	 خجسته باد هفتاد و هفتمین سالروز پیروزی بر فاشیسم.....
۲۶	اقدامات کور تروریستی به زیان منافع ملی و مبارزه مردم برای کسب حقوق دموکراتیک است،
۲۷	کارزار مخالفین ناتو در فنلاند و سوئد علیه پیوستن این دو کشور به پیمان جنگ افروز و متجاوز ناتو
۲۹	 چند یادداشت کوتاه خواندنی.....
۳۱	 برگی از تاریخ.....
۳۲	گزارشی از حمله وحشیانه متجاوزین صهیونیست به تشییع جنازه شیرین ابوعاقله در بیت المقدس
۳۳	ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
۳۴	 گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش.....
۳۶	 پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....



سخنی درباره افزایش گرانی وخشم وطنیان مردم ومسئله چه باید کرد

در روزهای اخیر در چندین شهر ایران که فیلم هایش در شبکه های اجتماعی منتشر شد اعتراضات مردم جان به لب رسیده علیه گرانی ها و بر علیه سران حکومتی جمهوری اسلامی صورت گرفت. در شهرهای اردبیل، خرم آباد، اندیمشک، ایرانشهر، رشت، بروجرد، شاهین شهر، لرستان، دهدشت، اصفهان، یزد، چلیچ، فارس، دهدشت و پردنجان از جمله شهرهایی است که مردم برای نان و بر علیه گرانی دست به اعتراض زدند. شعارها این بار هم علیه گرانی و از مطالبات اقتصادی فراتر رفت، رنگ آشکار سیاسی بخود گرفت و سران حکومتی را مورد هدف قرارداد. «خامنه ای حیا کن حکومت را رها کن» و «رئیس حیا کن حکومت را رها کن» از جمله شعارهای اجتماعات اعتراضی مردم بوده است. طبق اخبار منتشر شده چند تن در این اعتراضات جانباخته، ده ها نفر معرّوح و شماری بازداشت شدند.

بی شک مسبب اصلی فقر و محرومیت مردم و افزایش گرانی حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی است که برای حفظ قدرت و انباشت ثروت به بهای در تنگنا قراردادن کارگران و زحمتکشان، مشکلات را به جامعه تحمیل می کند.

اعتراضات روزهای اخیر مردم در تهران و سایر شهرها علیه شوک گرانی نان و آرد و پایه ای ترین نیازهای زحمتکشان و بر علیه بی توجهی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی به مطالبات عاجل و دمکراتیک جامعه و با این گستردگی نسبی و پراکندگی در شعارها و اهداف و دورنماهای متناقض، نشان می دهد، که فقدان رهبری سیاسی که چشم انداز روشنی به مردم ارائه دهد به شدت حس می شود. در این عرصه ها حزب ما بارها به اظهار نظر پرداخته و بر ضرورت آگاهی و سازمان و حزبیت تاکید ورزیده است.

این اعتراضات که در بعضی مناطق شکل طغیان و شورش بخود گرفت و شباهت زیادی به شورش های دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸

دارد، اعتراضات بر حقی است که همانند شورش های قبلی فاقد رهبری سیاسی اند و طبعاً خود به خود به پیروزی نایل نمی آیند و یا آنکه ازدرون آنان خود بخود وبدون وجود رهبری، یک تئوری انقلابی بیرون نخواهد آمد. لنین بدرستی تاکید می کرد، سلاح کارگر در مبارزه برای حق خود، سلاح شکل و آگاهی طبقاتی است. حزب کمونیست پرولتاریایی مهمترین سلاح طبقاتی در نبرد علیه بورژوازی است. تنها در این صورت است که می توان ماشین سرکوب سرمایه داری را درهم شکست و با استقرار سوسیالیسم از شر استثمار و تمام مظاهر نظام کهن رهایی جست! این امر که توده عظیم زحمتکشان بدون آگاهی به فن مبارزه سیاسی و قانونمندی های تکامل جامعه و مبارزه، خود بخود رشد خواهند کرد و به آگاهی طبقاتی و حزبی دست یابند، تنها می تواند از نا آگاهی و بیخبری برخی از نیروهای اکونومیست سرچشمه گیرد و یا ناشی از عدم آموزش از تجربه بیش از صد سال مبارزه زحمتکشان و کارگران و توده های انقلابی مردم تحت ستم باشد که هرگونه جریانات انحرافی آنتی اتوریت، اکونومیسم و غیره را پس از سالها تجربه های تلخ از سر راه خویش برداشته اند.

آیا غیر از این است که تمام جنبش ها (از مبارزه دانشجویان دانشگاه در ۱۸ تا ۲۳ تیر سال ۱۳۷۸ گرفته، تاجنیش به اصطلاح سبز در خرداد ماه سال ۱۳۸۸ و خیزش دی ماه سال ۹۶ و آبان ۹۸ و همه تظاهرات گوناگون کارگری، آموزگاران، اتوبوس رانان و...) تنها قادر گشتند نارضایتی مردم گوناگون و عاصی بودن آنان را به صحنه عمل آورند و تغییرات عمدتاً به سود این یا آن جناح صورت پذیرفت؟ مگر غیر از آن است که پیروزی های مردم ناچیز و پیشرفت مبارزات به سود مردم محدود بوده است؟ وجود عنصر آگاه کمونیستی و نقش رهبری؛ اگر نتواند معجزه ای انجام دهد؛ حداقل قادر خواهد بود که مبارزه مردم را تکامل داده و آگاهی سوسیالیستی و دانش مبارزه را از لابلای کتاب ها و تجربه های بی شمار جنبش؛ به میان مردم؛ مبارزان و به ویژه کارگران بیاورد.

اگر برای هر عمل اجتماعی احتیاج به فن و دانش خاص آن عمل است و بدون دسترسی به آن انسان ناچار است تجربه چندین هزار ساله بشری را از نو بیازماید، برای کار سیاسی نیز محتاج آموختن دانش سیاسی هستیم. هر نجاری به فن نجاری وارد است و گر نه ناچار است آن را فراگیرد. در سیاست، در انقلاب نیز ما محتاج دانش سیاسی و انقلابی هستیم. محتاج به فرا گرفتن مارکسیسم لنینیسم هستیم و این امر، کسب دانش است که ناچاراً طبقه کارگر آنرا از خارج از جنبش خود بخودی طبقه کارگر به درون جنبش وارد می کنند. تئوری مارکسیسم و سوسیالیسم که یک عنصر نا آشنا و غریبه برای توده های وسیع زحمتکشان و به ویژه پرولتاریا است، می بایستی از سوی عناصر آگاه و پیشرو کمونیست متشکل در حزب کمونیست، به درون طبقه کارگر، زحمتکشان و سیاست های صحیح ناشی از آن



نظام سرمایه‌داری وفاجعه محیط زیست

بد نیست بدانید که:

- ۱- بقای نظام سرمایه‌داری حاکم بر جهان پیشرفته، به رشد روزافزون اقتصادی وابسته است.
- ۲- رشد اقتصادی در عین حال محدود است و در آینده نیز محدودتر خواهد شد. زیرا اولاً ذخایر مواد خام محدود است، ثانیاً تحمل طبیعت از آن هم محدودتر.
- ۳- لذا نظام سرمایه‌داری کنونی برابر است با فاجعه محیط زیست، زیرا از یک سو تکنیک تا کنونی مستلزم پیشرفت است و از سوی دیگر این پیشرفت خود مساوی است با افزایش حجم تولید گاز کربنیک (CO₂) و ادامه آلودگی و در نتیجه نابودی محیط زیست. کارشناسان معتقدند که اگر کشورهای آمریکا، کانادا و استرالیا با همین سبک تولید و با همین سرعت پیش بروند برای ادامه بقای خود به ۵ کره زمین نیاز دارند. سایر کشورهای پیشرفته نظیر آلمان نیز حد اقل به ۳ کره زمین نیازمندند. در صورتی که برای کشورهای عقب نگذاشته شده نظیر کشورهای آفریقایی همین یک کره زمین نه تنها کافی که زیاد هم خواهد بود.
- به دیگر سخن اینکه تا کنون کره زمین از هم نپاشیده است را مدیون کشورهای آفریقایی هستیم آنچه که امروز سرمایه داری برای جلوگیری از ادامه روند فاجعه بار نابودی محیط زیست به عنوان داروی مسکن - که امروز به طور عمده حزب دست راستی سبزها در آلمان پرچمدار آن است - تبلیغ و تجویز می کند، جایگزین کردن انرژی فسیلی با انرژی «سبز» است. که به طور عمده عبارتند از: انرژی بادی، انرژی خورشیدی و انرژی هیدروژن و باطری. در این رابطه بد نیست بدانید که سهم انرژی بادی (از توربین های بادی) در تامین انرژی صنایع آلمان تنها ۴/۵ درصد می باشد که آن هم به دلیل همیشگی نبودن باد، متغیر است و سهم انرژی خورشیدی (فتو ولتایک) نیز تنها ۳ درصد از کل مصرف انرژی در این کشور را در بر می گیرد. امکان بعدی کسب انرژی از هیدروژن و باطری است که فعلاً به دلیل گران تمام شدن کسی به طور جدی دنبال تولید آنها نیست و اگر هم هست بسیار محدود می باشد.
- اما احزاب تشکیل دهنده دولت های حاکم بر کشورهای اروپایی، به ویژه سبزهای راستگرای آلمان از بعد از وضع تحریم ها و کاهش واردات انرژی فسیلی از روسیه، ریاکارانه و به دروغ بر طبل تولید انرژی سبز (بادی و خورشیدی) می کوبند. در صورتیکه برای جایگزین کردن انرژی فسیلی که امروز اروپا - آلمان - به طور عمده از روسیه وارد می کند ده ها سال زمان لازم است.*

به درون این جنبش های خود بخودی انتقال یابد. برخی ها وحدت تئوری و عمل، وحدت دانش مارکسیسم و یا تئوری انقلابی را با جنبش های خودجوش به مثابه توهین به مردم و به عنوان دخالت در کار و راه آنان معرفی می کنند.

اینان که به تقدس جنبش های خودبخودی و عدم دخالت و رسوخ تئوری سوسیالیسم در آنها، این چنین پایبندند و آنرا تبلیغ می کنند؛ چرا جواب تجربه های تاریخی و شکست های متعدد این راه را نمی دهند؟ چرا عجزند از اینکه بگویند تئوری تقدیس و استقلال جنبش های خودبخودی نیز از آن پرولتاریا نبوده؛ بلکه از خارج و از طریق آنان و دیگر تئوریسین های شبیه شان وارد آن گشته است؟ شاید براین باورند که در اثر معجزه ای تئوری این حضرات که ناشی از اراده گرانی آنان است؛ تمام قوانین معتبر عینی مبارزه اجتماعی را نفی کرده و بیراهه آنان به جای روال عینی تکامل بنشیند.

لنین میگوید: «بدون تئوری انقلابی، نهضت انقلابی نیز نمی تواند وجود داشته باشد... نقش مبارز پیشرو را تنها حزبی می تواند ایفاء کند که دارای تئوری پیشرو باشد.»

نمی توان امیدی چندان برای پیروزی بردشمن و به دست آوردن قدرت سیاسی (انقلاب) داشت، چنانچه قادر نباشیم در پیوند با کارگران و زحمتکشان و حداقل فئون و قوانین مبارزه طبقاتی و سیاسی را بیاموزیم و آنان را به کار بندیم.

براساس این تجارب باید ترویج و تبلیغ کرد که طبقه کارگر به وحدت و تشکیلات نیاز دارد تا بتواند جنبش اعتراضی مردم را رهبری کند و به سر منزل مقصود برساند. حزب کار ایران (توفان) این وظیفه کمونیستی را در دستور کار خویش قرار داده است و بی حزبی و سرفروود آوردن در قبال اعتراضات خودجوش و بی دورنما را نه تنها راه حل خروج از بحران کنونی نمی داند، بل دنباله روی از بورژوازی و شکست و بن بست سیاسی و به زیان منافع کارگران و زحمتکشان ارزیابی می کند. در شرایط بحرانی کنونی که مردم ایران با فقدان رهبری سیاسی و با دوعفریت داخلی و خارجی روبرویند وظیفه سنگینی بدوش حزب ما و نیروهای انقلابی قرار دارد که ضمن تبلیغ حزبیت و تشکیلات، کلیه نیروها و سازمان ها و گروه های سیاسی و شخصیت های ملی و انقلابی که خواهان سرنوشتی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران هستند و بر علیه مداخلات امپریالیستی موضع شفاف و روشنی دارند را به همکاری سیاسی و اتحاد و یگانگی دعوت می کند. شکل گیری چنین همکاری سیاسی و دمکراتیکی در شرایط کنونی نوید بخش است و تاثیر مثبتی بر جنبش خواهد گذاشت. بقول

لنین اینکه چه نوع حکومتی بر سر کار بیاید اهمیتش به مراتب بیشتر از سرنوشت سرنوشت کردن یک رژیم است. عدم درک صحیح از این دورنما جنبش را علیرغم همه جانفشانی ها از چاله به چاه می اندازد. باید هوشیار بود با برنامه و هدفمند به جلو حرکت کرد و چاره درد کارگران و توده زحمتکش را در وحدت و تشکیلات جستجو کرد و جزاین نیز نمی باشد.*



نظام مافیایی حاکم، مسبب فاجعه فرو ریزی برج دوقلوی "متروپل"

روز دوشنبه دوم خرداد ماه برج دوقلوی "متروپل" واقع در آبادان، در مقابل بهت و حیرت مردم پیاده رو فروریخت و مردم آبادان و سراسر ایران را در غم و اندوه فرو برد. طبق آمار رسمی و گزارش وزیر کشور، در این حادثه تاکنون بیش از ۳۴ نفر جانباخته، و ده‌ها نفر نیز مجروح گردیده‌اند.

حسین عبدالباقی که ۴۱ ساله مدیریت ساختن این برج را برعهده داشته است، او صاحب "هلدینگ عبدالباقی" است، و در خوزستان دارای نفوذ بسیار گسترده‌ای است، بطوریکه در مراسم افتتاح این ساختمان حتی استاندار خوزستان نیز حضور داشته است. او یک کلانتری نیز برای نیروی انتظامی ساخته است و به همین دلیل او را "خیرامنیت ساز" نامیده بودند. همچنین او در سال ۱۳۹۷ تندیس "چهره ماندگار صنعت، معدن و تجارت ایران" را نیز دریافت کرده بود. ۵ ماه قبل از فاجعه کنونی او لقب "**مدیر منتخب**" را نیز دریافت کرد. در حال حاضر نیز این هلدینگ چندین پروژه ساختمانی بزرگ را در دست دارد!

به گزارش **شهرآرانیوز**، کوروش خواجوی، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان خوزستان در مورد علل فروپاشی این برج اظهار کرد: «به نظر می‌رسد عدم طی روال قانونی در صدور پروانه ساختمان پروژه متروپل یکی از ضعف‌هایی بود که منجر به این حادثه شد. این معضل تا یکی دو سال گذشته وجود داشت که در حال حاضر تا حدودی رفع شده است.

وی توضیح داد: بعضی از سرمایه‌گذاران و مالکان پروژه‌های بزرگ در بسیاری شهرها از جمله آبادان و اهواز با هدف کاهش هزینه‌ها و بروکراسی موجود در فرآیند نظارت، روال قانونی طراحی و نظارت را طی نمی‌کنند و مستقیماً سراغ شهرداری می‌روند. از آنجا که مبالغ پروانه این پروژه‌ها بسیار بالاست شهرداری‌ها نیز با آن‌ها همکاری می‌کنند. بر این اساس فرآیند صدور پروانه مسیری غیرقانونی را طی می‌کند. در پروژه مذکور

هم معتمد نباید پروانه در آن مقطع صادر می‌شد؛ چرا که روال اولیه آن طی نشده بود.»

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان خوزستان تأکید کرد: بعد از آنکه در سال ۱۳۹۶ پروانه ساختمان متروپل صادر شد، سازمان نظام مهندسی از شهرداری درخواست کرد تا اجازه نظارت به این پروژه را به مهندسان سازمان بدهد. تا سال ۱۳۹۹ چنین اجازه‌ای صادر نشد. دیدگاه ما این است که مالک در خصوص ورود سازمان نظام مهندسی مقاومت می‌کرد. تا اینکه از خرداد سال ۱۳۹۹ ناظرین سازه و معماری تاسیسات به صورت قانونی از سوی سازمان نظام مهندسی معرفی و در این پروژه وارد عمل شدند.

خواجوی یادآور شد: من در آن زمان ریاست سازمان نظام مهندسی را بر عهده نداشتم، ولی دیدگاه سازمان همواره این بوده که در هر مرحله که بتوان با ورود به یک ساخت و ساز، جلوی حوادث را گرفت باید اقدام کرد. کما اینکه در بسیاری از پروژه‌های نیمه‌ساز این مداخله صورت گرفته و ثمرات خوبی داشته است. شهرداری هم همکاری مناسبی صورت داده و مالک، نواقص را برطرف کرده است. ولی در این پروژه بعضی تذکرات خیلی جدی داده شده که چندان مورد توجه سازندگان قرار نگرفته است. چه بسا اگر به موارد هشدار عمل می‌شد امروز شاهد چنین اتفاقی نبودیم. جریان‌های مافیایی ذینفع در حکومت تحت رهبری سیدعلی خامنه‌ای مسئول و مسبب اصلی این فاجعه هستند. این جانیان بی‌کفایت کار را از مرز جنون هم گذرانده‌اند. این میزان تباهی و فساد و دزدی و هرج و مرج و خودسری تمام تار و پود جامعه را در خود فرو برده و هیچکس پاسخگوی این همه خودسری و دزدی و بی‌مسئولیتی نیست. یکی از هموطنان آبادانی ما که ناظر بر فروپاشی این برج بود نوشت "انگار مملکتی اشغال شده و سربازان دشمنی بی‌تمدن و بدوی به جان و مال مردم تاخته باشند. اوضاع امروز ایران اینگونه به نظر می‌رسد. مردم از همه سو و جهت در تنگنا و محاصره مشتی آخوند دزد بی‌کفایت قرار دارند و فشار و اجحاف به حدی است که برخی مردم از روی لجبازی شعارهایی که در خور ملت نیست می‌دهند."

هشدار دلسوزانه کارشناسان درباره برج متروپل در آبادان نادیده گرفته شد و سرانجام باعث این فاجعه شد. حدود یکسال و نیم قبل، مهندس ناظر ساختمان متروپل هشدار و اخطار جدی داده بود که ساختمان ثبات ندارد، ولی این اخطار نادیده گرفته شد. زیرا نظام، نظامی مافیایی و به کلی فاسد و منحط است.

آیا با این فامیل بازی و فساد و باند بازی و رانت‌خواری نتیجه‌ای جز چنین فجایعی، فاجعه فروپاشی برج آبادان و مرگ مردم بیگناه می‌توان داشت؟ مردم خشمگین آبادان در اعتراض به این فاجعه یکپارچه به خیابان آمدند و بدرستی علیه مسئولین ناکار نظام شعار دادند و خواهان محاکمه و مجازات این تبهکاران شدند.

حزب کار ایران (توفان) ضمن تسلیت به هموطنان آبادانی و خانواده‌های کشته شدگان، از مبارزه مردم برای مجازات عوامل و مسببین این فاجعه حمایت می‌کند و برای تحقق این امر از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد.*

است که علی‌رغم ادامه کاری و ازخودگذشتگی در مبارزه و علی‌رغم اعلام همبستگی و همدلی آشکار و واقعی میان فعالان جنبش‌های اجتماعی، بدون تشکیلات و یک همکاری جدی و سازمان‌یافته و سراسری در میان تمامی کارگران و زحمت‌کشان، قادر به مقابله جدی با سیاست‌های ضدکارگری و تغییر شرایط موجود نخواهند بود.

حضور نیرومند تشکیلات سیاسی و در شکل تکامل یافته و علمی آن، تشکیلات واحد حزب طبقه کارگر مسلح به لنینیسم می‌تواند قطب نمای فعالیت همه کارگران پیشرو باشد. کارگران با تشکیلات همه چیزند و بدون آن هیچ چیز. تنها با چنین دورنما و سلاحی است که می‌توان هدفمند علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و بر علیه امپریالیسم و مزدوران ریز و درشتش رزمید، قدرت سیاسی را به کف گرفت و آینده تابناک روشنی را با دست‌ان پر توان خود رقم زد.

حزب کار ایران (توفان) از همه احزاب و سازمان‌های برادر و سندی‌کاهای بین‌المللی می‌خواهد اعمال سرکوبگرانه و ضد مردمی رژیم را محکوم کنند و همبستگی خود را با مبارزات کارگران ایران بیان و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط فعالین کارگری دربند شوند.

اعتصاب، ایجاد اتحادیه های مستقل کارگری، حق مسلم همه کارگران ایران است!

دست رژیم ضد مردمی و سرمایه داری جمهوری اسلامی از کارگران ایران کوتاه!

برای آزادی فوری و بی‌قید و شرط فعالین کارگری و معلمان زندانی بکوشیم و صدایشان باشیم!

دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان)*

یکشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم



سناریونویسی امنیتی علیه رضا شهابی، آنیسا اسداللهی و کیوان مهدی

را شدیداً محکوم می‌کنیم

در ادامه اتهام‌زنی به فعالان کارگری و مدافعان حقوق کارگران، رسانه‌های همسو با نهادهای امنیتی ایران رضا شهابی، عضو هیئت سندی‌کای اتوبوسرانی شرکت واحد تهران، کیوان مهدی معلم و پژوهشگر و آنیسا اسداللهی، پژوهشگر و مدافع حقوق کارگران را بیش‌رمانه نشانه گرفته‌اند.

منابع نزدیک به وزارت اطلاعات و سپاه ایران در یک خبر به نقل از وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران رضا شهابی و آنیسا اسداللهی را که ۲۲ اردیبهشت ماه بازداشت شدند به «همکاری با یک تیم خارجی» متهم کردند.

همکاری با تیم خارجی یا گروه‌های خارج از کشور در سال‌های گذشته نیز بارها از سوی وزارت اطلاعات و قوه قضاییه برای سرکوب و صدور احکام قضایی بلندمدت علیه فعالان مدنی و معترضان استفاده شده است. جمهوری ستمگر و ریاکار اسلامی، کارگران مبارز و شریف ایران را به همکاری با نیروهای «خارجی» متهم می‌کند اما نمی‌گوید با کدام نیروی خارجی!! این کارگران همواره مخالفت خود را به هرگونه تحریم اقتصادی و مداخله خارجی و نظامی ابراز داشته‌اند و این قبیل اتهامات نخ‌نما را برنتابیده و محکوم کرده‌اند.

این اتهامات واهی نشان از ضعف رژیمی است که از کارگران می‌ترسد و هیچ آینده‌ای برای خود نمی‌بیند.

متأسفانه کارگران ایران در شرایط کنونی با مشکل پراکندگی و تشدد فکری مواجه هستند و از فقدان یک اتحادیه مستقل و نیرومند سراسری رنج می‌برند و این مسئله خود هشداری



گرانی نان و تداوم نئولیبرالیسم در ایران

«گرانی‌ها، نان، ماکارونی» و... «امنیتی» است. جمله‌ای ساده و به ظاهر تکراری برای مدیران رده‌های مختلف درصدا و سیمای جمهوری اسلامی. جمله‌ای که نشان می‌دهد سطح امنیتی در ایران به «نان» رسیده است. آستانه تحمل مردم کمی تا لبریز شدن فاصله دارد. «ماکارونی» موضوعی «امنیتی» تلقی می‌شود و فایل صوتی لو رفته از علیرضا حبیبی نشان می‌دهد مدیران میان‌رده هم این رامی‌دانند. هر افزایش قیمت می‌تواند به یک جرقه برای اعتراض‌های سراسری تبدیل شود.

ایران در دومین ماه از اولین سال قرن پانزدهم: نان قسطی، نان کارتی، فلافل شریکی، پشت‌بام خوابی، ماشین‌خوابی و هزینه‌هایی که این روزها کرامت انسانی خانواده‌های ایرانی را هدف گرفته است.

دولت رئیسی که از مدت‌ها پیش در پی حذف ارزش‌ترجیحی از روی دارو و نان بود، در ادامه سیاست‌های نئولیبرالی فرصت را مناسب دید و یارانه آرد نانوبی‌های آزاد پُر، نان‌های فانتزی و صنایع غذایی را قطع کرد. ماکارونی، کیک، بیسکویت، کلوچه، نان باگت و همه خوراکی‌های ارزان‌قیمتی که دهک‌های پایین جامعه هنوز خیلی آسان به آن دست‌رسی داشتند، ناگهان با جهش قیمت روبه‌رو شد و جامعه در شوک فرو رفت.

در هفته دوم اردیبهشت سامانه فروش آرد شرکت بازرگانی دولتی، بدون اطلاع قبلی به اتحادیه نان‌های حجیم و نیم‌حجیم، روی تولیدکنندگان این بخش بسته شد. تولیدکننده‌ها سردرگم شدند و این هم بازار را بیش از پیش آشفته کرد. نتیجه چه بود؟ قیمت آرد مصرفی نان‌های حجیم و نیم‌حجیم که پیش از آن کیلویی هزار و ۷۵۰ تومان بود، به کیلویی ۱۶ هزار تومان رسید. بعد چه شد؟ نرخ جدید آرد بر اساس درخواست وزارت جهاد کشاورزی و تایید سازمان حمایت برای امسال و براساس درصد سبوس گرفته‌شده از آرد اعلام شد.

براساس مصوبه جدید، نرخ آرد ۱۸ درصد سبوس‌گیری شده به ازای هر کیلو ۱۵ هزار و ۷۰۰ تومان، آرد ۲۱ درصد سبوس‌گیری شده ۱۶ هزار تومان و آرد ۲۷ درصد سبوس‌گیری شده ۱۷ هزار و ۹۰۰ تومان تعیین شد؛ این مصوبه باعث شد که تا زمان اجرایی شدن طرح افزایش قیمت آرد آزاد، سامانه قیمت‌گذاری روی

آزادپزها بسته شود.

افزایش ۴۰ درصدی قیمت جهانی گندم ۷۵ روز پیش، قبل از «حمله ویژه نظامی روسیه به اوکراین»، قیمت جهانی گندم ۷۹۰ دلار بود؛ یعنی هر بوشل ۷۹۰ دلار و در لحظه نگارش این گزارش قیمت به هزار و ۱۱۴ دلار رسیده است. بوشل یک واحد اندازه‌گیری است که به عنوان یکای سنجش جرم یا وزن شناخته می‌شود و در خرید و فروش غلات کاربرد دارد. هر بوشل معادل ۳۵.۲۳ لیتر است.

قیمت گندم پیش از حمله روسیه به اوکراین هم روندی صعودی داشت. کارشناسان مسیر صعودی قیمت گندم را محصول تورم ناشی از حمایت‌های معیشتی و سیاست‌های انبساطی دولت‌ها در پاندمی کرونا می‌دانستند. هر چند که گزارش‌های جهانی از بابت نگران‌کننده بودن خشکسالی در امریکای جنوبی هم در روند تورم اقتصاد جهانی موثر بود. جنگ اما وضعیت صعودی قیمت را سرعت و شدت بخشید. مهم‌ترین دلیل هم این بود که روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده گندم جهان است؛ براساس آمارهای رسمی منتشرشده از سوی فائو، سهم روسیه و اوکراین از تولید جهانی گندم بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ حدود ۱۴ درصد بوده است؛ روسیه سهم ۱۸ درصدی از صادرات جهانی گندم دارد و در سال ۲۰۲۱ حدود ۲۳ میلیون تن گندم صادر کرده است. یک سوی دیگر جنگ، یعنی اوکراین هم سهم ۱۰ درصدی از صادرات جهانی دارد؛ اوکراین در سال ۲۰۲۱ توانسته بیش از ۲۰ میلیون تن گندم صادر کند؛ این‌ها یعنی دو صادرکننده بزرگ گندم جهان در دو ماه و نیم گذشته درگیر جنگ‌اند. بدتر آنکه ایران یکی از سه مقصد بزرگ گندم روسیه است. پس از آغاز جنگ، هر چند صادرات گندم ادامه دارد اما چشم‌انداز پر خطر و پر ریسک، تحریم‌های روسیه، افزایش ارزش روبل، بستن مالیات‌های بالای صادراتی و افزایش هزینه حمل و نقل در دریای سیاه از حجم صادرات کم کرد. نتیجه آن که در برخی روزها قیمت گندم تا ۷۰ درصد رشد تجربه کرد؛ هر چند این قیمت اصلاح شده و حالا نسبت به دو ماه و نیم پیش به شکل میانگین ۴۰ درصد افزایش نشان می‌دهد.

«ایران در ۳۰ سال گذشته بیش از ۹۶,۴ میلیون تن گندم وارد کرده که ۲۲,۸ میلیارد دلار ارزش داشته است». این را سخنگوی گمرک ایران می‌گوید. به گفته روح‌الله لطیفی «بیشترین میزان واردات با هفت میلیون و ۴۲۹ هزار تن مربوط به سال ۱۳۹۳ است. پس از آن بیشترین واردات در سال ۱۴۰۰ با رقمی مشابه انجام شده است: هفت میلیون و ۷۵ هزار تن.

دولت ابراهیم رئیسی در گام بعدی آزادسازی قیمت‌ها که ادامه سیاست‌های نئولیبرالی حس روحانی است حتما به سراغ حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نهاده‌های دامی می‌رود اما مسئولان وزارت جهاد کشاورزی هیچ راهکار و برنامه مشخصی برای مدیریت اوضاع پس از حذف ارز دولتی نهاده‌های دامی ندارند. وضعیت تخصیص نهاده دامی بسیار نامناسب است. دولت از بهمن ماه نهاده‌ای به دامداران تخصیص نداد و نهاده‌ای هم که اخیرا تخصیص دادند بسیار اندک بود قطعا حذف ارزش‌ترجیحی نهاده دامی منجر به افزایش شدید قیمت گوشت و لبنیات خواهد شد. *

در این الگو نیروی کار نیز به عنوان یک کالا تلقی می‌گردد و قیمت آن را همان دست نامرئی با مکانیزم گفته شده تعیین می‌کند.

با این تعریف هر کشوری که به بهانه اجرای سیاست‌های حمایتی از طبقات فرودست مجبور به تنظیم بازار و کنترل قیمت‌هاست می‌بایست خود را از این بلا رها سازد تا بتواند هر چه بیشتر زمینه‌های رشد سرمایه را فراهم سازد. یکی از کارا ترین روش‌ها برای خلاصی از این گرفتاری به توصیه صندوق بین‌المللی پول، برداشتن یکباره این حمایت‌هاست به طوری که بتوان عوارض اجتماعی آنرا به بهترین حالت کاهش داد. یعنی به جامعه اجازه نداد حتا بتواند نسبت به این رخداد تحلیلی منطقی داشته باشد بلکه با اجرای یکباره و حتا یک شبه فرصت مخالفت‌های احتمالی را سلب کرد و اعتراضات احتمالی را در مدت زمان کوتاهی به شدیدترین شکل سرکوب کرد. روشی که مخالفین از آن به شوک درمانی یاد می‌کنند. مثل بیمار روانی که برای رهایی از عوارض بلند مدت بیماریش با شوک الکتریکی درمان می‌شود.

در پس این ترهات فقط یک هدف نهفته است، «رشد بلاقید سرمایه» حال در نتیجه آن شکاف‌های طبقاتی تا چه حد افزون می‌گردد، فقر و گرسنگی دامان چه درصدی از جامعه را خواهد گرفت و در نهایت جرم و جنایت و بزهکاری تا چه میزان بالا خواهد رفت چیزی است که از نگاه مردم پنهان می‌ماند.

جناح‌های حاکمیت در ایران از اصولگرایان گرفته تا اصلاح‌طلبان همگی در قبال لزوم اجرای این سیاست‌ها متفق‌القول‌اند. چرا که اصلی‌ترین سرمایه‌داران جامعه ایران همین‌ها و اعوان و انصار آنهاست. پس در این مسئله تفاوتی بین دولت روحانی و رئیسی نمی‌توان یافت.

همان‌طور که روحانی یک شبه به گرانی سوخت و حامل‌های انرژی دست زد دولت رئیسی هم به حذف ارز ترجیحی آمد و دارو و به اصطلاح جراحی اقتصادی پرداخت. در اجرای سیاست شوک درمانی اقتصادی سگ زرد برادر شغال است.

پائین آمدن روز افزون قدرت خرید مردم در طول دهه‌های گذشته همزمان با انباشت سرمایه در دست درصد محدودی از افراد، نابودی محیط زیست، جنگ، تجاوز و بربریت روز افزون در عرصه بین‌المللی و حتا خطر وقوع یک جنگ هسته‌ای که منجر به انقراض نسل بشر گردد، همه و همه در نتیجه سپردن اقتصاد به دست نامرئی بازار است.

تتها راه‌رهایی مردم ایران و همه جهان اتحاد و همبستگی در راه یک هدف مشترک و قطع این دست خونریز است.*



گرانی سرسام آور بالای جان مردم

سخنی در مورد «شوک درمانی اقتصادی» در ایران و جهان

تقریباً از پایان جنگ ایران و عراق تا بحال تنها راه حل و الگوی بکار گرفته شده از سوی تمام جناح‌های حاکمیت در ایران کم و بیش اجرای دستورات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بوده است. به نحوی که دولت‌های متوالی در ایران عموماً در اجرای سیاست‌های اقتصادی مورد ستایش این دو نهاد قرار گرفته‌اند.

حال برای کمک به درک صحیح موضوع برای مخاطب کمی به ماهیت این سیاست‌ها می‌پردازیم.

نئولیبرالیسم اقتصادی بعنوان مکتبی فکری دارای پایه‌هایی است که راه را برای رشد بدون مانع سرمایه هموار می‌سازد. یکی از اساسی‌ترین این مبانی آزاد سازی قیمت‌هاست.

به بیان ساده تر در جهان مطلوب نئولیبرال‌ها همه کالا و خدمات می‌بایست با قیمت واقعی بازار مبادله گردد و دولت‌ها حق ندارند با مداخلات خود به بهانه سیاست‌های حمایتی به تعدیل این قیمت‌ها دست یازند.

مدافعان این نظریه با بهره جستن از نظرات آدام اسمیت و میلتون فریدمن دو اقتصاد دان مشهور لیبرال اینطور توجیه می‌کنند که: عرضه و تقاضا در یک بازار رقابتی خود می‌تواند تعادل منطقی و عادلانه در قیمت‌ها ایجاد کند به نحوی که اگر کمبود کالای یا خدماتی موجب بالا رفتن تقاضا و در نتیجه افزایش قیمت آن شد به طور طبیعی سرمایه‌داران و فعالان اقتصادی برای بهره بردن از این منفعت به سمت سرمایه‌گذاری در تولید آن کالا و یا خدمات سرازیر می‌شوند و افزایش عرضه در مدت کوتاهی به وقوع می‌پیوندد و بنا بر قاعده دست نامرئی بازار قیمت‌ها مجدداً به حالت تعادل باز می‌گردند. لازم به ذکر است که

کمبود منابع داریم یکی از بزرگترین ظلم ها و دروغ هایی است که می توان به یک کشور نفتی گفت. به واسطه بی کفایتی و فقدان تجربه فقط از طریق سیاست های نابخردانه نرخ ارز در سه دهه کشور چیزی حدود ۳۵۰ میلیارد دلار از دارایی های کشور تحت عنوان سیاست کنترل نرخ هزینه شده است درحالیکه نرخ ارز ۴ هزار برابر شده است. همچنین تحت عنوان تصمیماتی که به نام بازارگرایی در حوزه ساختمان و مسکن کشور اتخاذ شده است، حدود ۲۰۰ میلیارد دلار از ثروت های ما به خانه های خالی و بدون مشتری تبدیل شده است.

پس از جنگ فقط ۱۵۰ میلیارد دلار بابت طولانی شدن طرح های عمرانی اتلاف شده است.

یعنی یک حکومتگرایی افرادی مطیع را بر سر کار می نشانند و همان افراد آلت دست رانتی ها می شوند تا جایی که حتی ۴ عمل اصلی هم در برنامه های عمرانی اعمال نمی شود و وقتی با تلاش های پرشمار دلسوزان این مسئله به یک مسئله ملی تبدیل می شود یکباره موجی راه اندازی می شود که اصل ماجرا کنار زده و هم ذهن را معطوف به این می کنند که بخش خصوصی را در این زمینه فعال کنیم. ...

مومنی در ادامه خاطرنشان کرد: نظام تصمیم گیری های کشور نباید بیش از این بازیچه رانت جوها و غیرمولدها شوند و امکان برای فهم عالمانه کانون های اصلی گرفتاری کشور فراهم شود. مطالعه های ما نشان دهنده این است که فقط طی دهه ۱۳۸۰ درحالیکه می بایست به طور متوسط سالانه ۴۷۳ طرح عمرانی خاتمه پیدا کند عملاً ۱۳۴ طرح عمرانی خاتمه پیدا کرده یعنی در دهه ۱۳۸۰ که ما در قله درآمدهای نفتی قرار داشتیم و کمبود ارز و ریال نداشته ایم، کارنامه توان اجرایی دولت این بوده که ۲۸ درصد وظایف خود را انجام دهد. متأسفانه بی کفایتی در قانون بودجه سال ۱۳۹۰ حدود ۵۸۷ درصد بوده است و تنها ۵۱۲ درصد از پروژه ها تکمیل شده است.

همین اتفاقات درباره خصوصی سازی رخ داد که گفتند دولت نمی تواند اما بخش خصوصی کارآمد است سپس موجی راه انداختند که جز فروپاشی توان اجرایی و از بین بردن ثروت های بین نسلی نتیجه ای برنداشت.

شتاب زده دست به یک کارهایی زدند بعد به همین افرادی که مروج بازارگرایی مبتذل در ایران هستند گفتند استراتژی توسعه صنعتی بنویسید که مجبور شدند چشم خود را به واقعیات باز کنند و بنویسند بهره وری نیروی کار و بهره وری نیروی صنعتی به مراتب بالاتر از بخش خصوصی است.

ما نمی فهمیم چرا این مقاومت مشکوک در برابر فهمیدن از



شوک های ارزی لایحه بودجه وبانک های خصوصی عامل گرانی ها هستند

فرشاد مومنی عضو هیات علمی دانشگاه علامه و اقتصاددان مقیم ایران در نشست مجازی "موسسه دین و اقتصاد" با عنوان «قانون بودجه سال ۱۴۰۱ در کشاکش روش های توسعه گرا و رانت محور با تاکید بر تبصره ۴ این قانون» شرکت کرد. تلخیصی از اظهارات فرشاد مومنی را در زیر می خوانید:

فرشاد مومنی در پاسخ به نظرات اخیر ابراهیم رئیسی که خواستار شناسایی پشت پرده گرانی ها شده بود گفت: رمز اصلی گرانی ها شوک های بزرگ نرخ ارز است که در سند بودجه پیشبینی کرده اید و عامل دیگر گشاده دستی تان در برابر بانک های خصوصی است.

فرشاد مومنی در ابتدای سخنان خود با بیان اینکه ما ایرانی ها قادر به یادگیری از تجارب خود نیستیم، گفت:

"اگر بخواهیم از یک سطح بالاتری به مسئله نگاه کنیم باید به این واقعیت توجه داشته باشیم که ما در یک اقتصاد سیاسی رانتی تنفس می کنیم. در اقتصادهای رانتی، بقای روابط فسادزا در عدم شفافیت است بنابراین هرکسی با هر ژستی و هر ادعایی گامی به سوی تشدید عدم شفافیت توسعه می کند، باید اقداماتش با دیده شک نگریسته شود.

در زمانی که چشم انداز های افزایش قیمت نفت و افزایش میزان صدور نفت افزایش پیدا می کند، تحرکات رانتی افزایش چشم گیر پیدا می کند.....

وی افزود: کشور ما کمبود منابع ندارد. اینکه گفته شود ما

این تجارب وجود دارد.

فرشاد مومنی در ادامه با انتقاد از مراودات بین غیرمولد ها با تصمیم گیران، افزود: چرا فکر میکنید به ملت دروغ گفتن برکت دارد؟ در همین سازمانه برنامه مطالعاتی شده است که می گوید بالغ بر ۵۸ درصد عوامل موثر بر بحران در طرح های عمرانی هیچ ربطی به ارز و ریال ندارد و به ظرفیت های اجرایی دولت مربوط می شود.

با این اوصاف وارد کردن یک کسانی به نام بخش خصوصی و تلاش غیرعادی برای شفافیت زدایی از قانون مناقصات چه معنایی دارد؟ وقتی در گزارش های رسمی خود به دهه ۹۰ دهه از دست رفته می گویند یعنی شما وقت زیادی ندارید.

من به شما هشدار می دهم که دوباره آن اتحاد سه گانه کارگزاران کوتاه نگر، رانت جوها و واردات چی ها و نتولاسیک های وطنی که به مثلث نحس ناامیدی ملت ایران تبدیل شده اند، چون الان مجددا بوی دلار نفتی به مشام شان رسیده بی سابقه ترین تضعیف ها در ارزش پول ملی در سند بودجه ۱۴۰۱ را جای داده اند. فرمول بندی رانتی ها و مفسدان یکی است. تا یک کلام گفته می شود تضعیف ارزش پول ملی به صلاح کشور نیست با بی شرمی تمام تخطئه می کنند و می گویند شما سواد ندارید.

ما که سواد شما را دیدیم! شما در سند برنامه اول و برنامه دوم که همه کاره بودید نرخ رشد نقدینگی که در عمل رخ داد بین ۳ تا ۱۰ برابر پیشینی شما بود.

حد فهم و شناخت شما از اقتصاد ایران دیده ایم چون شما به واسطه پیوندی که با مفت خوارها داشتید، نقش شوک نرخ ارز را در ایجاد نقدینگی صفر در نظر گرفتید.

شما با این سطح از آبرو هم اکنون پوست خربزه زیرپای دولت انداخته اید و در زمانی که هنوز نه به دار است نه به بار، آدرس فریبکارانه می دهید که نقدینگی عامل تورم است.

ما بارها با اسناد و اعدادی که خودتان منتشر کرده اید نشان داده ایم که بخش بزرگی از نقدینگی معلول شوک های پی در پی در نرخ ارز و خصوصی سازی بانک ها است. چطور می شود که حکومتگران ما حتی به گزارش کمیسیون اقتصادی مجلس در اینباره توجه نمی کنند؟ در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ کمیسیون اقتصاد مجلس گزارشی داد که در دهه ۱۳۸۰ رشد نقدینگی بیش از ۱۰ هزار درصد بوده است.

وی افزود: بالاترین سطح فشار به معیشت مردم و بحران سازی برای اقتصاد ملی از طریق سوداگری در مسکن، دلار و سکه درست از زمانی رخ داده که بانک های خصوصی در کشور شروع به کار کرده اند. پس اگر می بینید نتو کلاسیک

های وطنی ادرس غلط دوباره نقدینگی می دهند می خواهند نقش شوک های رزی و بانک های خصوصی را پنهان کنند. صمیمانه از مسئولان رسانه ها خواهش می کنم در این زمینه به مدد تصمیم گیران کشور بیایند. فساد بالاتر از این که نتو کلاسیک های وطنی می گویند سقوط بنیه تولیدی هیچ نقشی در تداوم افراطی تورم دو رقمی در ایران ندارد؟ یعنی به طور کلی نقش قسمت عرضه کل اقتصاد در شکل گیری تورم را حذف کرده اند.

ما می فهمیم چون با مافیای واردات هم پیمان شده اید این کارها را می کنید. این چه بساطی است سر ورود خودروهای وارداتی راه انداختند. کیست که نداند که اگر قرار باشد تولید ملی را رها کنیم و هرجا کمبود داشتیم سراغ واردات برویم، ذخیره ارزی تان تا بی نهایت است؟ سی میلیون خودرو در این مملکت وجود دارد.

اگر به طور متوسط هر خودرویی ۱۰ تا ۱۵ هزار برای واردات نیاز داشته باشیم ما فقط به حدود ۳۰۰ تا ۴۵۰ میلیارد دلار ارز مازاد نیاز داریم. حتی در کشوری مانند آمریکا که می تواند کاغذ چای دلار چاپ کند نمی تواند چنین کاری انجام دهد! شما نیازهای تان فقط خودرو است؟ چرا ما به این روز افتاده ایم که به بدیهی ترین مسائل توجهی نداریم.

مومنی در پاسخ به اظهارات اخیر ابراهیم رئیسی که خواستار شناسایی پشت پرده گرانی ها شده بود گفت: رمز اصلی گرانی ها شوک های بزرگ نرخ ارز است که در سند بودجه پیشینی کرده اید و عامل دیگر گشاده دستی تان در برابر بانک های خصوصی است.

حتی کشورهای پیشرفته صنعتی بعد از جنگ برای بازسازی اقتصاد خود نتوانستند آزمندی بانک های خصوصی را کنترل کنند لذا آنها را ملی کردند.

در کشورهای در حال توسعه نیز مستنداتی وجود دارد که در کشورهای شرق آسیا وقتی کره در ۱۹۶۰ خواست به سمت توسعه برود، بانک های خصوصی را ملی کرد. اگر شما فکر میکنید با بانک های خصوصی اقتصاد روی خوش می بیند در اشتباه هستید. *

اشتباه هستید. *

**با فساد همه گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب
مبارزه کرد**



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات و اعتراضات کارگری اردیبهشت ماه ۱۴۰۱

اردیبهشت ماه همواره زمانی پر جنب و جوش و زمانی برای خلق وقایع عظیم و سرنوشت ساز برای طبقه کارگر و تمامی زحمتکشان ایران و جهان بوده است. وجود دو روز مهم تاریخی (روز جهانی کارگر و روز معلم) در این ماه موجب شده است تا هر روزش تبدیل به زمانی برای به روی صحنه آمدن طبقات فرودست ایران، برای مبارزه‌ای علیه استبداد و ظلمت سرمایه‌داری تبدیل شود.

در ماهی که گذشت نظام سرمایه‌داری اسلامی و دنیای رو به زوال امپریالیست‌ها با تمام قدرت شمشیرها را از رو بستند و برای به شکست کشاندن مبارزات حق طلبانه طبقه کارگر و زحمتکشان به میدان آمدند تا با سرکوب و فریب، بهشت ایجاد شده برای طبقات بالادستی را جاودانه کنند. زهی خیال باطل!

کارگران و زحمتکشان که مدت‌هاست، دیگر چیزی جز جان عزیزشان برای از دست دادن ندارند بدون ذره‌ای تزلزل در مقابل لشکر تا دندان مسلح سرمایه‌داران در قدرت، صف کشیدند تا دنیایی فارغ از ظلم و ستم بوجود آورند. دنیایی که در آن نه کودک کار وجود دارد و نه زنانی له شده که برای غذا و داروی خود و خانواده به تن فروشی کشیده می‌شوند. نه پدری شرمند خانواده، با دست خالی به خانه می‌رود و نه مادری برای حفظ فرزندان خود، حتی از لقمه نان خود باید بگذرد.

حاکمیت سرمایه‌داری اسلامی به پیروی از ارگان‌های جهانی نتولیرالسم، بدون ذره‌ای شرم در راستای اجرای سیاست‌های ایران برپادده خود، تا آنجا پیش آمده است که می‌خواهد حتی نان را نیز از سفره اکثریت مردم ایران بدزد و رسماً زحمتکشان را به بردگی بی مزد و اجرت بکشد.

در ماهی که گذشت مردم بسیاری از شهرها در مقابل سیاست‌های ضد مردمی رژیم به خیابان ریختند و شعار نابودی این نظام کثیف و مستولان فاسد و تبهکار را سردادند. اگر چه امروز مردم جان به لب رسیده دیگر هراسی از رو دررو شدن با جمهوری اسلامی ندارند ولی نبود رهبری واحد و سراسری همچون دفعات قبل موجب می‌شود که مبارزه جسورانه‌شان به نتیجه نرسد. آنچه که طبقه کارگر و زحمتکشان و مردم ایران نیاز دارند تا مبارزاتشان به بارنشیند و طعم میوه شیرین زندگی انسانی را بچشند، مبارزه متحدانه، آگاهانه و

متشکل تحت رهبری تشکلات واحد سراسری صنفی و سیاسی است. وجود اتحادیه واحد و سراسری و حزب طبقه کارگر است که جامعه را متحول می‌سازد و رفاه و امنیت سیاسی و اقتصادی را به ارمغان می‌آورد. در اردیبهشت ماه مبارزات پر شور کارگران و زحمتکشان ادامه یافت و در ذیل بخشی از وقایع مبارزاتی را مورد توجه قرار می‌دهیم:

سرکوب و مقاومت ۱ اردیبهشت

همزمان با تجمع سراسری معلمان همسو با خط سرکوب، دادگاه تجدید نظر با احکامی ظالمانه و بدون مستند «مهدی فتحی»، کنشگر صنفی استان فارس را به ۸ سال زندان و ابطال گذرنامه و ممنوعیت از خروج کشور محکوم نمود.

۵ اردیبهشت

حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر به آقای «علی حسن بهامین» از معلمان و فعالین صنفی یاسوج مقابل دانشگاه یاسوج به قصد بازداشت ایشان، با مقاومت و حمایت مردمی دفع و بی اثر گشت.

در آستانه اول ماه مه یازده اردیبهشت، روز جهانی کارگر، فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت‌تپه، در شعبه شانزدهم تجدیدنظر استان خوزستان محاکمه می‌شود. سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه ضمن محکوم کردن پرونده‌سازی برای فرزانه زیلابی، خواستار مخومه اعلام شدن پرونده این وکیل شجاع و آگاه کارگران نیشکر هفت‌تپه می‌باشد.

۶ اردیبهشت

سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار اطلاعیه‌ای احضار و تهدید تلفنی اعضای سندیکا را محکوم ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «قطعاً فشارهای صورت گرفته بر کارگران و حامیان طبقه کارگر در آستانه روز جهانی کارگر برای جلوگیری از حق بدیهی کارگران در برگزاری مراسم روز جهانی کارگر با هر شکل آن است و سندیکا فشارهای فراقانونی نهادهای امنیتی برای جلوگیری از مراسم روز جهانی کارگر را قویاً محکوم و خواهان توقف این روند فراقانونی می‌باشد.»

۸ اردیبهشت

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای در مورد وضعیت نگران‌کننده «بهنام موسیوند» هشدار داد. در این بیانیه آمده است: «... آنچه بر «بهنام موسیوند» می‌رود، بارها در زندان‌های ایران تکرار شده و در برخی موارد به فاجعه انجامیده است. «بهنام محجوبی» که «موسیوند» در اعتراض به عدم ارائه خدمات درمانی به او، به معاونت بند ۸ رفت و فریاد اعتراض‌اش را به گوش زندانبانان رساند، یکی از این موارد است. فاجعه‌ای که در قتل «بکتاش آبتین»، شاعر، فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران نیز تکرار شد و در روزهای پایانی فروردین ماه سال جاری به مرگ «مهدی صالحی قلعه شاهرخی»، از بازداشت‌شدگان دی ماه ۹۶، انجامید. ...»

۱۰ اردیبهشت

ساعت ۷ صبح، ماموران امنیتی با یورش به منزل فعالان صنفی و شکستن در «محمد حبیبی»، «جعفر ابراهیمی»، «علی اکبر باغانی» و «رسول بدائی»، از اعضای کانون صنفی معلمان ایران (تهران) را دستگیر کردند. کانون صنفی معلمان ایران (تهران) با انتشار بیانیه‌ای

بدای، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، منصوره عرفانیان، هادی صادق زاده، دکتر محمودی، لطیف روزیخواه، ناصر شاکرمی، سیاوش رضاییان و حسین سلامی) از بازداشت شدگان چند روز اخیر، به تکلیف در زندان مانده اند. شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم نمودن این بازداشت‌ها، خواهان لغو احکام ناعادلانه علیه معلمان و آزادی تمام معلمان زندانی است.

سندیکای کارگران شرکت واحد بازداشت فعالین کانون صنفی معلمان را قویا محکوم می‌کند و همچنین یورش ماموران اطلاعاتی را به منازل اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد «حسن سعیدی» و «داود رضوی» و دیگر موارد را بشدت محکوم می‌کند و خواستار آزادی بی‌قید و شرط تمامی بازداشت شدگان معلمان و بازداشت‌شدگان و کارگران می‌باشد.

۱۴ اردیبهشت «اسکندر لطفی» و «مسعود نیکخواه» که از لحظه بازداشت، در اعتراض به بازداشت فعالین صنفی دست به اعتصاب غذا زده بودند سومین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند.

۱۵ اردیبهشت

«منصوره عرفانیان» فعال صنفی مشهد و «دکتر ابراهیم محمودی» عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز آزاد شدند.

۱۶ اردیبهشت

«جان بهنام موسیوند» در خطر است! بهنام موسیوند، زندانی سیاسی در پانزدهمین روز اعتصاب غذای خود به سر می‌برد و شرایط جسمانی او وخیم گزارش شده است. وی در اعتراض به عدم دسترسی زندانیان به درمان، دست به اعتصاب غذا زده است.

۱۸ اردیبهشت

آقای «لطیف روزیخواه»، عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان آذربایجان شرقی بصورت مشروط با رأی باز آزاد شد.

۱۹ اردیبهشت

در حمایت از «اسکندر لطفی» و «مسعود نیکخواه»، فرهنگیان مریوان که روز قبل دست به تحصن زده بودند امروز دست به تجمع اعتراضی زدند.

«محمدرضا رمضانزاده» رئیس انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی که با اتهام ساختگی تشکیل گروه به قصد برهم زدن امنیت ملی کشور حکم چهار سال زندان داشتند، پس از گذراندن یک سال و پنج ماه از این حکم به استناد مواد ۵۸ و ۶۱ قانون مجازات اسلامی (آزادی مشروط) از زندان آزاد شدند.

مأموران امنیتی با هجوم به خانه «کیوان مهدی»، نویسنده، مترجم و عضو کانون نویسندگان ایران و «آیسا اسدالهی»، مترجم، آن‌ها را بازداشت کردند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بازداشت آیسا اسدالهی و کیوان مهدی از معلمان دلسوز و حامی طبقه کارگر را قویا محکوم ساخت و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط آنان شد.

۲۱ اردیبهشت

«شعبان محمدی» عضو انجمن صنفی معلمان مریوان دستگیر شد. شایان ذکر است که «شعبان محمدی» پیش از این یک بار در ۱۱ بهمن ۱۴۰۰ پیش از تجمع و بار دیگر در یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۱ در تجمع معلمان مریوان بازداشت شده بود. هم‌اکنون دو عضو دیگر انجمن صنفی معلمان مریوان «اسکندر لطفی» و «مسعود نیکخواه» هم در زندان می‌باشند و در یازدهمین روز اعتصاب غذا هستند.

۲۲ اردیبهشت

بازداشت فعالان صنفی را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... کانون صنفی معلمان ایران (تهران) همراه با فراخوان شورای هماهنگی و همدوش معلمان آزاده تلاش خود را در برگزاری هرچه بهتر تجمع ۱۱ اردیبهشت بکار خواهد بست و اعلام می‌کند که حاکمیت چاره‌ای جز تن دادن به خواسته‌های به حق فرهنگیان ندارد و با بازداشت فعالان صنفی ما را در مسیر صنفی خود استوارتر خواهد کرد». «عثمان اسماعیلی» و «صلاح سرخی» توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. ماموران وزارت اطلاعات یک روز مانده به روز جهانی کارگر به منزل «حسن سعیدی» و «داود رضوی» از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد حمله بردند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای تهاجم ماموران وزارت اطلاعات منزل اعضای خود «حسن سعیدی» و «داود رضوی» همچنین تماس‌های تهدید آمیز و ارسال پیامک تهدید آمیز به بسیاری از اعضای خود را محکوم ساخت و خواهان رفع آزار و اذیت و تهدید نهادهای امنیتی از اعضای سندیکا و محتومه شدن پرونده‌های قضایی علیه اعضا سندیکا شد.

آقایان «اسکندر لطفی»، «شعبان محمدی» و «مسعود نیکخواه» نیمه شب بازداشت شدند. همچنین خانم منصوره عرفانیان از فعالان صنفی معلمان خراسان رضوی در منزل شان بازداشت شدند.

۱۱ اردیبهشت

«رادا مردانی» در دادگاه کیفری دو شهرستان دلفان استان لرستان دادگاهی شد.

در تجمع فرهنگیان مشهد معلم بازنشسته آقای «هادی صادق زاده» و اولیای یکی از دانش آموزان به نام آقای «منتظری» که بیانیه پایانی تجمع را قرائت کردند، بازداشت شدند.

آقای «لطیف روزیخواه» فعال صنفی و عضو هیات مدیره کانون فرهنگیان آذربایجان شرقی در حالیکه با آزادی مشروط بیرون از زندان بودند درست یکساعت قبل از تجمع با احضار و بدون هیچ دلیلی بدستور دادستان به زندان فرستاده شدند.

۱۲ اردیبهشت

با تجمع حمایتی معلمان جلو دادگستری بوشهر هشت نفر از معلمان بازداشت شده آزاد شدند. شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم نمودن این بازداشت‌ها، خواهان لغو احکام ناعادلانه علیه معلمان و آزادی تمام معلمان زندانی شد و یادآوری کرد که این احکام نمی‌تواند در اراده معلمان خللی ایجاد کند و ما تا تحقق مطالبات به خیابان خواهیم آمد.

۱۲ اردیبهشت

«فاطمه بهمنی» فعال صنفی استان مرکزی و «صلاح سرخی» عضو انجمن صنفی معلمان سقز و زیویه به قید وثیقه آزاد شدند.

۱۳ اردیبهشت

«اسماعیل عبدی» در زندان مرکزی کرج سومین روز اعتصاب غذای خود را پشت سر گذاشت. عبدی در پیام صوتی از زندان، دلایل اعتصاب خود را صدور احکام امنیتی طولانی مدت برای فعالان صنفی و ظلم مضاعف به خانواده‌های معلمان و کارگران عنوان کرد.

در روز کارگر و معلم بیش از ۲۰۰ نفر در سراسر ایران احضار، بازداشت موقت و زندانی شدند. که در این میان کماکان هفده نفر (محمود ملاکی، محسن عمرانی، دکتر امانی فر، اصغر حاجب، مسعود نیکخواه، اسکندر (سوران) لطفی، علی اکبر باغانی، رسول

۲۵ اردیبهشت

خانم « فریامعینی »، آقای « عبدالرسول عمادی »، « مسعود فرهیخته »، « ژاله روحزاد »، « احمد حیدری »، و آقای « رحمان رئیسی » آزاد شدند.

۲۸ اردیبهشت

« حسن سعیدی » از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد با هجوم ۹ تن از مامورین اطلاعات، بازداشت شد. طبق تماس کوتاهی ایشان اطلاع دادند که به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده اند.

۲۹ اردیبهشت

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار اطلاعیه‌ای، بازداشت اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، آقایان، « رضا شهابی » و « حسن سعیدی » و هجوم به منزل « داود رضوی » و همچنین ادامه بازداشت « ریحانه انصاری نژاد »، از کارگران و فعالین کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری را محکوم کرد و خواستار پایان دادن به فضای سرکوب و ارباب شد.

روز جهانی کارگر

۴ اردیبهشت

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار فراخوانی فرهنگیان شاغل و بازنشسته و والدین دانش آموزان را به شرکت در تجمع روز جهانی کارگر و روز معلم دعوت کرد.

۷ اردیبهشت

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تبریک روز جهانی کارگر به همه کارگران ایرانی، پیوند میان جنبش‌های مطالبه‌گری در راستای تقویت جامعه مدنی و ارتقا دموکراسی در کشور را نیاز اساسی جامعه ایرانی دانست. در این اطلاعیه آمده است: «... بر همین اساس است که پیوند میان جنبش‌های مطالبه‌گری، معلمان، کارگران، بازنشستگان و دانشجویان ضرورت امروز برای رسیدن به زندگی بهتر و فراهم کردن بستری برای دست یابی به حداقل‌های زندگی شرافتمندانه برای همه مردمانی است که در این سرزمین زندگی می‌کنند».

۸ اردیبهشت

ده سندیکا و تشکل مستقل کارگران، معلمان و بازنشستگان از جمله: (کانون صنفی فرهنگیان البرز، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، شورای بازنشستگان ایران و ...) به مناسبت روز جهانی کارگر، ۱۱ اردیبهشت بیانیه مشترکی منتشر کردند. در این بیانیه آمده است: «سرمایه‌داری حاکم بر ایران، همین الگوهای سرمایه‌داری جهانی و از جمله سیاست‌های نئولیبرالیستی آن را در شرایطی به کار می‌گیرد که با توجه به کنترل انحصاری بر قدرت، منابع و امکانات کشور، رانت‌های باور نکردنی و یغماگرانه‌ای را برای صاحبان قدرت و نفوذ فراهم آورده و پیامدهای بسیار مخرب و ویرانگری را بر زندگی توده‌های مردم کارگر و زحمتکش، نسبت به بسیاری دیگر از کشورها باقی گذاشته است. ... به همین جهت در روز جهانی کارگر، که نظام حاکم همه ساله مانع برگزاری آن می‌شود، لازم است که ما کارگران شاغل و بازنشسته، معلمان، زنان، جوانان دانشجویان و ... با اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر و اتکا به سازماندهی و تشکلهای مستقل خود و از این طریق گسترش مبارزات خویش، خواست‌های خود را به طور صریح و روشن اعلام نموده و با توجه به این وضعیت، همه هم طبقه‌ای‌های

در پی فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، فرهنگیان شاغل و بازنشسته در سراسر ایران دست به تجمع زدند. که با هجوم نیروهای سرکوبگر فرهنگیان زیادی بازداشت شدند.

« ریحانه انصاری » فعال کارگری بازداشت شد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت ریحانه انصاری را شدیداً محکوم ساختند و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط ایشان شدند.

« رضا شهابی » از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد توسط ماموران وزارت اطلاعات در منزل شخصی‌اش بازداشت شد. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار اطلاعیه‌ای بازداشت « رضا شهابی » را محکوم کرد و خواستار آزادی فوری رضا شهابی شد.

« پیروز نامی » دبیر کل کانون صنفی معلمان خوزستان، « علی کروشات » عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان خوزستان و « حسام کرائی » از فعالین صنفی خوزستان در پی مراجعه به پلیس امنیت در خصوص پیگیری وضعیت آقای « سیامک چهرازی » بازداشت شدند.

۲۳ اردیبهشت

آقای « احمد چنگیزی » عضو هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان یزد در پی احضار و پس از مراجعه بازداشت و روانه زندان شدند. هفت فرهنگی زندانی یاسوجی، « سیامک چهرازی »، « پیروز نامی »، « علی کروشات »، « حسام کرائی »، « صفر رضانی » و « احسان اسدی » در میان استقبال فرهنگیان آزاد شدند.

« فریبا معینی » عضو هیات اجرایی شعبه نجف‌آباد کانون فرهنگیان استان اصفهان امروز صبح قبل از طلوع آفتاب در منزل دستگیر شد.

۲۴ اردیبهشت

تجمع معلمان فارس در حمایت از همکاران بازداشتی خود با برخورد شدید امنیتی همراه بود، به طوریکه بیش از ۲۰ معلم شاغل و بازنشسته به همراه خانواده بازداشت‌شدگان ۲۲ اردیبهشت، دستگیر شدند که همگی به استثنای « محمد علی زحمت کش » و « عبدالرزاق امیری »، آزاد شدند. انجمن صنفی معلمان فارس ضمن محکوم ساختن این برخوردهای قرون وسطایی، خواهان آزادی بدون قید و شرط همه معلمان بازداشت شده شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران از اسماعیل عبدی درخواست کرد که اعتصاب غذای خود را بشکند. اسماعیل عبدی با پذیرش درخواست شورای هماهنگی به اعتصاب خود پایان داد و در بیانیه‌ای بدین مناسبت آورد: «... اینجانب با ادای احترام به درخواست شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و با عنایت به پاره‌ای از مذاکرات انجام شده، در این مرحله به اعتصاب غذای خود پایان می‌دهم و از یاران هم‌بند و همراه و بزگوارم در زندان مرکزی کرج آقایان: « مهدی فراخی شان‌دیز »، « منوچهر بختیاری »، « مهدی بیرامی »، « سید ساسان مکانیک‌ناریه » و « محمد آشتیانی » که علی‌رغم داشتن بیماری زمینه‌ای، رنج جابه‌جایی و کف‌خوابی و به خطر انداختن جان خود هموار کردند، سپاسگزاری می‌نمایم و با توجه به این که شرایط برخی از این دوستان در اثر اعتصاب وخیم است، صمیمانه می‌خواهم که به اعتصاب غذای خود پایان دهند. ... در پایان آرزو مند معلمان زندانی بازداشت شده در تجمع ۱۱ و ۲۲ اردیبهشت هرچه زودتر آزاد شوند و به آغوش خانواده و جامعه‌ی معلمان بازگردند».

خود و پشتیبانان جنبش کارگری را به اتحاد عمل برای گسترش و تعمیق مبارزه حول محورهای زیر دعوت کنیم: ...»

۱۰ اردیبهشت

چهار گروه مستقل بازنشستگان (اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، گروه بازنشستگان مستقل تهران، گروه اتحاد بازنشستگان و شورای بازنشستگان ایران) در فرخوان مشترکی اعلام داشتند که برای بزرگداشت روز جهانی کارگر، در تجمع روز کارگر شرکت خواهند کرد.

۱۱ اردیبهشت

در روزهای منتهی به روز جهانی کارگر، تعدادی از فعالین کانون صنفی معلمان و فعالین کارگری با هجوم عوامل امنیتی بازداشت زندانی شدند. ولی تجمع با شکوه معلمان شاغل و بازنشسته و کارگران و زحمتکشان درسایه سرکوب، ضرب و شتم تجمع کنندگان، در بیش از پنجاه شهر کشور از جمله: شهرهای اراک، کرمانشاه، سقز، نورآباد فارس، خمینی شهر، الیگودرز، بوشهر، یزد، هرسین، دلفان، دهدشت، لنگرود، سندر، شوشتر، اسلام آبادغرب، دهگلان، یاسوج، گچساران، شهرضا، کرج، اردبیل، لاهیجان، ایزه، مسجدسلیمان، خرمآباد، خرم‌بید، تربت حیدریه، قزوین، تنکابن، رستم و ممسنی، قیر و کازرین، اهواز، ماهشهر، شیراز، تبریز، اصفهان، تهران و ... برگزار شد. نیروهای سرکوبگر انتظامی، با یورش به تجمع مسالمت‌آمیز معلمان در بوشهر، تعدادی از فرهنگیان را همراه با ضرب و شتم دستگیر کردند و در رشت به رغم فضای بسیار شدید امنیتی معلمان گیلانی تجمع خود را با شکوه برگزار کردند. در تهران، خیل بیشمار نیروهای اطلاعاتی، لباس شخصی و نیروهای نظامی و انتظامی، مکان‌های اعلام شده برای تجمع را تسخیر کرده بودند و مانع تجمع آن‌ها می‌شدند و تجمع‌کنندگان را گرفته و سوار ماشین می‌کردند. نیروهای سرکوبگر با این اعمال ددمنشانه، فقط وحشت و ترس، و پیشاپیش شکست خود را بنمایش گذاشتند. در مریوان جو امنیتی حاکم بود و سپس ماموران به آقای «آرام قادری» حمله کرده و ایشان را زخمی و بازداشت کردند، آقای «ارکان صائب» را با باتوم و شوکر زدند به خانم «سعدی» حمله‌ور شدند و گوشی ایشان را ربودند و از ایشان بابت عودت گوشی و آزادی تعهد گرفتند. آقای «امید رشیدی» را به باد کتک گرفتند و ایشان را نیز دست‌بند زدند و بردند. آقای «مبارکشاهی» را زدند و قصد داشتند که ایشان را بازداشت کنند که با مقاومت همکاران مواجه شدند و ایشان را رها کردند. سپس چندین بار سعی کردند «تحسین مصطفی»، «صالح حبیبی» و «شعبان محمدی» را بازداشت کنند که با مقاومت سخت همکاران مواجه شدند در نهایت چندین نفر لباس شخصی به «تحسین مصطفی» حمله کرده و ایشان را به طرز وحشیانه‌ای کتک زدند و گوشی ایشان را ربودند با همت همکاران «تحسین مصطفی» از دست آنها رها شد. در نهایت وساطت همکاران برای پس گرفتن گوشی همکاران میسر نیفتاد و آقای «شعبان محمدی» را به داخل یک مغازه برده در را بستند و به ایشان شوکر و باتوم تا سرحد مرگ زدند و ایشان را بازداشت کردند. ولی بغیر از تهران در اکثر استانها و شهرستانها، برگزاری تجمعات، بصوت پرشور انجام شد. در قطعه‌نامه پایانی تجمع سراسری روز کارگر آمده است: «... حال که این مملکت نیاز به فرزندان دلیر برای عبور از بحران‌های مختلف پیدا کرده است، ما معلمان فریاد می‌زنیم که تا جایی که به ما مربوط است، ما هستیم، ما آماده‌ایم،

ما آمده‌ایم که بهار را به ارمغان آوریم. در هفت ماه گذشته پاییز و زمستان را به آتش کشیدیم. از تاریکی و سرمای زمستان عبور کردیم و اتحادمان نشان از بهاری بود که در راه است. ... شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بار دیگر با تاکید بر مطالبات جامعه معلمان اعلام می‌کند مادامی که دولتمردان تغییر رویه ندهند از تمام پتانسیل اعتراضی خود برای تحقق مطالبات استفاده خواهد کرد. ...»

«معلم زندانی آزاد باید گردد!»

نزدیک به هزار نفر از کارگران هفت‌تپه به مناسبت روز جهانی کارگر در محوطه صنعتی نیشکر هفت‌تپه با شعار «سیسمونی ترکی باف / سهم نوه قالی باف» دست به تجمع زدند. «یوسف بهمنی» و «خنفر» از نمایندگان کارگران هفت‌تپه در تجمع کارگران به سخنرانی پرداختند و خواسته‌های کارگران از جمله بازگشت به کار کارگران اخراجی، مسئله واگذاری شرکت، اجرای همسان‌سازی حقوق‌های، مخومه ساختن پرونده خانم «زیلابی»، وکیل کارگران را مطرح کردند. در این تجمع، همچنین پرسنل خانم شرکت هفت‌تپه و کارگران بخش کشاورزی نیز در محوطه شرکت حضور یافتند. در حالی که پیش از این به دلیل احتمال برخوردهای امنیتی با تجمعات مسالمت‌آمیز کارگری از حضور کارگران خانم امتناع می‌شد. کارگران هفت‌تپه، ضمن اعلام همبستگی با جامعه فرهنگیان، خواستار آزادی معلمان زندانی شدند.

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای روز کارگر را گرامی داشت. در این بیانیه آمده است: «... برگزاری مراسم مستقل در این روز، بیان آزادانه مطالبات و حق تشکلیابی سازمان‌های مستقل، از حقوق اساسی و اولیه کارگران در سراسر جهان است. پاسخ حاکمان اما به حق‌طلبی، آزادی‌خواهی و تشکلیابی کارگران و هر اعتراض و اعتصاب آن‌ها چیزی جز سرکوب، پرونده‌سازی و زندان نبوده است. کارگران فکری و فرهنگی مستقل ایران نیز هرگز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و از حاکمیت چیزی جز آزار و استعمار ندیده‌اند. کانون نویسندگان ایران ضمن اعلام حمایت از مطالبات کارگران و اعلام همبستگی با آنان در مسیر دستیابی به خواسته‌های برحقشان، همچون گذشته از حق تشکلیابی و آزادی‌بیان بی‌هیچ حصر و استثناء دفاع می‌کند و خواستار آزادی بی‌قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

۱۵ اردیبهشت

پنج سندیکای فرانسوی در بیانیه‌ای حمایت خود را از معلمان و کارگران زندانی در ایران اعلام داشتند. در این بیانیه آمده است: «... ما خواستار خواهان لغو همه محکومیت‌های غیرعادلانه و خلاف آزادی‌های و حقوق بنیادی هستیم. هم‌چنین خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه مبارزین زندانی شده به خاطر فعالیت‌های سندیکایی‌اشان هستیم و نیز آزادی تمامی زندانیان عقیدتی و نویسندگان. ما هم‌چنین از رژیم ایران می‌خواهیم که به پیمان‌های بین‌المللی که دولت ایران امضا کرده، از جمله حق ایجاد تشکلهای مستقل، حق برگزاری تجمعات، حق اعتصاب، و حق قراردادهای جمعی، احترام بگذارد.»

فرهنگیان

۱ اردیبهشت

پس از حدود دو ماه وقفه در تجمعات و اعتراضات خیابانی، بار دیگر با فراخوان شورای هماهنگی فرهنگیان، فرهنگیان شاغل و بازنشسته در اعتراض به عدم اجرای کامل رتبه‌بندی و همسانسازی به خیابان

تجمع سراسری معلمان در اعتراض به بازداشت و زندانی کردن معلمان در تهران و همزمان در شهرهای مریوان، سنندج، سقز، بیجار، دهگلان، کرمانشاه، آمل، شیراز، نورآباد، ممسنی، گیلان، اهواز، اردبیل، سردشت، شهرضا، رشت، کرج، فسا، قزوین، خراسان شمالی، آبدانان، هرسین، اراک، لنگرود، ساری، رضوانشهر، اسلام آباد و دیگر شهرهای کشور برگزار شد. معلمان خواستار آزادی بی‌قید و شرط تمامی معلمان دربند شدند. در تهران جو به شدت امنیتی، و خیابان بهارستان مملو از نیروهای یگان ویژه و لباس شخصی و نیروی انتظامی بود و آقایان «مسعود فرهیخته» و «لطف‌اله جمشیدی» که در تجمع حضور داشتند مقابل مجلس بازداشت شدند. در شهرستان هرسین، نیروهای امنیتی از روز چهارشنبه با انواع فشارهای مختلف مانع تجمع فرهنگیان هرسین شدند. در یاسوج نیز نیروهای امنیتی اجازه تشکیل تجمع را ندادند. معلمان غیور خوزستانی با وجود جو شدید امنیتی و ارباب و تهدید، تجمع اعتراضی برگزار کردند. متأسفانه بعد از اتمام تجمع، نیروهای لباس شخصی با هتک حرمت و به شکل وحشیانه‌ای جناب آقای سیامک چهارزی از فعالان غیور صنفی را بازداشت کردند و حتی با قنடاق تفنگ تعدادی از معلمان را که قصد دفاع از ایشان را داشتند، مورد ضرب و شتم قرار دادند. لازم به ذکر است که برخورد با ایشان به‌قدری وحشیانه بوده که سر ایشان را به جدول می‌کوبیدند. «معلم زندانی آزاد باید گردد»، «با اهل قلم هر که در افتاد، ور افتاد»

۲۸ اردیبهشت

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) پیرامون سناریوسازی ۲۰:۳۰، کیهان و رسانه‌های وابسته اقدام به انتشار بیانیه‌ای کرد که در آن آمده است: «... شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان، تقریباً از زمان تولدش، عضو El بوده و کاملاً شفاف و علنی با این نهاد بین‌المللی که مجموعه‌ای از اتحادیه‌های معلمان سراسر جهان است، ارتباط دارد. یکی از مهمترین وظایف این نهاد، پیگیری اصلاحات آموزشی و رصد شرایط آموزش و پرورش کشورها به ویژه وضع معلمان است. حال چگونه است که این فرد که عضو این نهاد بین‌المللی است و با اسم و رسم و عنوان به ایران می‌آید و در حوزه فعالیت خودش انجام وظیفه می‌کند جاسوس نامیده می‌شود؟! ... هشدار داده و توصیه می‌کنیم با چنین برنامه‌هایی بیش از این عرض خود را نبرید، زیرا حرکت معلمان با خواسته‌های معیشتی - منزلتی که در یک سال گذشته بیش از همیشه پویا، زنده و واقعی ست با این برنامه‌های مستهجن! نه تنها آرام نمی‌گیرد بلکه آتش خشم‌شان را پرافرخته‌تر خواهد کرد.»

۲۹ اردیبهشت

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، با انتشار بیانیه‌ای در پاسخ به سناریوسازی مضحک صدا و سیما علیه فعالان صنفی معلمان، این حرکت مذبوحانه را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن حمایت قاطع از تمامی معلمان دستگیر شده و رد اتهامات نخبه‌ها، انتظار دارد که تمامی آن‌ها در اسرع وقت و بی‌قیدوشرط آزاد شوند و یا طبق اصل ۱۶۵ قانون اساسی، دادگاه آن‌ها به صورت علنی برگزار شود، تا ملت شریف ایران خود قضاوت کنند: تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد. علی‌رغم منش معلم ستیزی برخی از تصمیم‌سازان، امیدواریم به‌خاطر شرایط حاکم بر کشور، زعمای باقی‌مانده با تجدید نظر در نگاه خود، به‌جای خط سرکوب، به

آمدند و صفحه‌ای دیگر از کنشگری خویش را در بیش از ۷۰ شهر کشور به نمایش گذاشتند. معلمان بر این مهم تأکید نمودند که فارغ از مسائل تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان و مشکلات اقشار مختلف جامعه نیستند و علاوه بر مشکلات معیشتی خویش فریاد عدالت برای همه اقشار را پیش کشیده‌اند. اصرار بر اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی نشان‌دهنده عزم راسخ معلمان برای فریاد عدالت برای همگان است. و با در دست داشتن تصاویر معلمان زندانی شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد"، سر دادند و خواستار پایان دادن به پرونده‌سازی، حبس و دیگر شیوه‌های سرکوب شدند. تعدادی از شهرهایی که به فراخوان شورای هماهنگی پاسخ دادند و به تجمع سراسری کشوری پیوستند به قرار زیر است: بوشهر، شیراز، تهران، کرمان، رشت، سنندج، اصفهان، الیگودرز، اسلام‌آبادغرب، ساری، بابل، همدان، تبریز، مریوان، برازجان، ماهشهر، شیروان، اهواز، هرسین، جلفا، ملارد، سردشت، فیروزآباد، کازرون، رستم، داراب، زرین‌دشت، سیرجان، بروجرد، شوش، دلفان، سقز، بانه، شوشتر، مهریز، کرج، زیویه، اراک، کوه‌دشت، شهرکرد، لرستان، تاکستان، قم، شهرضا، بیجار، بوکان، نیشابور، دهگلان، زنجان، کرمانشاه، پلدختر، کامیاران، مشهد، یزد، بهمنی، یاسوج، لاهیجان، اندیشک، خمینی شهر، اردبیل، باغملک، تربت‌حیدریه، زاهدان، قزوین، ایذه، فسا، لامرد، نجف‌آباد، دیواندره، رضوانشهر، پاسارگاد، شهریار. متأسفانه تجمع در تهران با دخالت پلیس و نیروهای امنیتی شکل نگرفت و ۴۰ زن معلم و ۳۰ معلم مرد دستگیر شدند. معلمان زن به بازداشتگاه وزرا و مردان به کلانتری گیشا منتقل شدند که خوشبختانه تا آخر روز پنجشنبه همگی آزاد شدند.

سازمان جهانی معلمان (ای) حمایت خود را از اعتراضات معلمان ایران اعلام داشت و برخوردهای قهری با معلمان را محکوم ساخت. در بیانیه‌ای از طرف این سازمان آمده است: «دستگیری فعالان معلمی در ایران در آستانه اول ماه می را قاطعانه محکوم می‌کنیم! سرکوب و تعقیب معلمان و سایر فعالان سندیکایی و جنبش‌های کارگری در این کشور باید متوقف شود.»

۱۷ اردیبهشت

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن اعتراض علیه سیاست سرکوب و بازداشت فرهنگیان، معلمان و دیگر فرهنگیان شاغل و بازنشسته را به تجمع دعوت کرد. در این فراخوان آمده است: «انتقاد عقلانی، ابزار ما بود اما جواب شما، خشونت بود و سرکوب! ... بنابراین، شورای هماهنگی، ضمن پای فشردن موکد بر استیفای مطالبات معیشتی و آموزشی فرهنگیان و دانش‌آموزان، بازداشت‌ها و احضارهای فله‌ای و غیرقانونی معلمان در دو هفته اخیر و برخورد هنجارشکنانه و بعضاً توأم با ضرب و شتم آن‌ها را شدیداً محکوم و اعلام می‌نماید که در صورت آزاد نشدن معلمان بازداشتی طی روزهای آتی، در اعتراض به این رفتار انحصارجویانه و ضد مردم‌سالاری، تجمع خود را این بار در سراسر کشور در روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت با محوریت ویژه حمایت از معلمان بازداشتی و زندانی و همچنان عدم اجرای رتبه‌بندی و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و پولی‌سازی آموزش برگزار می‌نماید. طبیعتاً، سران سه قوه، مسئول حفظ جان معلمان زندانی به ویژه آقایان اسماعیل عبدی، اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه که در اعتصاب غذا به سر می‌برند و دیگری که به منظور حمایت به این عزیزان پیوسته‌اند، خواهند بود.»

۲۲ اردیبهشت

پاسخگویی مطالبات جامعه معلمی پیردازند و از پروژه سازی‌های نمایشی علیه معلمان دست بکشند و خیال باطل سرکوب فعالیت‌های صنفی را از سر بیرون کنند ...»

شرکت واحد

۱۴ اردیبهشت

سندیکای کارگران شرکت واحد در پی حذف سازمان یافته و زنجیره‌ای مزایای نقدی و غیرنقدی کارگران شرکت واحد، در اطلاعیه‌ای عنوان کرد: «... سندیکای کارگران شرکت واحد خطاب به کارگران اعلام می‌کند، برای جلوگیری از روند حذف مزایا توسط مدیریت، تنها راه اتحاد و همبستگی حداکثری کارگران در سندیکا و برگزاری مداوم اعتراضات جمعی می‌باشد. همچنان که اتحاد و همبستگی کارگران و پیوستن به سندیکا در سال ۱۳۸۴ و برگزاری اعتراضات و اعتصابات، با قدرت جمعی خود افزایش حقوق و پرداخت مزایای متعدد را رقم زدیم...»

۲۵ اردیبهشت

جمعی از رانندگان و کارگران بازنشسته اسفند ماه سال ۱۴۰۰ شرکت واحد، در اعتراض به عدم پرداخت چهار درصد حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور و عدم پرداخت سنوات خدمت، مقابل اداره مرکزی شرکت واحد دست به تجمع اعتراضی زدند. متأسفانه این رانندگان و کارگران زحمت‌کش در حال حاضر نه شاغل محسوب می‌شوند و نه بازنشسته و با مشکلات جدی از نظر معیشت و استفاده از بیمه درمانی مواجه هستند.

۲۶ اردیبهشت

سندیکای کارگران شرکت واحد در پی حرکت مذبحخانه پرونده‌سازی امنیتی علیه فعالین صنفی، با انتشار بیانیه‌ای پرونده‌سازی، بازداشت و نشر و پخش اکاذیب علیه فعالین صنفی را به شدت محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... مقامات امنیتی، قضایی و اجرایی حکومت از آنجا که از هرگونه پاسخ انسانی و مسئولانه نسبت به مطالبات بر حق طبقه کارگر و مردم محروم و ستم دیده ایران ناتوان بوده و هستند، بیش از پیش به راه حل همیشگی‌شان، یعنی سرکوب، پرونده‌سازی، بازداشت، سناریوسازی و نشر و پخش اکاذیب و اتهامات نخ نمای امنیتی، متوسل شده‌اند. ... سندیکای کارگران شرکت واحد، هرگونه اتهام وارده و پخش اکاذیب علیه اعضای خود از جمله «رضا شهابی» که در تاریخ ۲۲ اردیبهشت بازداشت شده است، و دیگر بازداشت‌های کارگری و فرهنگی را محکوم می‌کند. کلیه فعالین کارگری و اجتماعی در روزهای اخیر از جمله «آینشا اسدالهی»، «ریحانه انصاری‌نژاد»، «کیوان مهتدی» و همچنین معلمان بازداشتی از جمله «رسول بدافی»، «جعفر ابراهیمی»، «اسکندر لطفی»، «محمد حبیبی»، «محسن عمرانی» و ... باید بدون هرگونه قید و شرط آزاد شوند...»

۲۷ اردیبهشت

رانندگان شرکت واحد خطوط بی آر تی، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق کارگران، مطابق مصوبه شورای عالی کار دومین روز از اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. کارفرما به جای پاسخگویی به مطالبات کارگران، با آموزش یک شبه، تعدادی از رانندگان شهرداری و بخش خصوصی را به قصد مقابله با اعتصاب کارگران و رانندگان به کار گمارد. ولی علیرغم این تلاش مذبحخانه، اعتصاب رانندگان در تمامی سامانه‌ها ادامه یافت. رانندگانی اعتصابی که حاضر به رفتن به خط نشدند با فشار پلیس مجبور به ترک توقفگاه شدند. پلیس سعی

داشت تا با ایجاد رعب و وحشت و بعضاً دستگیری و تحت تعقیب قرار دادن کارگران، اعتصاب را بشکند، روز قبل پلیس حین متفرق کردن کارگران از مقابل اداره مرکزی «وحید فریدونی» و خانم «اسدی» و چند تن دیگر از کارگران را بازداشت کرد و صبح روز ۲۷ اردیبهشت نیز ۱۲ تن از رانندگان سامانه ۶ بازداشت شدند که «محمد رضایی» در میان بازداشت شدگان بود. رانندگان و کارگران شرکت واحد اعلام داشتند: تا زمانی که شهرداری حقوق کارگران را مطابق مصوبه شورای عالی کار پرداخت نکند به اعتصاب ادامه می‌دهند. اسامی برخی از کارگران و رانندگان بازداشتی این دو روز از اعتصاب، عبارت است از: «وحید فریدونی»، «علیرضا زارعی»، «جواد صادقی پور»، «محمد عباس دایی»، «احد صالح پور»، «خانم اسدی»، «محسن اکبری»، «علی شایقی»، «محمد رضایی»، «عباس تاجیک» و «اکبر رزمی». شایان ذکر هست همسر آقای رزمی پس از بازداشت شوهرش به سامانه شش مراجعه و شدیداً اعتراض می‌کند و ایشان را نیز بازداشت کردند.

شهرداری برای شکستن اعتصاب رانندگان و کارگران شرکت واحد علاوه بر استفاده از ماشین‌های نظامی قصد داشت تا آتش نشانان را به جای رانندگان اعزام کنند که آتش نشانان پذیرفتند و مسئولان ضد کارگر را سنگ روی یخ کردند. اتحاد رمز پیروزی کارگران است!

اتحادیه راهبران مترو تهران با انتشار بیانیه‌ای در کانال تلگرام خود حمایت کارگران مترو از اعتصاب کارگران شرکت واحد را اعلام داشت. سندیکای کارگران شرکت واحد در اطلاعیه‌ای اعلام داشت: «با توجه باینکه عدم افزایش حقوق کارگران شهرداری مطابق مصوبه شورای عالی کار شامل حال همه کارگران شهرداری از جمله مترو و آتش نشانی و سایر بخش‌ها می‌شود، همچنین بخش خصوصی شرکت واحد به دلیل مشکلات فراوان‌شان، ضرورت دارد تا کارگران این مجموعه‌ها در همبستگی، از اعتصاب رانندگان و کارگران شرکت واحد حمایت کنند.»

۲۸ اردیبهشت

سندیکای کارگران شرکت واحد خواستار آزادی بی‌قید و شرط تمامی بازداشت شدگان دو روز اخیر و همچنین آزادی «رضا شهابی» عضو هیئت مدیره این سندیکا شد.

اتحادیه راهبران مترو تهران و حومه خواستار آزادی بی‌قید و شرط رانندگان بازداشتی شرکت واحد و ابلاغ دستمزدها بر اساس مصوبه شورای عالی کار شد. در متن نامه‌ای به زاکانی آورده اند: «... جهت پایان دادن به این تنش و بی‌اعتمادی بوجود آمده دو راهکار پیشنهاد می‌گردد که در اجرای آن مختار هستید و عواقب ناشی از عدم پذیرش به عهده جنابعالی می‌باشد. ۱- آزادی بی‌قید و شرط همکاران بازداشتی شرکت واحد. ۲- ابلاغ بی‌قید و شرط مصوبه شورای عالی کار...»

۳۱ اردیبهشت

راهبران متروی تهران در بیانیه‌ای خواستار اجرای دقیق مصوبه‌ی مزدی شورای عالی کار بدون کم یا زیاد شدند. در این بیانیه آمده است: «... لازم است در اینجا تاکید نمایم پرسنل حمل و نقل عمومی شهر تهران خواستار اجرای کامل بخشنامه شورای عالی کار برای سایر سطوح مزدی می‌باشند و هرگونه تصمیم شورای شش نفره که تشکیل آن جهت دستکاری و اعمال نظر بر روی بخشنامه‌ی شورای عالی کار مسبوق به سابقه نبوده را به هیچ عنوان نخواهند پذیرفت و

از کار کشیده و به خوابگاه‌ها برگشتند.

۵ اردیبهشت

کارگران پروژه‌ای شاغل در سایت ۱ پتروشیمی بوشهر دست به اعتصاب زدند. کارگران پروژه‌ای نفت اعلام کرده بودند که چنانچه خواسته‌های‌شان مبنی بر افزایش دستمزد و نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت محقق نشود از روز پنجم دست به اعتصاب گسترده‌ای خواهند زد.

کارگران پروژه‌ای شاغل در فاز ۱۹ عسلویه بوشهر برای دستیابی به خواسته‌های شغلی خود و پایین بودن سطح مزدها و مزایای شغلی خود دست به اعتصاب زدند.

۶ اردیبهشت

کارگران پروژه‌ای- پیمانی در پیمانکاری بهروز لیموچی در نیروگاه سیکل ترکیبی (ب ۱۱) عسلویه دست به اعتصاب زدند. خواست فوری کارگران پروژه‌ای در صنعت نفت، افزایش دستمزدها و نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت است. کارگران داربست‌بند پروژه‌ای شرکت ناورود در پتروپالایش کنگان با خواسته‌های افزایش دستمزدها و نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت دست به اعتصاب زدند.

۷ اردیبهشت

کارگران پروژه‌ای شرکت جهانپارس شاغل در فاز ۲ پالایشگاه بیدبلند بهبهان با خواسته‌های افزایش دستمزد و نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت به اعتصاب سراسری کارگران پروژه‌ای نفت پیوستند.

۱۰ اردیبهشت

کارگران و کارمندان پروژه‌ای شرکت (آی جی سی) شاغل در پروژه‌ی مجتمع گاز (ان جی ال ۳۱۰۰) واقع در منطقه دشت عباس شهرستان دهلران دست به اعتصاب زدند.

۱۴ اردیبهشت

کارگران پروژه‌ای آی جی سی چشمه خوش دهلران بهبهان به دلیل خلف وعده کارفرما، به طور کامل کارگاه را تعطیل کردند. کارفرما وعده داده بود با شرایط کارگران موافقت می‌کند. اما خبر آمد که کیانی و طباطبایی از تهران با مدیر پروژه تماس گرفته و گفته‌اند به پیمانکاران پروژه بگویید زیر بار شرایط کارگران نروند. بیدکانی سرپرست کارگاه و کمایی هم اعلام کردند که دستمزد و شرایط کار تغییر نمی‌کند و هر کس ناراضی است می‌تواند تسویه حساب کند. به همین دلیل همه کارگران متفقا کار را تعطیل کردند.

۱۷ اردیبهشت

کارگران پروژه‌ای شاغل در پتروشیمی گچساران با مطالبات «افزایش دستمزد، نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت، پرداخت دستمزدهای معوقه» دست به اعتصاب زدند. این در حالیست که با شروع اعتصاب کارگران پروژه‌ای از روز پنجم اردیبهشت، اکثر پیمانکاران و کارفرمایان به خواسته‌های کارگران تن دادند و کارگران برخی شرکت‌ها نظیر (آی جی سی) در پروژه‌های دهلران و آبادان که خواسته‌هایشان پذیرفته نشد کلاً از شرکت پیمانکار تسویه کرده و کارگاه را به تعطیلی

یقیناً با اعتراض این صنف روبرو خواهند شد. راهبران مترو در پایان خواستار آزادی رانندگان بازداشتی شرکت واحد و افزایش دستمزد تمام کارگران شهرداری به اندازه‌ی مصوبات شورایعالی کار شدند. آن‌ها همچنین اعلام کردند معوقه‌ی حقوق فروردین باید به زودی پرداخت شود.»

سندیکای کارگران شرکت واحد در اطلاعیه‌ای به شرح چگونگی اعتصاب دو روزه شرکت واحد پرداخت. در این اطلاعیه آمده است: «رانندگان خطوط بی آر تی با اعتصاب متحدانه و با شکوه و بی‌نظیر و حمایت کارگران تعمیرگاه‌ها و توقفگاه‌ها، و تعدادی از بخش اداری توانستند شهردار و مدیریت شرکت واحد را که با آگاهی کامل دست درجیب کارگران کرده بودند و قصد داشتند مصوبه شورایعالی کار را دور بزنند، را به عقب نشینی و پذیرفتن مطالبات و ابدارند. ... این اتحاد و همبستگی، فرصت هر نوع فریب کاری و وعده‌های دروغین را از «زاکانی» و «نکاحی» گرفت و به اجبار چهل درصد بطور موقت و علی‌الحساب در فیش حقوقی رانندگان منظور گردید و این موفقیت یادآور اتحاد و یکپارچگی اعتصابات دی و بهمن ۸۴ است. ... سندیکای کارگران شرکت واحد با تمام توان وامکانات از مطالبات بحق رانندگان و کارگران شرکت واحد پشتیبانی می‌کند و بازداشت تمامی رانندگان اعتصابی اخیر و بازداشت «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» و حمله و وحشیانه عوامل امنیتی و شکستن درب ساختمان و درب ورودی منزل «داود رضوی» دیگر عضو سندیکا را به قصد دستگیری قویاً محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی تمامی بازداشت شدگان هستیم و همچنین خواستار بازگشت بکار همه‌ی رانندگان حق طلب و حق خواه اخراجی می‌باشیم. ... اسامی بازداشتی‌های اعتصاب: ۱- «وحید فریدونی» ۲- «فریبرز سجادی پور» ۳- «محسن قرایی» ۴- «حامد اصغری» ۵- «علی صمصحانی» ۶- «جواد صادقی» ۷- «محمد علی عبادداری» ۸- «علی اصغر آبتناس» ۹- «محسن کبیری دور» ۱۰- «احد صالح پور» ۱۱- «ابراهیم گورانی»

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن ابراز نگرانی شدید از وضعیت جسمانی «رضا شهابی»، بازداشت رضا شهابی، «حسن سعیدی»، «ریحانه انصاری نژاد»، «آنیسا اسداللهی»، «کیوان مهتدی»، و معلمان بازداشتی و پرونده‌سازی کاذب علیه آنان را قویاً محکوم ساخت و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان و کلیه بازداشتی‌های اعتصاب کارگران شرکت واحد از جمله: «وحید فریدونی، فریبرز سجادی پور، محسن قرایی، حامد اصغری، علی صمصحانی، جواد صادقی، محمد علی عبادداری، علی اصغر آبتناس، محسن کبیری دور، احد صالح پور و ابراهیم گورانی» شد.

نفت، گاز و پتروشیمی

۴ اردیبهشت

کارگران پروژه‌ای پیمانکاری فرجود شاغل در پتروشیمی بوشهر پس از تجمع به پیشواز اعتصاب سراسری رفتند. کارگران دست

کشاندند.

۱۸ اردیبهشت

کارگران شرکتی پتروشیمی تبریز در اعتراض به پایین بودن دستمزدها و اختلاف فاحش و بسیار زیاد حقوق خود با کارکنان رسمی، مقابل ورودی این پتروشیمی دست به تجمع زدند. در حالی که دستمزد کارگران شرکتی با همه مزایا به ده میلیون تومان هم نمی‌رسد، پرسنل رسمی حتی تا ۴۷ میلیون تومان هم دریافت می‌کنند. علاوه بر این کارانه کارگران ۸۰۰ هزار تومان تعیین شده در صورتی که رقم کارانه برای پرسنل رسمی پتروشیمی تبریز ۵ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. نیروهای پیمانکاری پتروشیمی گچساران در روز دوم از اعتصاب خود خواستار پرداخت حقوق معوقه و افزایش حقوق شدند. نیروهای پیمانکاری پتروشیمی برای چندمین بار از سال گذشته و اولین بار در سال جدید اعتصاب کرده‌اند.

۲۰ اردیبهشت

کارگران قراردادی پالایشگاه آدیش و ستاره، فاز ۱۱، در شهر کنگان به دلیل افزایش نیافتن دستمزدها و رعایت نشدن مقررات کمپین ۱۰-۲۰ اعتصاب کردند. پیمانکاران با وعده افزایش حقوق و برقراری ۲۰-۱۰ تلاش کردن کارگران را از ادامه اعتصاب باز دارند. اما کارگران به دلیل خلف وعده پیمانکاران، برای رسیدن به خواسته‌هایشان دست از کار کشیده و به اعتصاب ادامه دادند. کارگران بومی نیروگاه رامین ویس اهواز در سومین روز اعتراض خود، همراه با خانواده‌هایشان در برابر این نیروگاه تجمع کردند و خواهان بازگشت به کار شدند. کارگران می‌گویند مدیریت نیروگاه پس از اخراج ما، کارگران غیربومی و آشنایان خود را جایگزین کرده‌اند.

۲۴ اردیبهشت

گروهی از کارکنان قرارداد موقت شرکت نفت اهواز و جزیره خارک، نسبت به افزایش ۱۰ درصدی حقوق خود در مقایسه با تورم و گرانی تجمع اعتراضی برگزار کردند. «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه»، «تورم ۱۰۰ درصدی، افزایش ۱۰ درصدی»

پرسنل قراردادی مدت موقت نفت در بعضی از شهرهای نفتی از جمله در اهواز، گچساران و خارک دست به تجمع زده و خواستار اعمال افزایش حقوق در سال ۱۴۰۱ بر اساس مصوبه شورای عالی کار شدند. در اهواز کارگران قرارداد موقت و مدت معین نفت و گاز و حفاری در برابر شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در بلوار پاسداران تجمع کردند. این تجمع با فراخوان قبلی و در پی تجمع اعتراضی روز ۲۱ اردیبهشت‌ماه کارگران قراردادی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران صورت گرفته است.

۲۸ اردیبهشت

کارگران قرارداد موقت در شرکت‌های بهره‌برداری کارون، مارون و آغاجری در اعتراض به افزایش ده درصدی دستمزدها مقابل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز دست به تجمع اعتراضی زدند. همچنین در اهواز نیز کارگران مقابل ساختمان مناطق نفت‌خیز جنوب تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع در اعتراض به

تبعیض و بی‌عدالتی و بلا تکلیفی و افزایش ده درصدی دستمزدها در سال جدید در ساختمان مرکزی مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز صورت گرفت.

۳۱ اردیبهشت

شماری از پرسنل وزارت نفت که با قراردادهای موقت مشغول به کار هستند، مقابل ساختمان این وزارتخانه تجمع اعتراضی برپا کردند. معترضان نسبت به افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارکنان و اجرای ناقص طرح ساماندهی حقوق پرسنل قراردادی اعتراض دارند. آنها با حمل کاغذ نوشته‌هایی ضمن اعتراض به وضعیت شغلی و معیشتی، خواستار رسیدگی مسئولان به مطالبات خود شدند.

بازنشستگان

۱۸ اردیبهشت

بازنشستگان تامین اجتماعی شهرهای اردبیل، اراک، اهواز، کرمانشاه، رشت، تبریز و ... مقابل سازمان تامین اجتماعی این شهر نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان تأمین اجتماعی خواستار تعیین تکلیف افزایش مستمری سال جدید و اجرای کامل همسان‌سازی می‌باشند.

۱۹ اردیبهشت

تعدادی از بازنشستگان شرکت نیشکر هفت‌تپه برای چندمین بار با تجمع و حضور در اداره کار شهرستان شوش و جلسه با رئیس اداره کار این شهرستان مراتب اعتراض شدید خود را نسبت به سیستم ثبت شکایت وزارت کار، کندی سیستم و عدم ارسال پیامک تعیین وقت رسیدگی و حتی بررسی شکایات در هیات تشخیص این اداره و رفتار نامناسب با آنها را اعلام کردند. لازم به ذکر است این کارگران بازنشسته از کارفرمای خود شکایت داشته و راه بررسی شکایت کارگر جهت اجرا نشدن قانون توسط کارفرما بنابر قانون کار هیات تشخیص و سپس حل اختلاف و در نهایت دیوان است.

۲۵ اردیبهشت

بازنشستگان تامین اجتماعی شهرهای تبریز، اهواز، کرج، ایلام، قزوین و ... در اعتراض به بی‌توجهی به مطالباتشان در مقابل تامین اجتماعی شهرهای خود دست به تجمع زدند. بازنشستگان تهران به دلیل فضای به شدت امنیتی نتوانستند تجمع اعتراضی خود را برگزار کنند. «فقط کف خیابون به دست میاد حقمون»

کارگران دیگر

۱ اردیبهشت

کارگران فصلی شرکت هفت‌تپه در اعتراض به وضعیت قرارداد و بدعهدی مدیریت دست به تجمع زدند. کارگران فصلی خواهان تغییر وضعیت و تعیین تکلیف قرارداد هایشان هستند.

۴ اردیبهشت

جمعی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان در محوطه شرکت دست به تجمع زدند. جمعی از رانندگان استیجاری شهرداری تبریز در برابر شهرداری تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار احقاق حقوق خود

شدند.

۵ اردیبهشت

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد به مناسبت روز جهانی کارگر بیانیه‌ای منتشر ساخت که در بخشی از آن آمده است: «ما کارگران مستقل در گروه ملی صنعتی فولاد اهواز بدین وسیله این روز را به تمامی همکاران گرامی و به تمامی کارگران و نیروهای مزدبگیر و تمامی اقشاری که برای زندگی سعادتمند همگانی مبارزه می‌کنند تبریک می‌گوییم و با یاران و متحدان خود عهد می‌بندیم که با تمام توان برای خروش دوباره کارگران آهن و برای اعتلای مبارزاتی کارگران تلاش خواهیم کرد.»

۶ اردیبهشت

کارگران شرکت آذرباب در اعتراض به خصوصی سازی در مقابل کارخانه دست به اعتراض زدند. خواسته اصلی کارگران در اعتراضات خود، تعیین تکلیف سهامدار شرکت است، به گفته کارگران: «آذرباب باید به دولت بازگردد چرا که تمام پیمانکاران ما دولتی هستند و خصوصی بودن آذرباب درست نیست.»

۷ اردیبهشت

کارگران و کارکنان شهرداری اهواز در دومین روز اعتراض خود با شعار «شورای انتصابی استعفاء استعفاء» نسبت به حذف برخی شاخص‌های حقوقی و مزایای پرسنلی توسط شهرداری در برابر شهرداری و شورای شهر دست به اعتراض زدند. جمعی از کارگران شهرداری شوش، در مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان، دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران شهرداری شوش خواستار پرداخت حقوق معوقه خود و اعمال تغییراتی در وضعیت کاری خود هستند.

۸ اردیبهشت

کارگران کارخانه پرشین گرانت دلفان نسبت به تعطیلی کارخانه به خاطر بی توجهی دولت به مشکلات (هزینه‌های تولید، گاز، برق و بیمه کارگران) و عدم حمایت از آن و بیکار شدن ۵۲ کارگر، دست به تجمع مقابل فرمانداری نورآباد (شهرستان دلفان) زدند و خواستار حل مشکلات کارخانه و از سرگیری فعالیت آن شدند.

۱۰ اردیبهشت

کارگران فولاد اهواز بعد از یک ماه اعتراض موفق شدند که همکاران اخراجی خود را که به دلیل اعتراض به عدم افزایش دستمزدها، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و عدم تعیین تکلیف کارخانه، مدتی پیش، از کار اخراج شده بودند را در آستانه روز جهانی کارگر، به کار بازگردانند. کارگران فولاد اهواز پس از اخراج همکارانشان طی تجمع روبروی استانداری خوزستان خواستار بازگشت به کار همکارانشان شده بودند. نتیجه‌ی این مقاومت، بازگشت به کار کارگران اخراجی ظرف مدت یک ماه بود. اسامی کارگرانی که به کار بازگشته‌اند به شرح زیر است: «حمید غلامی، سعید میاحی، طاهای مشععی، کریم سیاحی، علی البو طرفی، علی بوباش، حسین عزیززی، سید حسین موسوی، مصطفی عیبات، علی الاهی فر، علی بناری، سید

رسول حراگ، حسین داودی، علی نادری، مهدی نگرایی و علی بازی»

۱۲ اردیبهشت

کارگران شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر دومین روز از حرکت اعتراضی برای مطالبات و نگرانی از وضعیت شغلی خود را پشت سر گذاشتند. کارگران می‌گویند هیچ مسئولی به مشکلات ما کارگران در این شرایط سخت اقتصادی اهمیت نمی‌دهد.

کارگران شهرداری شوش در نهمین روز اعتراضات خود برای حقوق معوقه خود، ۴ ماه در سال گذشته و همچنین در سال جاری هنوز جوابی نگرفته‌اند.

این کارگران می‌گویند ما در شرایط بسیار سختی زندگی می‌کنیم و خانواده‌هایمان سفره‌شان خالی است و معیشتمان بسیار سخت است، چرا مسئولین به فریاد ما رسیدگی نمی‌کنند آنها نمی‌دانند ما با این گرانی‌ها چه شرایط سختی را تحمل می‌کنیم، ما نه تنها برای حق و حقوق معوقه خود معترضیم بلکه نگران امنیت شغلی و نوع قراردادمان هستیم که کارفرمایان از طریق آن ما را در این شرایط قرار داده‌اند.

۱۷ اردیبهشت

شماری از کارگران معدن زغال سنگ البرز گلندورد در استان مازندران در اعتراض به عقد قرارداد با پیمانکار، مقابل ساختمان تهیه و تولید در تهران دست به تجمع زدند. این کارگران گفتند که در روزهای اخیر فشار کارفرما برای تسویه حساب یا انعقاد قرارداد با پیمانکار افزایش یافته است. مهم‌ترین مسئله‌ای که موجب تشدید اعتراض کارگران این واحد شده مشخص نشدن وضعیت شغلی کارگران با حضور پیمانکار جدید است. شرکت تهیه تولید مواد معدنی، مجتمع زغال سنگ گلندورد را با حدود ۳۰ کارگر از تاریخ یکم آذر ماه ۱۴۰۰ به یک پیمانکار بخش خصوصی واگذار شده است.

۳۱ اردیبهشت

کارگران شرکت راه آهن قطار شهری تهران، با برپایی تجمعی اعتراضی خواستار عقد قرارداد دائمی برای تامین امنیت شغلی و معیشتی خود شدند.

مبارزات کارگران و زحمتکشان علیه نظام چرک و خون سرمایه‌داری جنگی است نابرابر میان مخوف ترین و قصی القلب ترین حیوان جهان و سیمرغ افسانه‌ای جامعه بشری که همچون ققنوسی هر بار بعد از سوختن از میان آتش برمی‌خیزد و به مبارزه خود ادامه می‌دهد. این مبارزه که صورت جامعه بشری را به زیباترین شکل و فرم خود در آورده است تنها و تنها با رهبری حزب طبقه کارگر به سوسیالیسم ختم خواهد شد تا انسان به خدای خود تبدیل شود. کارگران و زحمتکشان با تشکل همه چیزند و بی تشکل هیچ چیز!

چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!*



چکیده ای از نظرات دکتر ناصر زرافشان درباره "اوضاع سیاسی و جنبش های مبارزاتی در ایران و چشم انداز آن"

این گفتگو با تلویزیون "دمکراسی شورائی" مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ صورت گرفت

دکتر ناصر زرافشان در این گفتگو در پاسخ در مورد اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران صحبت خود را با پرشمردن مشکلات موجود در ایران در زمینه های مختلف مانند بیکاری، گرانی و تورم، مشکلات محیط زیست و کمبود آب، سرکوب نیروهای معترض، بحران مسکن و غارت ثروت مردم زحمتکش ایران آغاز کرد و به بررسی بنیادی این مسئله پرداخت که "چرا با وجود جنبش های متعدد و درخواست مطالبات برحق مردم از دولت جمهوری اسلامی برای رفع این مشکلات کارایی لازم و مطلوبی انجام نمی گیرد و اتفاق خاصی صورت نمی افتد. چرا ابتدا بایستی از طرف صاحبان سرمایه حقوق کارگران پرداخت نشود و واکنشی از طرف زحمتکش رخ دهد، باید خصوصی سازی به نفع سرمایه بزرگ صورت گیرد تا واکنشی به دنبال آن بوقوع پیوندد، باید بحران آب رودخانه ها را بخشکاند تا کشاورزان پس از این واقعه معترض شوند و برای رفع این مشکل تجمع کنند. درواقع ما برای مقابله با این مشکلات از قبل ساز و کاری نداریم تا بتوانیم از وقوع چنین بحران هایی جلوگیری کنیم. این مشکل زمینه ای برای نیروهای راست و اصلاح طلبان خودی می سازد تا بعنوان نجات دهندگان مردم وارد این اعتراضات شده و بیکباره با نسخه های ظاهر آ جدیدی می خواهند این مشکلات را رفع کنند. آنها چشمشان به نیروهای کودتاگر خارجی است که شاید یک بار دیگر بمانند کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۳۲ زمینه استقرار حاکمیت آنها را برقرار کند. اما آنها نقش توده ای مردم را برای تغییر مناسبات اجتماعی نمی شناسند و اساساً نمی دانند که تنها با کار مستمر در میان این توده و بیاری تنها همین توده آگاه که بدنبال برقراری نظم نوینی برای جامعه ای توانمند و عاری از فقر و بیکاری است که می توان فردای فرزندان ایران را ساخت. این اپوزیسیون تقلبی خود بیش از هر چیز از این توده آگاه می ترسد. آنها تنها چشمشان به نیروی ارتجاعی خارجی است که با "مداخلات بشر دوستانه" زمینه بر سر کار آمدن آنها را فراهم کند.

آنها حتی از تجربه افغانستان هم درس نمی گیرند که امپریالیسم های مرتجع به سرکردگی امریکا بعد از شکست از طالبان با اقتضاح می بایستی افغانستان را ترک کند چرا که طالبان بدلیل ارتباط با مردم افغانستان رهبری آنها را علیرغم میل ما در دست گرفت. بهمین جهت اولین دغدغه نیروهای مبارز شرکت در مبارزات مردمی، ارتباط تنگاتنگ

و تماس دائمی، یادگیری از آنها و آموزش متقابل می باشد. با موج سواری بر خواسته های مردم اتفاق بخصوصی نخواهد افتاد.

این راه اما یک راه طولانی است و در این راه طولانی می باید عینیت های جامعه در نظر گرفته شود. باید از ریشه به برگ و ساقه رسید نه برعکس. جامعه نمی تواند از بالا به پایین حرکت کند. این نیروی زنده در میان لایه های مختلف مردم است که از پایین باعث تغییرات در لایه های بالایی می گردد. این نیروی اجتماعی مردم با پیوند به تفکر انقلابی می تواند زمان تغییرات را به جلو ببرد. اما لازمه اینکار تشکیل سازماندهی آگاهانه است. مردم اینبار بدنبال جریاناتی که برنامه هایی برای فردا ندارند نخواهند رفت.

اما باید آگاه بود که در نبود یک جریان مترقی اعتراضات مردم به شورش های کور تبدیل نشود و هرج و مرج جای حرکت آگاهانه را بگیرد و جنبش را از مسیر خود دور کند. در این رابطه **طبقه کارگر** نقش اساسی را ایفا می کند. این زحمتکشان هستند که قادر به تغییرات اساسی در جامعه هستند. در این رابطه، ایران در درجه اول باید متکی به نیروهای درون جامعه عمل کند، عناصر سیاسی باید بتوانند وضعیت جامعه را بدرستی تحلیل کنند و جامعه باید بدنبال منافع واقعی خود باشد. در این مورد نقش رسانه ها در چگونگی خبررسانی و بازگو کردن مسائل، جهت دادن افکار عمومی و تفسیر وقایع بشدت مهم می باشد. اما رسانه تنها یک افزارمی باشد و متأسفانه امروز نیروهای ارتجاعی بخوبی و آگاهانه از این افزار استفاده می کنند."

سخنان مسئولانه و دوراندیشانه دکتر ناصر زرافشان به خوبی نشان می دهد که چه مشکلاتی در این لحظه تاریخی در پیش پای مردم ایران قرار دارد. از یک طرف جامعه ایران، کارگران و زحمتکشان توده وسیع مردم باید با توجه به گوناگونی ملی و اقلیمی، اقشار مختلف میانی و طبقه کارگر با هوشیاری ویژه ای در این لحظه سرنوشت ساز با توطئه ها و دروغ های امپریالیسم و جیره خواران رنگارنگ آنها به مبارزه بپردازد و از طرف دیگر برای احقاق حقوق خود به مطالبه گری در مقابل صاحبان سرمایه در سندیگاهها و تشکلات مختلف صنفی فعالانه بکوشند.

ما بارها نوشته ایم که مهم ترین سلاح طبقه کارگر در نبرد علیه بورژوازی حزب سیاسی واحد طبقه کارگر است. حزب ما همواره **برحزبیت** و حضور نیرومند تشکلات سیاسی و در شکل تکامل یافته و علمی آن تشکلات واحد حزب مارکسیستی لنینیستی طبقه کارگر که می تواند قطب نمای فعالیت کارگران و زحمتکشان باشد، تاکید ورزیده است. کارگران با تشکلات همه چیزند و بدون آن هیچ چیز. تنها با چنین سلاحی است که می توان هدفمند علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و بر علیه امپریالیسم و مزدوران ریزودرشتش رژیم، قدرت سیاسی را به کف گرفت و آینده تابناک روشنی را با دستان پرتوان خود رقم زد. بدون حزب طبقه کارگر، این طبقه قادر نخواهد بود حتی در شرایط مناسب جهانی و برهم خوردن توازن قوای طبقاتی از فرصت های تاریخی کسب شده استفاده نماید. وظیفه آگاهان طبقه کارگر این است که با تمام انحرافات فکری در درون اعتراضات و حرکت های کارگری که با ادعای حمایت از کارگران فقط به این مبارزه ضربه می زنند به مبارزه برخیزند. طرد شعارهای زودرس و انحرافی نظیر «اداره شورائی» برای ایجاد تفرقه در جنبش کارگری، تفکیک سطح مبارزه حزبی از مبارزه اقتصادی و حرفه ای از وظایف کمونیست های ایران است. مبارزه با این نظریات ضد اتحادیه حرفه ای کارگری از اهداف طبقه کارگر باید باشد و تضعیف و طرد آنها به تقویت جنبش کارگری ایران و به پاکیزگی آن یاری می رساند. مبارزه با انحرافات "چپ" روانه موجب تقویت، اعتماد به نفس، ودانایی کارگران خواهد شد و به نفوذ آتارشیست ها، پرووکاتورها و شبه انقلابی ها در میان کارگران خاتمه خواهد داد. و این به نفع طبقه کارگر و پاکیزگی این جنبش از آلودگی های ماجراجویانه است.*

کارگران و توده های مردم محروم و به جان آمده گذاشته و بخش های هرچه وسیع تری از آنان را به زیر خط فقر و فلاکت پرتاب می کند.

در چند روز گذشته نیز شاهد مقاومت دلیرانه و آگاهانه مردم ایذه، اهواز، سوسنگرد، شادگان، شیراز، دزفول و چند شهر دیگر در مقابل این موج گرانی ها و سیاست های مخرب و ضد مردمی بوده ایم که نه تنها نشان از رنج و نارضایتی عمیق مردم در این شهرها دارد، بلکه به نوبه خود بیانگر خشم و انزجار بخش های گسترده ای از کارگران و زحمتکشان در دیگر شهرها و روستاها، علیه چنین سیاست ها و برنامه هایی می باشد. برنامه ها و سیاست هایی که بیش از پیش مردم زیر ستم و استثمار را به لبه پرتگاه فقر و استیصال کشانده و آنان را به ورطه نابودی و خانه خرابی سوق می دهد.

امضا کنندگان این بیانیه به عنوان بخشی از مردم کارگر و زحمتکش ایران معنا و حقانیت این اعتراضات را با پوست و گوشت خود حس کرده و پشتیبانی خود را از مردم دلیر و آگاه سوسنگرد، ایذه، اهواز، شیراز، شادگان، دزفول و دیگر شهرها اعلام می کنند.

به باور تشکل های امضا کننده این بیانیه و کارگران و فعالان کارگری متشکل در این تشکل ها، برای مقابله با گرانی ها و وضعیت روز افزون فقر و فلاکت عمومی و همچنین ایجاد تغییرات اساسی و تعیین کننده در کشور، راهی جز اتحاد و همبستگی هرچه بیش تر میان بخش های مختلف طبقه کارگر و پشتیبانی از اعتراضات و مبارزات کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، زنان مبارز، دانشجویان، دانش آموزان و... از جنبش های اعتراضی و مقاومت و مبارزه مردمی وجود نداشته و نخواهد داشت.

واقعیت این است که اعتراضات مردم کارگر و زحمتکش هنگامی به نتیجه خواهد رسید و حاکمیت را به عقب نشینی وادار خواهد کرد که با آگاهی و استقامت تداوم داشته و بر تشکل های مستقل و متکی به خود کارگران و دیگر جنبش های اجتماعی در کارخانه ها و کارگاه ها، محلات، دانشگاه ها، مدارس و جنبش اعتراضی و اعتصابی آنان متکی باشد.

اعتراضات متحد و متشکل، رمز پیروزی مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان و تمامی مردم آزادی خواه و عدالت طلب در جامعه است.*

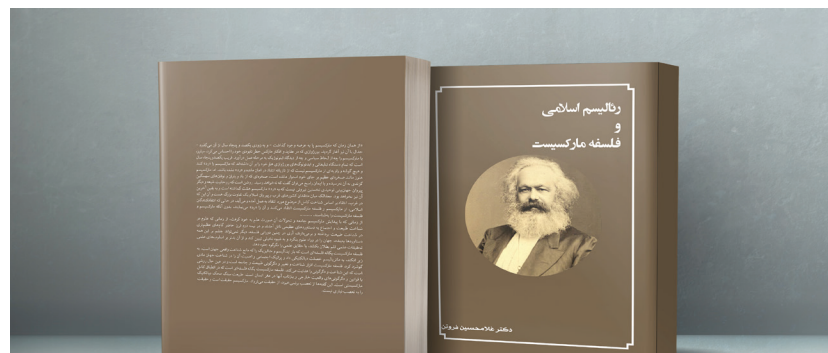


بیانیه مشترک سندیکاها و تشکلات کارگری و بازنشستگان مستقل پیرامون تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف نسبت به

گرانی ها

اعلام پشتیبانی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران و کانون گفتگویی بازنشستگان تامین اجتماعی از اعتراض های دلیرانه مردم ایذه، اهواز، سوسنگرد، شیراز، شادگان و دزفول علیه افزایش سرسام آور قیمت کالاهای اساسی. دربخشی ازاین بیانیه چنین آمده است:

«گرانی مداوم و کمر شکن ارزاق عمومی و دیگر کالاهای اساسی و جهش سرسام آور قیمت ها به دنبال حذف یارانه های این اقلام، زنگ های خطر را در سرتاسر کشور به صدا در آورده است: خطر فرو رفتن هرچه بیشتر کارگران و توده های میلیونی مردم در باتلاق فقر و درماندگی و افزایش محرومیت آن ها، در اثر سیاست های مخرب و خانمان برانداز حکومت که تماما در خدمت سرمایه داران و باندهای قدرت قرار دارد بیش از پیش بار بحران های داخلی و خارجی را بر دوش



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید



سخنی درباره صحنه سازی‌های امپریالیستی به نام دادگاه سوئد برای رسیدگی به جنایات

ضد بشری!!!؟؟

دوستان عزیز!

فریب این صحنه سازی‌ها و تبلیغات مشمئز کننده و رقاصی‌های دیسکوئی را نخورید. هدف بانیان این نمایش اساسا رسیدگی به جنایات نیست، وجدان آنها از جنایات صهیونیستها در سرزمین اشغال شده فلسطین، بمباران مردم یمن، قتل عام نازی‌ها در اوکراین و روس کشی نازی‌ها در دنباس و... به درد نمی‌آید. وجدان همه آنان آهنین است. این صحنه سازی برای توجیه جنایات امپریالیسم و صهیونیسم است که می‌خواهد خود را حامی حقوق بشر به یاری عمال ایرانیشان نشان دهند. مشتی فریب خورده نیز همدست آنان می‌شوند.

این ایرانیان یا فریب خورده و اسیر احساسات لحظه‌ای بوده و یا مزدور همین قدرتهای جنایتکار هستند نظیر فرقه رجوی و سلطنت طلبان تجزیه طلب. مگر همین دستگاه قضائی سوئد نبود که رسیدگی به پرونده ترور نخست وزیرش اولاف پالمه را ماستمالی کرد، مگر همین آفتوبلات سوئدی نبود که اسنادی منتشر نمود که اسرائیلی‌ها اعضاء بدن جوانان فلسطینی را در بازار آزاد جهان می‌فروشد و جوخه‌های ترور برای کشتار این جوانان دارند ولی هرگز یک نفر اسرائیلی در این کشور تحت تعقیب قرار نگرفت و دستگیر و مجازات نشد.

تا کی می‌شود به ساز ارکسترهای امنیتی و جاسوسی این کشورها رقصید و خود را عدالتخواه و انترناسیونالیست جا زد. برای امپریالیست‌ها نقاب انساندوستی دوختن همدستی با آنهاست و نه اجراء حقوق بشر.

مگر همین دادگاه در سوئد برای جولیان آسانژ پرونده قلابی با یاری فاحشه‌های امنیتی سوئد درست نکرد، مگر جنایتکاران اسرائیلی به سوئد سفر نمی‌کنند چرا دستگیر نمی‌شوند مگر مصالح حقوق بشر این امر را ایجاب نمی‌کند. مگر تونی بلر و یا جرج بوش که جنایتکار جنگی هستند در دادگاه کیفری لاهه محکومیت پیدا کردند ولی می‌خواهند پوتین را محاکمه کنند. هرگز صلاحیت این دادگاه‌های امپریالیستی را که خود مسبب همه جنایات ضد بشری هستند تأیید نکنید. قاتلان در یوگسلاوی که مورد تأیید آنها هستند راست راست راه می‌روند و در سوئد خوشگذرانی می‌کنند و مورد تعقیب نیستند. آدام مفلوکی به نام نوری، مهره مرده و تروریست و شکنجه گر ناچیزی است که ده‌ها نظیر آن در ایران و صدها خوفناکتر از آنان در تل آویو، کرواسی، کوزوو، در اوکراین، کلمبیا، برزیل، شیلی و در کاخ سفید وجود دارند. وی مهره سوخته است ولی سایرین بر سر کارند، رشد می‌کنند و دیگران را می‌سوزانند. نوری در سوئد مرتکب قتل نشده است ولی رفسنجانی در آلمان مرتکب قتل شده بود. این دو نمونه دو مقوله متفاوت‌اند.

این یک تجاوز آشکار قضائی و توسعه طلبی امپریالیسم سوئد است. اینان تروریسم سوئد را می‌توانند در همه جا به قیمت خوب بفروشند. به اروپا این امکان را داده‌اند که مستقلا هر کسی را که مورد لطفشان نبود محاکمه کنند. این دادگاه‌ها همه ابزار استعمار و سرکوب هستند و نه عدالتخواهی. فریب هوچی بازی‌ها را نخورید.

از هم اکنون عده‌ای را در سوئد قربانی فریبکاری خویش کرده‌اند که پشت فرقه رجوی و سلطنت طلبان سینه‌بزنند و دعا به حال آنها بکنند.

این دادگاه‌ها برای توجیه اشغال ایران برای اجرای «عدالتند» فقط ضد ایرانی‌ها خجالت می‌کشند بگویند هوادار تحریم مردم ایران که گویا جنایت نیست و یا هوادار تجاوز به ایران و تعویض رژیم و برگزاری دادگاه‌های «عدالتخواه» به دست دادستان‌های ناتو و سوئد هستند.

یا کسی باید از نظر سیاسی احمق باشد و به میهنش خیانت کند و یا باید همدست و مزدور امپریالیسم باشد و برای آنان رقاصی کند و قر کمر دهد نظیر همان رقصی‌هایی که در تریبونال لندن کرد و عربستان سعودی و اسپونزهای آمریکائی برایشان دست زدند.

از صفحه فیسبوک فریدون منتقمی، دبیر اسبق فرهنگی کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایران (اتحادیه ملی)*

کارگران میبندند و هرگز در مورد سرکوب و تفرقه انداختن بین کارگران کوتاهی نخواهند کرد، بطوری که تا امروز هنوز یازده تن از رانندگان معترض در زندان اوین هستند.

همچنین دو تن از اعضای فعال و تاثیر گذار «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» به اتهامات واهی در بند انفرادی ۲۰۹ زندان اوین محبوس هستند.

بی تفاوتی مسئولین و مدیران در پاسخگویی به رانندگان شرکت واحد فقط با عدم اعتراضات رانندگان میسر خواهد بود و میتواند امکان سرکوب را به کارفرما و عوامل امنیتی بدهد.

همکاران حق طلب و حق خواه، امروز به دلیل اعتصاب باشکوه و منسجم چند روز گذشته کارفرما را مجبور به عقب نشینی کردید بطوری که موقتاً با خواست بحق شما موافقت کردند، اما در کنارش عوامل حراست و امنیتی هم تعدادی از همکاران را بازداشت کردند که هم اکنون یازده نفر از رانندگان معترض همچنان در زندان اوین زندانی هستند و برای تعدادی هم پرونده سازی کردند.

بطوری که قرار وثیقه های ۵۰۰ میلیون تومانی از سوی دادسرای اوین برایشان صادر کرده اند.

تاکید داریم نه تنها باید بازداشتی های اعتصابی را دریابیم و به فکر آزادیشان باشیم، بلکه باید به فکر دوتن از اعضای سندیکا «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» هم که همچنان در بند انفرادی ۲۰۹ زندان اوین میباشند، باشیم.

امروز اتحاد و همبستگی شما موقعیت خوبی ایجاد کرده است که توجهی هم به اخراجی های چندین ساله گذشته سندیکای کارگران شرکت واحد هم نکنیم که سالهاست به دلیل دفاع از همین مطالبات بحق همکارانشان اخراج شده اند و تا کنون با اقدامات فراقانونی عوامل امنیتی از بازگشت بکارشان جلوگیری کرده اند و نباید با گذشت زمان و فرسایشی کردن اخراج همکاران رضاشهابی، حسن سعیدی و ناصر محرم زاده و خانم فرحناز شیري وحسین کریمی سزوار را هم از یاد ببریم چرا که در آلمان هم مانند همین همکاران بازداشتی اعتصاب چند روز گذشته، این اعضای اخراجی سندیکا به دلیل شرکت در اعتراضات جمعی از کار اخراج شده اند.

اسامی بازداشتی های اعتصاب.

- ۱- وحید فریدونی ۲- فریرز سجادیپور
 - ۳- محسن قرایی ۴- حامد اصغری ۵- علی صمع خانی
 - ۶- جواد صادقی ۷- محمد علی عبادداری ۸- علی اصغر آشناس ۹-
 - محسن کبیری دور ۱۰- احد صالح پور ۱۱- ابراهیم گورانی
- سندیکای کارگران شرکت واحد با تمام توان و امکانات از مطالبات بحق رانندگان و کارگران شرکت واحد پشتیبانی میکند و بازداشت تمامی رانندگان اعتصابی اخیر و بازداشت رضا شهابی و حسن سعیدی و حمله وحشیانه عوامل امنیتی و شکستن درب ساختمان و درب ورودی منزل داود رضوی دیگر عضو سندیکا را به قصد دستگیری قویا محکوم می کنیم و خواستار آزادی تمامی بازداشت شدگان هستیم و همچنین خواستار بازگشت بکار همه ی رانندگان حق طلب و حق خواه اخراجی می باشیم.*



یک صدا و متحدانه خواهان آزادی و بازگشت

بکار تمامی همکاران در بندمان باشیم

اعلامیه زیر توسط سندیکای کارگران شرکت واحد منتشر شده و عین متن از نظر خوانندگان گرامی می گذرد:

رانندگان خطوط بی آر تی با اعتصاب متحدانه و باشکوه و بی نظیر و حمایت کارگران تعمیرگاهها و توقفگاهها، و تعدادی از بخش اداری توانستند شهردار و مدیریت شرکت واحد را که با آگاهی کامل دست در جیب کارگران کرده بودند و قصد داشتند مصوبه شورای عالی کار را دور بزنند؛ را به عقب نشینی و پذیرفتن مطالبات و ابدارند رانندگان هم آنقدر منسجم و یکپارچه اقدام به برگرداندن اتوبوس ها به توقف گاه ها کردند و با ابتکار جمع شدن مقابل سامانه سه، فرصت سرکوب نیروی های امنیتی را از بین بردند.

در عرض چند ساعت صدها راننده از سامانه های دیگر خودشان را به محل تجمع سامانه ۳ مقابل دفتر مدیرعامل رساندند.

شهردار و مدیرعامل مجبور شدند در محل تجمع رانندگان در مقام پاسخگو بایستند.

این اتحاد و همبستگی، فرصت هر نوع فریب کاری و وعده های دروغین را از زاکانی و نکاحی گرفت و به اجبار چهل درصد بطور موقت و علی الحساب در فیش حقوقی رانندگان منظور گردید و این موفقیت یادآور اتحاد و یکپارچگی اعتصابات دی و بهمن ۸۴ است.

هرچند که عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و مسئله مسکن که سالهاست علیرغم تمامی پیگیری های اعضای سندیکا همچنان بر زمین مانده و نیاز به یک انسجام و همبستگی متحدانه دیگر دارد، چرا که تمام منابع مسکن و اعتبارات آن در اختیار فردی بنام کشاورزیان است که از افسران بازنشسته نیروی انتظامی است که نه تنها هیچ سمتی در شرکت واحد ندارد، بلکه هیچ دغدغه و دلسوزی هم نسبت به کارگران و کارکنان اتوبوسرانی ندارد.

البته اعتصاب روزهای ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت هم مانند اعتصابات دی و بهمن ۸۴ یکبار دیگر نشان داد تا اعتراض و اعتصاب نباشد نه تنها مسئولین پاسخگو نیستند بلکه دست خود را تا آرنج در جیب



تجمع سراسری معلمان و بازداشت چندین معلم در شهرهای مختلف و ممانعت از تجمع در تهران در مقابل مجلس

صبح روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت بار دیگر معلمان ایران در اعتراض به دستگیری همکاران و دستیابی به خواسته‌های خود در شهرهای مختلف تجمع اعتراضی برگزار می‌کنند.

طبق گزارشات در یافتی از کانال صنفی معلمان، همزمان با تجمع سراسری معلمان، ماموران امنیتی مانع از تجمع در تهران و در چند شهر دیگر شدند و ده‌ها معلم را تاکنون بازداشت کرده‌اند.

کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان همچنین از بازداشت‌های گسترده در یاسوج، بازداشت «مسعود فرهیخته» و «لطف‌الله جمشیدی» در تهران، و بازداشت «سیامک چهارزی» در اهواز خبر داده و نوشته است بازداشت‌ها همراه با ضرب و شتم معلمان صورت گرفت.

تهران نیز ماموران یگان ویژه، لباس شخصی و نیروی انتظامی حضوری پرشمار در خیابان بهارستان داشتند و اجازه شکل‌گیری هیچ تجمعی را نمی‌دادند و در ساعات بعد، «مسعود فرهیخته» و «لطف‌الله جمشیدی» را بازداشت کردند.

در اهواز نیز «سیامک چهارزی»، فعال صنفی شناخته شده معلمان در این شهر، با ضرب و شتم شدید در مقابل اداره کل آموزش و پرورش بازداشت شد.

در قطعنامه تجمع سراسری که امروز پنجشنبه توسط شورای صنفی معلمان انتشار یافته است «اقدام نانجیبانه و ناجوانمردانه» مقام‌های جمهوری اسلامی برای نسبت دادن اعتراضات چند دهه‌ای معلمان «به دست‌های نامرئی بیگانه» محکوم کرده است.

معلمان معترض و شریف ایران افزون بر آزادی معلمان در بند خواهان اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری‌اند و می‌گویند پس از اجرای این قانون و اعمال رتبه‌بندی و همسان‌سازی واقعی باید حقوق هر معلم بازنشسته و شاغل به‌ویژه معلمان تازه استخدام و معلمان غیررسمی به بالای خط فقر برسد. پاداش پایان خدمت



نامه کلکتیو چند سندیکای فرانسوی در اعتراض به

بازداشت‌های اخیر کارگران و معلمان در ایران

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران
تهران

پاریس، ۲۳ مه ۲۰۲۲

آقای رهبر معظم

بار دیگر در مورد دستگیری‌های جدید در ایران به شما می‌نویسیم. بنابر اطلاعات رسیده، ده‌ها نفر از جمله شماری از معلمان، اخیراً دستگیر و به اتهامات واهی زندانی شده‌اند. از میان آنان می‌توان از «انیشا اسدالهی»، «ریحانه انصاری نژاد»، «کیوان مهدی»، و معلمان دستگیرشده در اول ماه مه، از جمله «رسول بدافی»، «جعفر ابراهیمی»، «اسکندر لطفی»، «محمد حبیبی»، «محسن عمرانی»، «شعبان محمدی»، «مسعود نیکخواه»، «محمود ملکی»، «رضا امانی فر»، «اصغر حجاب» و «هادی صادق زاده» نام برد.

«رضا شهابی» عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز یکی از دستگیرشدگان است. او چندین بار از سوی سندیکاهای کلکتیو سندیکایی به فرانسه دعوت شده است، هم‌چنین سندیکای س اف د ت او را برای شرکت در کنگره این سندیکا در ماه ژوئن امسال دعوت کرده است.

ماده ۲۲ پیمان بین‌المللی در باره حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، هم‌چنین ماده ۸ پیمان بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از حق ایجاد سندیکا، عضویت در سندیکاها و ملاقات با اعضای سندیکاهای کشورهای دیگر حمایت می‌کند. ایران یکی از امضا کنندگان این دو توافق نامه است.

ایران هم‌چنین، عضو سازمان جهانی کار (OIT – ILO) است ولی این کشور به تعهدات خود در چارچوب مقابله‌نامه‌های بین‌المللی این سازمان که این حقوق را به رسمیت شناخته و حمایت می‌کند، عمل نمی‌کند.

ما مصرانه خواهان آزادی فوری همه زندانیانی هستیم که در ارتباط با فعالیت‌های سندیکایی دستگیر شده‌اند.

عالیجناب، ادای احترام ما را بپذیرید.

کنفدراسیون عمومی کار

کنفدراسیون متحده سندیکایی

اتحاد سندیکایی همبستگی

اتحاد ملی سندیکاهای مستقل

رونوشت به:

آقای ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری اسلامی ایران

آقای غلام حسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه

سفیر جمهوری اسلامی در پاریس*

بازنشستگان ۱۴۰۰ و معوقات حق التدریس پرداخت شود و معلمان استخدام موقت به طور رسمی پذیرفته شوند. حق برخورداری از آموزش رایگان و باکیفیت به ویژه در مناطق محروم، تشکیل کلاس های درس با ظرفیت حداکثر ۱۶ دانش آموز از دیگر خواسته های معلمان است.

دولت « ابراهیم رئیسی » نه خواست و نه توان پاسخ به مطالبات معلمان را دارد. وی می خواهد مشکلات را با طرز تفکر نتولیرالی دولت قبل، روحانی حل کند، همانها که مشکلات را با تایید سید علی خامنه ای ایجاد کرده اند هنوز در پشت صحنه فعال و بازیگران اصلی پشت بحران هستند.

همانطور که بارها تحلیل کرده ایم نظام سرمایه داری اسلامی در بن بست است و بگیر و ببند های امروز و دیروز ترس رژیم از احتمال طغیان های خیابانی در جامعه مشابه طغیان های ۹۶ و ۹۸ است.

وجود یک بدیل مردمی و دمکراتیک و مورد اعتماد و احترام مردم در صحنه سیاسی ایران که بتواند مبارزه پراکنده و نارضایی عمومی را سامان دهد، این مبارزات را با مبارزه بر علیه دشمنان رنگارنگ خارجی پیوند بزند، ضرورتی مبرم برای خروج از این بحران است. در پایان از تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه تا شنبه ۲۴ اردیبهشت، مردم ایران دستکم در بیش از ۱۹ شهر از جمله دزفول، شهرکرد، اندیمشک، ایذه، جوفان، خرم آباد، فشافویه، فارس، بروجرد، دهدشت، دورود، اردبیل، نیشابور، سوق، رشت، اهواز، یزد، شادگان و یاسوج در ۸ استان خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، اردبیل، خراسان رضوی، گیلان و تهران اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی کرده اند. در بسیاری موارد این اعتراضات با مداخله نیروهای نظامی و امنیتی به خشونت کشیده شد. ماموران دستکم در شهرهای بروجرد و دورود از شلیک گاز اشک آور و تیر هوایی جهت متفرق کردن مردم استفاده کردند.

در شبکه ها و رسانه های خبری نیز لیستی از برخی از بازداشت شده ها منتشر شده است که در زیر قسمتی از آن از نظر خوانندگان گرامی می گذرد:

سوسنگرد:

۱- « هادی نیسی »، فرزند علی، ۱۶ ساله و از اهل روستای مالکیه شهرستان سوسنگرد (تاریخ بازداشت روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه)، ۲- « جاسم بحرانی » (تاریخ بازداشت ۱۷ اردیبهشت ماه)، ۳- « هاشم بحرانی » (تاریخ بازداشت ۱۷ اردیبهشت ماه)، ۴- « محمد طرفی » (تاریخ بازداشت ۱۷ اردیبهشت ماه)، ۵- « عطیه مغینمی

« ۴۰ ساله، کارمند شهرداری (تاریخ بازداشت ۱۷ اردیبهشت ماه)، ۶- « حسین مغینمی »، ۲۲ ساله فرزند راضی (تاریخ بازداشت ۱۷ اردیبهشت ماه)، ۷- « احمد صیاحی » فرزند قاسم (تاریخ بازداشت ۱۷ اردیبهشت ماه)، ۸- « علی عفرای »، ۱۸ ساله فرزند جمعه (تاریخ بازداشت ۱۸ اردیبهشت ماه)، ۹- « محمد عفرای »، ۱۶ ساله فرزند رضا، (تاریخ بازداشت ۱۸ اردیبهشت ماه)، ۱۰- « الیاس عفرای »، ۱۸ ساله فرزند عیدان (تاریخ بازداشت ۱۸ اردیبهشت ماه)، ۱۱- « ولید مغینمی »، فرزند حمید، اهل روستای حاجیه، (تاریخ بازداشت جمعه ۲۳ اردیبهشت ماه)، ۱۲- « حمود حصناوی »، فرزند سعید، اهل روستای حاجیه (تاریخ بازداشت جمعه ۲۳ اردیبهشت ماه)، ۱۳- « مرتضی مرضی »، فرزند زهیر، اهل روستای حاجیه (تاریخ بازداشت جمعه ۲۳ اردیبهشت ماه)

اهواز:

۱- « عادل حمادی » از اهالی کوی علوی، (تاریخ بازداشت ۱۶ اردیبهشت ماه)، ۲- « مصطفی چلداوی »، از اهالی کوی علوی (تاریخ بازداشت ۱۶ اردیبهشت ماه)، ۳- « عباس چلداوی »، از اهالی کوی علوی (تاریخ بازداشت ۱۶ اردیبهشت ماه)، ۴- « عماد سواری »، از اهالی کوی علوی (تاریخ بازداشت ۱۶ اردیبهشت ماه)، ۵- « جمعه سواری »، فرزند خلف، از اهالی کوی علوی اهواز (بازداشت همراه با ضرب و شتم در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه)، ۶- « جاسم عسکری »، ۳۰ ساله، فرزند عبود، متاهل، اهل منطقه زرگان در شمال شهر اهواز (تاریخ بازداشت ۲۰ اردیبهشت ماه)، ۷- « حسن ضاغم پور »، ۳۵ ساله، متاهل، اهل منطقه زرگان در شمال شهر اهواز، (تاریخ بازداشت ۲۰ اردیبهشت ماه) و ۸- « محمد زرگانی »، ۳۳ ساله، فرزند فیاض، متاهل، اهل منطقه زرگان در شمال شهر اهواز (تاریخ بازداشت ۲۰ اردیبهشت ماه)

شاوور از توابع شهرستان کرخه :

۱- « هادی شمیری » (تاریخ بازداشت ۱۸ اردیبهشت ماه) ۲- « رسول ملیانی »، فرزند عاشور (تاریخ بازداشت ۱۸ اردیبهشت ماه) ۳- « قاسم اسدی » (تاریخ بازداشت ۱۸ اردیبهشت ماه) ۴- « عباس ملیانی »، فرزند عاشور (تاریخ بازداشت ۱۸ اردیبهشت ماه) ۵- « سید حمود ابوالهیل » (تاریخ بازداشت ۱۸ اردیبهشت ماه) از مبارزه معلمان حمایت کنیم و صدایشان باشیم!

رمز موفقیت معلمان، کارگران و همه زحمتکشان وحدت و تشکیلات است.*

در حالی که نام استالین را بر لب داشتند. تصویر و اندیشه‌های او منبع الهام و پرچم مقاومت ضد فاشیستی خلقهای شوروی و جهان بود. بنابر این احمقانه است از جنگ میهنی اتحاد شوروی و پیروزی بر فاشیسم سخن گفت، اما از نام و نقش استالین یاد نکرد، آن طور که رهبران امپریالیست‌های غرب و دشمنان ریز و درشت استالین می‌کنند. استالین و انقلاب اکبر، استالین و جنگ میهنی و مارکسیسم - لننیزم از هم جدائی ناپذیرند.

جشن هفتاد و هفتمین سالروز پیروزی بر فاشیسم امسال در شرایطی برگزار می‌گردد. که در اوکراین، جنگی بر علیه نیروهای نئونازی و بر علیه امپریالیسم آمریکا و جبهه ناتو برای درهم شکستن نظم تک قطبی در جهان در جریان است. این جنگ برای همه دولت‌ها و ملت‌ها و حتی طبقه کارگر در جهان سرنوشت‌ساز بوده و جنبه حیاتی دارد. پیروزی ناتو در این جنگ پیروزی ارتجاع مطلق، پیروزی استعمار و نئولیبرالیسم و میلیتاریسم عریان و ادامه وضع تا کنونی چند دهه معاصر است، ولی شکست ناتو گرچه نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری را در بر ندارد ولی فضائی ایجاد خواهد کرد که امکان رشد کشورها و مبارزه طبقاتی را افزایش می‌دهد. فضای چند قطبی بیش تر قابل تنفس است تا فضای خفقان‌آور یک قطبی که با تجاوز، تحریم، نسل کشی، امرونی شکل می‌گیرد و مملو از تحقیر و توهین است و سرنوشت کشورها، ملت‌ها و انقلاب‌ها در گرو تصمیم آقای جهان یعنی آمریکا و ناتوست. در فضای چند قطبی حق حاکمیت ملی کشورها از امنیت بالاتری برخوردار است و سیاست تحریم ملت‌ها و گرسنگی دادن به آنها به بن بست می‌رسد. شکست ناتو در اوکراین پایان امپراطوری دلار و غارت ساده ملت‌ها توسط آمریکا و تشدید مبارزه تعیین کننده طبقاتی در آمریکاست. تضاد کار و سرمایه در بسیاری از ممالک در این فضا عمده می‌گردد و ما را به سوسیالیسم یک گام نزدیک‌تر خواهد کرد. نظم نوین آمریکا با تخریب و تجزیه یوگسلاوی شروع شد و با تجاوز به عراق به فرمان جرج بوش پدر رسماً اعلام گردید. و از آن تاریخ عراق، لیبی، افغانستان، سوریه، یمن و ایران و بسیاری از ممالک جهان قربانی این نظم نوین شدند که اکنون به بن‌بست رسیده است. دنیای بعد از سرکوب نازی‌ها در اوکراین دنیای قبل از آن نخواهد بود.

فاشیسم فرزند سرمایه‌داری و امپریالیسم است و برای پیشگیری از تکرار این فاجعه تاریخی باید به بسیج توده‌ها و نیروهای انقلابی و ترقیخواه وطن‌دوست علیه بربریت امپریالیسم کمر همت بست. اکنون امپریالیسم آمریکا با مدرن‌ترین و مهلک‌ترین سلاحهای مخرب خود، هارترین و خطرناک‌ترین دشمن بشریت است و باید در مقابل آن ایستاد. خطر تجاوزات جدید از جانب امپریالیسم آمریکا افزایش می‌یابد و سیاست تجاوزکارانه و راهزنانه آمریکا، که جای رژیم فاشیستی هیتلر را گرفته است، خطرناک است. باید با آن مقابله کرد. باشد که جشن هفتاد و هفتمین سالروز پیروزی بر فاشیسم انگیزه‌ای گردد تا تمام خلقها و نیروهای انقلابی و ترقیخواه علیه صهیونیسم و امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا متحد و بسیج شوند و همه مدعیان سلطه فاشیستی و تجاوزگری بر جهان را با شکست و نابودی مواجه گردانند.

خجسته باد هفتاد و هفتمین سالروز پیروزی بر فاشیسم!*



خجسته باد هفتاد و هفتمین سالروز پیروزی بر فاشیسم

نهم ماهه، هفتاد و هفتمین سالروز جشن پیروزی بر فاشیسم است. پیروزی بر دیو فاشیسم برای تمام بشریت دارای اهمیت تاریخی بسیار بزرگی است. درهم شکسته شدن قدرتهای فاشیستی، به خلقهای دربند امکان داد تا به آزادی و استقلال نائل آیند، شرایط مناسبی برای پیروزی سوسیالیسم در عده‌ای از کشورها و برای اعتلاء جنبش آزادیبخش انقلابی و ملی، برای تکان دادن و فروریختن سیستم مستعمراتی پدید آید.

جهان کار و ترقی، مبارزه عظیم خلقهای اتحاد جماهیر شوروی استالینی را برای درهم شکستن فاشیسم و سپس برای برقراری صلح عادلانه، برای برقراری جامعه مشترکی از ملت‌ها بر اساس تساوی حقوق، عدم مداخله و همکاری، که از تهدیدات امپریالیستی، اعمال فشارها و ارعاب مبری باشد، ارج گذاشت و اکنون نیز مانند گذشته ارج می‌گذارد.

در سالروز جشن تاریخی پیروزی بر فاشیسم، مطبوعات، رسانه‌های امپریالیستی، زمام داران شارلاتان و دروغگویان این کشورها در نوشته‌ها و نطق‌های خود به مناسبت این واقعه تاریخی حتی کلمه‌ای هم در باره مردی، که در زمان جنگ در رأس دولت شوروی و ارتش سرخ قرار داشت و بزرگترین نبردها را علیه ارتش هیتلری سازمان داد و خلقهای شوروی را به نبردی افسانه‌ای و توده‌ای برانگیخت، بر زبان نمی‌آورند تو گوئی چنین واقعه تاریخی و چنین رهبری، که هدایت کننده این نبرد ضد فاشیستی بود، وجود نداشت.

اما همه میدانند که بسیج مردمی و ضد فاشیستی رهبری اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی، سازمان دادن و رهبری نبرد افسانه‌ای ارتش سرخ، که قدرت نظامی آلمان نازی را نابود کرد و بر آن پیروز شد، با نام استالین عمیقاً در آمیخته است. میلیون‌ها تن از زنان و مردان خلقهای شوروی در میدانهای نبرد بر خاک افتادند،

ایران در طول چند سال اخیر هیچ شکی باقی نمی گذارد که تیم‌های تروریستی و امنیتی اسرائیل در ایران بطور گسترده‌ای نفوذ دارند و با یاری سازمان جاسوسی آمریکا که سپاه را در لیست تروریستی قرار داده است، این اقدامات را توجیه و باسو استفاده از بحران داخلی و نارضایی عمومی تلاش می‌کنند با ایجاد رعب و وحشت و ناامنی سیاسی جامعه را از درون متلاشی سازند. از این رو حزب ما بر این نظر است:

یکم اینکه اقدام تروریستی هدفمند ادامه ترور دانشمندان هسته‌ای و سران نظامی ایران به منظور تشدید تنش و ناآرامی در ایران و منطقه است.

دوم اینکه هدف از این عملیات ماجراجویانه و تروریستی، تحریک ایران برای یک واکنش نظامی و رودر رویی با اسرائیل و آمریکاست، این در شرایطی که آمریکا اکنون در منطقه و در مذاکرات «برجام» در موقعیت ضعف و امتیازدهی قرار گرفته است و ایران در موضع برتر قرار دارد. همانطور که بارها تاکید کرده‌ایم اسرائیل خواهان آرامش در منطقه نیست، بقایش با تفرقه و جنگ و تجاوز گره خورده است. جنگ افروزی در سرشت اوست.

حزب کار ایران (توفان) این اقدام تروریستی را قویا محکوم کرده و آن را شکلی از یک جنگ فرسایشی بر علیه مردم ایران ارزیابی میکند،

حزب کار ایران (توفان) ترور و تنش و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را محکوم می‌کند و آن را مغایر صلح و ثبات و امنیت و به زیان مردم ایران و منطقه ارزیابی می‌کند.

این اقدامات تروریستی و تحریک آمیز، با توجه به رشد مبارزات مردم برای کسب حقوق دمکراتیک خود، فضای مبارزه سیاسی و مدنی مردم ایران را تنگ و تحت شعاع قرار می‌دهد. چنین فضای ترس و وحشتی بهانه‌ای به رژیم جمهوری اسلامی می‌دهد تا هر حرکت اعتراضی و مسالمت‌آمیز مردم را در «همسویی با اسرائیل و دشمنان خارجی» سرکوب کند.

جریاناتی که به تایید این ترورهای کور و جنایتکارانه و یا در قبال آن سکوت می‌کنند عملا به همدست ارتجاع بین‌المللی و ارتجاع داخلی بر علیه منافع ملی و طبقاتی مردم ایران تبدیل می‌شوند و جز این نیز نمی‌باشد. هوشیار باشیم!

دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان)*
دوشنبه دوم خرداد ۱۴۰۱



اقدامات کور تروریستی به زیان منافع ملی و مبارزه مردم برای کسب حقوق دمکراتیک است، آن را محکوم می‌کنیم

شورای عالی امنیت ملی ایران طبق انتشار اعلامیه‌ای اقدام تروریستی دیروز (یکشنبه اول خرداد) در تهران و کشته شدن سرهنگ حسن صیاد را تایید کرد «حسن صیاد خدایاری معاون تحقیقات و توسعه فناوری سازمان صنایع دفاعی کشور بوده است»

روابط عمومی کل سپاه در اطلاعیه‌ای نیز اعلام کرد: «عصر امروز (یکشنبه اول خرداد) در یکی از کوچه‌های منتهی به خیابان مجاهدین اسلام در شرق تهران، مدافع حرم «سرهنگ پاسدار صیاد خدایاری» هدف جنایت تروریستی ضد انقلاب و عوامل وابسته به استکبار جهانی قرار گرفت»

روزنامه‌های اسرائیلی نیز با تیتراژ «حذف در قلب تهران» نوشتند:

«حسن صیاد خدایاری از افسران ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران روز گذشته در روز روشن مورد اصابت گلوله دو قاتل موتورسوار قرار گرفت.»

«محسن فخری زاده»، رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع ایران، در آذر ماه ۹۹، در یکی از خیابان‌های نزدیک تهران به همین شکل ترور شد. وزیر خارجه و مقام‌های نظامی ایران اسرائیل را متهم کرده و مقام‌های امنیتی وعده «انتقام» داده‌اند! ترور سیستماتیک مهندسين اتمی و چهره‌های سرشناس نظامی

سوم: پوستن به ائتلاف ناتو می تواند برای همیشه به جایگاه فنلاند به مثابه کشوری غیرمتعهد پایان دهد. فنلاند دیگر نمی تواند به عنوان یک میانجی صلح با اعتبار عمل کند. در عوض، باید در خط مقدم ستیزه های قدرت های بزرگ قرار گیرد. این امر می تواند آسیب پذیری آن را در برابر حمله های نظامی افزایش دهد. در این صورت، فنلاند باید در ترویج نظامی گری و تسلیحات در نواحی همسایه خود شرکت کند، در عین حال باید تمام ارثیه ارزشمند سیاست های پس از جنگ جهانی دوم خود را کنار بگذارد. صنعت اسلحه، تجارت و تمرین های نظامی نیز تاثیرات قابل توجه زیست محیطی و اقتصادی دارند که نباید نادیده گرفته شود.

چهارم: فنلاند نباید به سمت غرب رانده شود، محافظت در برابر شرق با فرو رفتن در آغوش قدرت های غربی با این تصور که به امنیت می انجامد، ارزشمند نیست. جامعه بزرگ بین المللی تضمین شده با ائتلاف نظامی، توهم امنیت است. کشورهای ناتو در سازمان ملل یک اقلیت هستند و چین و هند دو پرجمعیت ترین قدرت جهان، یا دیگر کشورهای بزرگ مانند برزیل و مکزیک تعلقی به ائتلاف نظامی ای که به منافع امریکا خدمت می کند، ندارند.

پنجم: این یک تصمیم با عواقب بسیار گسترده داخلی و خارجی است. پروژه ناتو یک امر سیاست داخلی است که در فرهنگ سیاسی تغییر ایجاد می کند و مستلزم اجماع گسترده نیروهای سیاسی برای حمایت از آن است. این تصمیم هزینه ای دراز مدتی برای بودجه کشور دارد. این پروژه از بهار امسال آغاز نشده است بلکه تاریخی چندین دهه ای دارد.

رفتارهای رزم جویانه، فنلاند را به خط مقدم جنگ افزارهای اروپایی ارتقا داده است. علاوه بر این، دولت در چهارچوب بحثی در مارس ۲۰۲۲ تصمیم گرفت بودجه سالانه دفاعی را تا ۵۰۰ میلیون یورو در سال های ۲۰۲۳-۲۰۲۶ افزایش دهد. در سیاست خارجی، عضویت ناتو می تواند فنلاند را گرفتار ایالات متحده کند که ابرقدرتی نظامی شده و از لحاظ سیاسی بی ثبات است. فنلاند ممکن است در آینده در عملیات نظامی بالتیک هم سرمایه گذاری کند. فنلاند ممکن است امکان نقد نقض حقوق بشر در سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده را از دست بدهد.

ششم: استراتژی نظامی فنلاند متکی بر دفاع مستقل معتبر است. گسترش ناتو به کشورهای بالتیک و لهستان بی ثباتی را در منطقه دریای بالتیک افزایش داده است. عدم تعهد نظامی فنلاند و سوئد، امنیت اروپای شمالی را تثبیت خواهد کرد.

هفتم: فنلاند می تواند به خط مقدم ناتو علیه روسیه تبدیل شود. ۱۳۴۴ کیلومتر مرز خارجی با روسیه، دشمن کلیدی ناتو، می تواند به صورت ریشه ای استراتژی ناتو در اروپا را با افزایش



کارزار مخالفین ناتو در فنلاند و سوئد علیه پیوستن این دو کشور به پیمان جنگ افروز و متجاوز ناتو

به دنبال تصمیم دولت فنلاند برای عضویت در ناتو، کمونیست های این کشور، همراه با نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیست، مخالفت خود را با پیوستن فنلاند به این ائتلاف امپریالیستی اعلام کرده اند.

حزب کارگران کمونیست برای صلح و سوسیالیسم عضو ابتکار کمونیستی اروپایی، در «کارزار ناتو را متوقف کنید!» شرکت می کند.

در زیر، دلایل مهمی که چرا فنلاند نباید به سازمان جنگ افروز ناتو به پیوندد و از لحاظ نظامی غیرمتعهد باقی بماند، را می خوانید:

یکم: جنگ افزارها و ائتلاف های نظامی، خشونت و رنج را افزایش می دهد، هزینه انسانی آن ها با کشته ها و زخمی ها شمرده می شود و تامین مالی آن ها از خدمات اساسی و توسعه که می تواند صلح را تقویت و از جنگ های آینده جلوگیری کند، صورت می گیرد.

بهترین سیاست برای صلح حفاظت از دولت رفاه است. دولت رفاهی که در توسعه انسانی سرمایه گذاری می کند، تهدیدی برای کشورهای دیگر نیست، از این رو می تواند بهبود شرایط زیست شهروندان را در اولویت قرار دهد.

دوم: امریکا که به صورت موثری ناتو را رهبری می کند، خطرناک ترین و از لحاظ نظامی فعال ترین کشور جهان است.

ایالات متحده در سراسر موجودیت خود در وضعیت اعلان جنگ بوده است. هیچ دلیلی برای اعتماد به ابرقدرت امپریالیستی وجود ندارد چون در سنت خون ریز آن چیز افتخار آمیزی وجود ندارد.

زنده است و وجود دارد و خاموش شدنی نیست. این تظاهرات‌ها بخشی از اعتراضات گسترده علیه عضویت سوئد در ناتو است.

چند دلیل مهم در مورد عدم پیوستن سوئد به سازمان ناتو به قرار زیر است:

یکم: ناتو یک پیمان دفاعی نیست. ناتو یکی از مهمترین ابزارهای ایالات متحده برای حفظ موقعیت خود به عنوان ابر قدرت پیشرو در جهان است. این پیمان عدم اطمینان و ناامنی را افزایش می‌دهد

دوم: ادعا می‌شود که ناتو وزنه تعادلی برای پیمان ورشو (که در سال ۱۹۵۵، شش سال پس از ناتو شکل گرفت) است، اما پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی و پیمان ورشو، ناتو به ۱۴ کشور اروپای شرقی گسترش یافت و روسیه را محاصره کرد. به عنوان یکی از اعضای ناتو، سوئد هم منطقه راه‌پیمایی و هم هدف در جنگ بین ایالات متحده و روسیه خواهد بود.

سوم: میلیاردها دلار به کیسه صنایع جنگی و نظامی ریخته خواهد شد. انتظار می‌رود کشورهای ناتو سالانه دو درصد از تولید ناخالص داخلی را صرف هزینه‌های نظامی کنند. (ایالات متحده با بزرگترین بودجه نظامی جهان ۳.۷ درصد اضافه می‌کند). با قانون دو درصد، سوئد باید سالانه تقریباً ۱۰۰ میلیارد برای ارتش هزینه کند. مدرسه را ارتقا دهید و به جای آن مراقب باشید!

چهارم: ناتو "یک ائتلاف دفاعی" نامیده می‌شود، اما افغانستان و لیبی را بمباران کرده است. دو کشوری که به هیچ کشور عضو ناتو حمله نکرده‌اند و سوئد بیش‌ترمانه به طور داوطلبانه در تخریب این دو کشور شرکت کرده است. این ناتو است که لیبی را به هرج و مرج بزرگ و به مکه تاجران و قاچاقچیان پناهنده تبدیل کرده است.

پنجم: به عنوان یکی از اعضای ناتو، سوئد مجبور خواهد شد در جنگ شرکت کند. در برابر تبلیغات مقاومت کنید! در حال حاضر تبلیغات و شستشوی افکار عمومی برای پیوستن سوئد به ناتو بسیار قوی و بشدت ادامه دارد. حمله روسیه به اوکراین مستمسکی شده تا سوئد ریاکارانه مردم را به ترساند تا به عضویت ناتو در آیند. اما پیوستن به ناتو هرگز تضمینی برای صلح و امنیت نیست. سوئد دارای سنت طولانی در سیاست خارجی و امنیتی است که راه و مرامش به عنوان کشوری "غیر متعهد" و برای صلح و بی طرفی در جنگ فرموله شده است. این سیاست سوئد را از دو جنگ جهانی دور نگه داشته است.

مخالفت با ناتو باید بیشتر نمایان شود و ما باید بایستیم تا سوئد سلاح به کشورهای متخاصم صادر نکند. این صنعت تسلیحات سوئد است که با عضویت سوئد در آمد کسب می‌کند. برای اینکه صدایی برای صلح باشیم، باید آزادی اتحاد و بی طرفی خود را حفظ کنیم.*

سرمایه‌گذاری مطابق با نیازهای سربازان و افزایش تهیه جنگ افزار تغییر دهد. عضویت فنلاند در ناتو روسیه را هم به تغییر استراتژی نظامی خود، به ویژه در رابطه با پایگاه دریایی به شدت مهم روسیه در سن پترزبورگ و مورمانسک وادار می‌کند که می‌تواند به افزایش تجهیزات نظامی در هر دو سوی مرز منجر شود. تجهیزات نظامی، به ویژه سلاح‌های هسته‌ای، تهدید جنگ را افزایش داده و مخاطره یک حادثه هسته‌ای در فنلاند را به وجود می‌آورد.

هشتم: در سیاست خارجی کنونی فنلاند، برنامه دولت سانا مارین در ص ۹۲ اشعار می‌دارد: "هدف سیاست خارجی و امنیتی فنلاند عدم پیوستن به ستیزه‌های نظامی و تبدیل شدن به بخشی از آن است. فنلاند سیاست باثبات فعالی را برای جلوگیری از تهدیدهای نظامی دنبال می‌کند. فنلاند اجازه نمی‌دهد خاک آن برای مقاصد دشمنانه علیه دیگر کشورها مورد استفاده قرار گیرد." پی‌آمدهای عضویت در ناتو می‌تواند بسیار پیچیده و غیر قابل پیش بینی باشد. این پی‌آمدها می‌توانند باعث تغییر اساسی دکترین پاسیکوی-ککونون [۱] و سیاست خارجی و امنیتی و سیاست دفاعی منطق با آن شوند.

عضویت در ناتو می‌تواند فنلاند را در مرکز سیاست جنگ در جهان قرار دهد. عضویت فنلاند در ناتو می‌تواند ستیزه بین روسیه و امریکا را وسیع تر و تقسیم جهان به دو ائتلاف بسیار آشکار- همان طور که قبل از جنگ جهانی اول رخ داد- را افزایش دهد. منبع: در دفاع از کمونیسم

عضویت سوئد در ناتو یک فاجعه است

درسوئد «جبهه نه به ناتو» که احزاب چپ از جمله حزب کمونیست سوئد در آن عضو است طبق فراخوانی مردم را به تظاهرات خیابانی دعوت کرده است که در بیش از ۲۰ شهر در روز شنبه ۲۱ ماهه علیه عضویت سوئد در ناتو برگزار گردید. در بخشی از این فراخوان چنین می‌خوانیم:

سوئد در آستانه ارائه درخواست عضویت در ائتلاف جنگی ناتو است. یک مجلس منسجم که می‌خواهد به ناتو بپیوندد، یک بحث اجباری و تصمیم‌گیری از بالای سر طبقه کارگر را به همه مردم زحمتکش و صلحدوستان تحمیل کرد. ناتو یک ائتلاف دفاعی نیست، بلکه یک پیمان جنگی سرمایه‌داری و امپریالیستی است. عضویت در ناتو به ضرر طبقه کارگر و جنبش صلح است، جایی که سوئد به طور فزاینده‌ای با امپریالیسم ایالات متحده پیوند می‌خورد. سوئد قبلاً با ناتو در جنگ‌های امپریالیستی شرکت کرده است، مانند افغانستان و لیبی و هرگز پاسخگوی اعمال جنگ افروزان خود نبوده است. عضویت در ناتو باعث افزایش مشارکت ما در جنگ‌های امپریالیستی می‌شود. با ما در تظاهرات‌ها شرکت کنید و نشان دهید که مخالفت با ناتو

چند یادداشت کوتاه خواندنی

ترکیه پنج شرط را در ازای ورود سوئد به ناتو اعلام کرد



ترکیه روز سه شنبه ۲۴ ماه مه فهرست درخواست های خود از سوئد را در ازای تایید عضویت این کشور در ناتو اعلام کرد. بخشی از این خواسته ها شامل حال فنلاند میشود

پنج خواست ترکیه به قرار زیر است:

یکم ترکیه از سوئد می خواهد که از حمایت سیاسی حزب کارگران کردستان که تروریست توصیف می شود و یگان های مدافع خلق کرد دست بردارد. ترکیه گفت که "مقامات سوئد اعضای سازمان های تروریستی را که ما در سطح وزیران با آنها می جنگیم پذیرایی و از فعالیت های آنها در داخل کشور حمایت می کنند."

دوم درخواست از سوئد برای توقف تامین مالی تروریسم. ترکیه سوئد را به حمایت ۳۷۶ میلیون دلاری از PKK/YPG متهم می کند و آن را تهدیدی برای امنیت ملی خود می داند. **سوم** پایان دادن به حمایت مسلحانه از حزب کارگران کردستان و یگان های مدافع خلق. در این خواسته ها آمده بود که «در ترکیه از سلاح علیه غیرنظامیان استفاده می شود».

چهارم تحریم تسلیحاتی که سوئد بر ترکیه تحمیل کرده است لغو شود تا این کشور بتواند مرزهای خود با سوریه را ایمن کند.

پنجم همکاری جهانی علیه تروریسم و درخواست سوئد برای ارائه ضمانت های امنیتی در ترکیه. اما سوئد، درمورد محتوای فهرست خواسته ها اظهار نظری نکرد. آنلیده وزیر امور خارجه سوئد گفت: «تلاش های دیپلماتیک در حال حاضر در حال انجام است، بنابراین ما از اظهار نظر در این مورد خودداری می کنیم.» سوئد و فنلاند که با خوش بینی به حمایت آمریکا امید بسته بودند به یکباره با طرح خواسته های دولت ترکیه متعجب شدند و این امر افکار عمومی این دو کشور را به شدت تحت تاثیر قرارداد. طرح خواسته های ترکیه از طرفی موجب نگرانی عمیق پناهندگان کردو جریانات اپوزیسیون سیاسی مخالف دولت ترکیه گردیده است. درچنین شرایطی دولت سوئد یا باید به خواسته های دولت ترکیه تن دهد و تسلیم گردد یا درمقابل اردوغان بایستد که دراین صورت مسئله عضویت کشورهای فنلاند و سوئد در ناتو به سادگی و در کوتاه مدت محقق نخواهد شد. در صورت عقب نشینی سوئد در قبال خواسته

های ترکیه اعتراضات و شکاف سیاسی را نیز در میان احزاب اپوزیسیون سوئد آنهم در آستانه انتخابات مجلس در ماه سپتامبر

امسال سبب خواهد گشت.*

تدارک حمله ترکیه به شمال حلب و تشدید تضادهای منطقه و خطر گسترش جنگ



همزمان با سفر وزیر خارجه طیب اردوغان به فلسطین اشغالی، قرار است ارتش اشغالگر ترکیه به مناطق شمال حلب حمله کند. در واقع، اردوغان برای خوش خدمتی به صهیونیست ها و جهت جلوگیری از حمله مقاومت به بلندی های جولان می خواهد جبهه های در شمال سوریه باز کند.

او با این فکر که روس ها حضور ندارند و با این اندیشه باطل که می تواند به سادگی کاری کند اقدام به پخش اعلامیه در شهرهای شمال حلب کرده است.... وزارت خارجه سوریه نیز با انتشار بیانیه ای با اشاره به سخنان اخیر رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه برای «ایجاد منطقه امن» در شمال سوریه گفت:

«سخنان رئیس جمهور ترکیه در خصوص ایجاد یک منطقه امن در شمال سوریه نشان از اقدامات خصمانه این کشور علیه سوریه دارد. هدف از ایجاد منطقه امن در شمال سوریه هرگز حمایت از مناطق مرزی بین سوریه و ترکیه نیست.»

مقامات ترکیه از جمله رئیس جمهور، وزیر خارجه و وزیر کشور طی ماههای اخیر بارها از لزوم ایجاد منطقه امن در شمال سوریه برای ساخت خانه برای آوارگان سوری و انتقال مهاجران سوری از ترکیه به این مناطق سخن گفته اند.

در بیانیه وزارت خارجه سوریه آمده است که هدف اصلی از ایجاد این منطقه استعماری ایجاد کانون های انفجاری در راستای اجرای طرح های تروریستی علیه دمشق است.

در این بیانیه ضمن مخالفت شدید با چنین طرحی از جامعه جهانی خواسته شده از چنین طرح هایی حمایت نکنند چرا که چنین پروژه هایی، پیامدهای وخیمی به همراه دارد.

وزارت خارجه سوریه در بیانیه خود ضمن دفاع از ملت و حاکمیت اراضی این کشور بر مقابله با چنین توطئه هایی با تمامی ابزارهای مشروع تاکید کرد.

از طرفی ند پرایس سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا دیروز سه شنبه به خبرنگاران گفت: «ایالات متحده بسیار نگران» این اظهارات اردوغان است.

ما هرگونه تشدید تنش در (شمال سوریه) را محکوم می کنیم و از حفظ خطوط آتش بس فعلی حمایت می کنیم و از ترکیه

امروز در ایران، برخلاف آنچه که در سراسر جهان میگذرد، هر گونه فعالیت صنفی کارگری ممنوع است. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با ممنوعیت اتحادیه های مستقل کارگری در ایران قویا می کوشد سیاست های نئولیبرالی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در ایران را بدون مواجهه با مقاومتی متحقق کند. اما کارگران خاموش ننشسته اند و دست به اعتراض و اعتصاب می زنند. رشد و گسترش اعتصابات کارگری در طی سالهای اخیر، رژیم را در وضعیت شکننده قرار داده و تنها پاسخ آن به مشکلات روزمره مردم تشدید سرکوب سیاسی آنهاست.

امروز در ایران، اعتصابات کارگری در صدها کارخانه و کارگاه کوچک و بزرگ و همینطور اعتصاب، معلمان، پرستاران و بازنشستگان بشدت افزایش یافته است. همه اقشار و طبقات تهی دست جامعه در اشکال مختلف ناراضی خود را نسبت به وضعیت ناهنجار موجود ابراز میدارند. سرکوب و زندانی کردن فعالین کارگری در راز مدت پاسخگوی دوام و قوام رژیم نخواهد بود و سرانجام همانند رژیم گذشته به زیر کشیده خواهد شد.

برای آزادی کارگران شریف ایران که جز برای خوشبختی و رفاه اکثریت مردم زحمتکش سودایی درسندارند بکوشیم و صدایشان باشیم!*

افزایش هزینه خورد و خوراک مردم ایران موجب فاصله گرفتن آنها از الگوی تغذیه استاندارد شده است

تغذیه سالم در خطر



الگوی تغذیه استاندارد چیست؟

«براساس اعلام وزارت بهداشت سبد تغذیه استاندارد برای هر فرد ایرانی شامل روزانه ۳۲۰ گرم نان، ۱۰۰ گرم برنج، ۲۰ گرم ماکارونی، ۲۶ گرم حبوبات، ۷۰ گرم سیبزمینی، ۲۸۰ گرم سبزی، ۲۶۰ گرم میوه، ۴۸ گرم گوشت قرمز، ۵۰ گرم گوشت سفید، ۲۴ گرم تخم مرغ، بین ۲۲۵ تا ۲۴۰ گرم شیر یا لبنیات، ۳۵ تا ۴۰ گرم روغن و ۴۰ تا ۵۰ گرم قند و شکر است. درواقع هر نفر باید ماهانه حدود ۹.۵ کیلوگرم نان مصرف

می‌خواهیم که بیانیه مشترک صادره در اکتبر ۲۰۱۹ پایبند باشد». پرایس گفت: «ما از نگرانی‌های امنیتی ترکیه در مرزهای جنوبی‌اش آگاه هستیم، اما هرگونه حمله جدید، ثبات منطقه را بیشتر تضعیف می‌کند و نیروهای آمریکایی عضو ائتلاف ضد داعش را به خطر می‌اندازد». وزارت خارجه سوریه تأکید کرد که هدف از ایجاد منطقه امن در شمال سوریه هرگز حمایت از مناطق مرزی بین سوریه و ترکیه نیست، بلکه ترکیه «هدف استعماری» دارد. ارتش‌های متجاوز ترکیه و آمریکا فوری و بی‌قید و شرط باید خاک سوریه را ترک کنند. ارتش اشغالگر صهیونیست نیز که بلندپه‌های جولان را از سال ۶۷ میلادی تحت اشغال خود درآورده است باید از آن منطقه گورش را گم کند. با شدت گیری تضادهای منطقه بطور مشخص در سوریه خطر شعله ور شدن جنگ و تنش افزایش خواهد یافت.*

دست‌ها از سوریه کوتاه!

خطر بروز جنگ جهانی!

بحران اوکراین اعتبار تمام توافقات روسیه و آمریکا در زمینه هسته ای و خلع سلاح را زیر سوال برده است «نشریه Atlantico فرانسه در گزارشی درمورد عمق بحران اوکراین نوشت: تمام ابتکارها و توافقات در حوزه خلع سلاح، عدم اشاعه سلاح های کشتار جمعی و دیگر اسنادی که از روابط غرب و شرق تنش زدایی می کرد، پس از بحران اوکراین عملاً اعتبار و توانایی اجرایی خود را از دست داده اند. آمریکا سامانه های ضد موشکی خود را با بهانه ترس از حملات ایران، اطراف روسیه مستقر کرده است. این کار به آمریکا اجازه میدهد تا در صورت پرتاب اولین موشک هسته ای از سمت روسیه، آن را دفع کند، اما در صورت رخداد چنین سناریویی، جنگ جهانی سوم بی درنگ آغاز خواهد شد.

بحران اوکراین عملاً تمام اختلاف های ابر قدرت ها و حتی قدرت های منطقه ای را زنده کرده و کانون های آتش جدیدی ایجاد کرده است. در صورتی که ناتو و روسیه به اختلافات خود ادامه دهند، احتمال آغاز جنگ در دیگر نقاط دنیا دور از انتظار نیست، چراکه ابر قدرت ها ابتدا تلاش می کنند، بخشی از انرژی جنگ را در کشورهای ثالث تخلیه کنند.»

برای آزادی فعالین کارگری بکوشیم!





پسر جوزف استالین رهبر شوروی در جریان جنگ دوم جهانی در جبهه جنگ توسط نازی‌ها اسیر شد. به استالین اطلاع دادند که آلمان در بدل رهایی یک جنرال نازی حاضر است پسرش را رها کند. استالین پاسخ داد که من یک سرباز ساده‌ای را با جنرال معاوضه نمی‌کنم. بعد از جنگ جسد پسر استالین در یکی از بازداشتگاه‌های هیتلری به دست آمد.

برگی از تاریخ

سخنی کوتاه در مورد فرزند استالین رهبر شوروی در جنگ دوم جهانی

نهم ماهه، هفتاد و هفتمین سالگرد جشن پیروزی بر فاشیسم است، تصویری را که ملاحظه می‌کنید یا کوب فرزند استالین رهبر بزرگ جنگ ضد فاشیستی است که در جبهه‌های نبرد توسط ارتش نازی به اسارت در آمده بود. نازی‌ها از استالین طلب معاوضه فرزندش با یک جنرال بلند پایه هیتلر را کردند، لیکن استالین نپذیرفت و پاسخ داد که فرزندش یک سرباز ساده است و او را فقط با یک سرباز ساده آلمان عوض می‌کند. پسرش سرانجام در اردوگاه نازیها اعدام شد.

استالین با چنین اصول و خصوصیتی بود که توانست به مدت سی سال در راس یک کشور ۲۰۰ میلیونی سوسیالیستی قرار گیرد و با اتکا به کارگران و زحمتکشان و بسیج عمومی کمر فاشیسم را درهم شکست و صلح را برای بشریت به ارمغان آورد.

بی دلیل نیست که این روزها مردم شوروی بیش از گذشته از استالین و خدماتش تجلیل می‌کنند و روزی نیست که در تظاهراتی تصاویر او بر افراشته نگردد. رویزونیستهای معاصر به سرکردگی خروشچف و پیروان ریز و درشت او با خیانت به مارکسیسم لنینیسم، احیای سرمایه‌داری و فروپاشی کاخ رویزونیستی به گور سپرده شدند و تاریخ جز با ننگ و نفرت از آنها یاد نخواهد کرد.*

کند که با وزن ۴۵۰ گرمی هر عدد نان سنگک شامل ۲۱ عدد نان سنگک می‌شود. میزان مصرف ماهانه برنج برای هر نفر سه کیلوگرم، گوشت قرمز ۱.۴۴ کیلوگرم، گوشت سفید ۱.۵ کیلوگرم و لبنیات ۶.۹ کیلوگرم است.

هزینه تغذیه استاندارد چقدر است؟

اگر بخواهیم قیمت‌های جدید و مصوب اقلام غذایی را در نظر بگیریم و قیمت سایر کالاها را با حداقل نرخ‌های بازار یعنی برای مثال نرخ برنج خارجی، نرخ اقلام دولتی و نرخ میادین میوه و تره‌بار در نظر بگیریم، هر شهروند ایرانی برای اینکه تغذیه استاندارد داشته باشد، ناچار است در ماه حدود ۹۰۳ هزار تومان هزینه کند. برای یک خانواده چهارنفره هزینه تغذیه استاندارد حدود سه میلیون و ۶۱۲ هزار تومان تمام می‌شود.

حداقل مزد امسال چهارمیلیون و ۱۷۹ هزار تومان تعیین شده است و با این حساب یک خانواده چهارنفره با حداقل مزد ناچار است بیشتر از ۸۶ درصد درآمد خود را صرف خورد و خوراک استاندارد کند.

اگر یارانه ۳۰۰ هزار تومانی هر فرد را برای یک خانواده چهارنفره در نظر بگیریم، هزینه خورد و خوراک یک خانواده چهارنفره حدود دو میلیون و ۴۱۰ هزار تومان تمام می‌شود که با احتساب یارانه دولت یک خانواده چهارنفره با حداقل مزد ناچار است بیشتر از ۵۷.۵ درصد از حقوق خود را خرج خورد و خوراک کند.*

**با فساد همه گیر در دستگاه حاکمیت
باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد**

**سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری
جمهوری اسلامی به دست
مردم**



گزارشی از حمله وحشیانه متجاوزین صهیونیست به تشییع جنازه شیرین ابوعاقله در بیت المقدس

شیرین ابوعاقله (۳ ژانویه ۱۹۷۱ - ۱۱ مه ۲۰۲۲) خبرنگار مترقی فلسطینی-آمریکایی بود که به مدت ۲۵ سال در شبکه عربی زبان الجزیره فعالیت می کرد و صدای خلق دربند فلسطین بود. او یکی از خبرنگاران فعال در خاورمیانه بود که اخبار مرتبط با فلسطین را پوشش می داد. در تاریخ ۱۱ مه ۲۰۲۲ (۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱) در حالی که مشغول پوشش اخبار حمله نیروهای ارتش صهیونیست و متجاوز اسرائیل به شهر جنین در کرانه باختری بود مورد هدف نیروهای اسرائیلی قرار گرفت و به دلیل اصابت گلوله به سر جان باخت. گزارش زیر که از جلال ابوخطار نویسنده اهل بیت المقدس است از نظر خوانندگان گرامی می گذرد:

جلال ابوخطار - گاردین: من این جملات را بعد از بازگشت از تشییع جنازه شیرین ابوعاقله در بیت المقدس می نویسم. توصیف دقیق احساسات فلسطینی ها دشوار است. یک چیز مسلم است: این باورنکردنی ترین موج احساساتی بوده است که در فلسطین دیده ام. شیرین برای همه خانواده های فلسطینی شناخته شده بود. در طول انتفاضه دوم - تجربه ای شکل دهنده برای بسیاری از فلسطینی ها - او چهره ای بود که اخبار را به ما رساند. صفحه تلویزیون تبدیل به پنجره ای برای همه چیز شد: حملات F16، حملات هلیکوپتر آپاچی، تانک ها در خیابان ها. و شیرین آنجا بود و خبر را به خانه های ما می آورد.

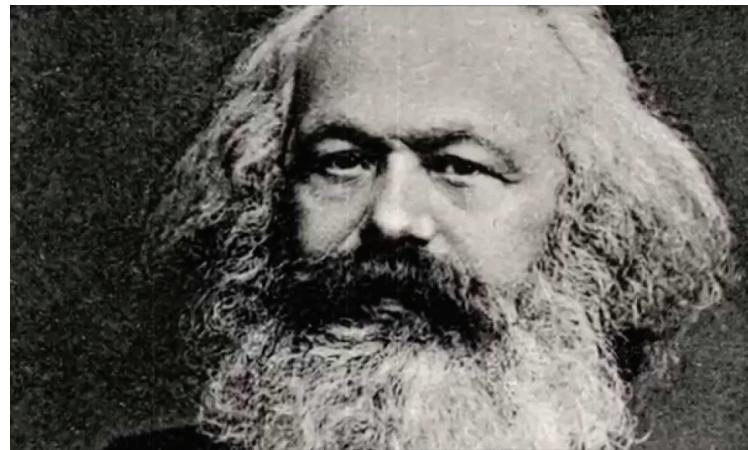
ما با تماشای گزارش های او بزرگ شدیم و او تبدیل به یک نماد و الهام بخش نسلی از روزنامه نگاران فلسطینی شد. به همین دلیل است که کشتن شیرین در جریان حمله اسرائیل به اردوگاه پناهندگان در جنین، تمام فلسطینی ها را تکان داد. احساس می کنیم مادری را از دست داده ایم. من شخصا الهام بخش اصلی زندگی روزنامه نگاری خود را از دست داده ام. روزی که او مرد، هر فلسطینی دلش شکست.

امروز در اورشلیم هزاران فلسطینی برای گرامی داشت یاد و خاطره شیرین گرد آمدند. تا چشم کار می کرد مردم بودند. اورشلیم هیچ وقت این طور فلسطینی به نظر نمی رسید حتی در میان غم و اندوه ما، نیروهای اسرائیلی از خشونت علیه عزاداران دست برنداشتند.

شیرین، فلسطینیان را از هر گرایش سیاسی در پشت پرچم ملی ما متحد کرد، تا عزاداری کنند، اعتراض کنند و بفهمند که از دست دادن او بیهوده نیست. چیزی که اوضاع را بدتر کرده است، ماشین تبلیغاتی اسرائیل است که به محض انتشار خبر قتل شیرین وارد عمل شد. مدت کوتاهی پس از مرگ او، وزارت خارجه اسرائیل یک کمپین رسانه های اجتماعی را به راه انداخت تا فلسطینی ها را مقصر جلوه دهد. این کمپین بعد از چند ساعت برچیده شد. مقامات اسرائیلی سنگینی این واقعه را می دانند. آنها با انتشار اطلاعات نادرست و تبلیغات نادرست، کوشش کردند آب را گل آلود کرده و حقیقت آنچه در جنین رخ داده است را پنهان کنند. برای شیرین ابوعاقله انتظار اجرای عدالت را ندارم. بر اساس گزارش فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران، نیروهای اسرائیلی از سال ۲۰۰۰ حداقل ۴۶ روزنامه نگار فلسطینی را به قتل رسانده اند. وزارت بهداشت فلسطین تنها در سال ۲۰۲۲ کشته شدن ۵۰ فلسطینی را ثبت کرده است. نباید انتظار داشته باشیم اسرائیل در باره مرگ شیرین به طور کامل تحقیق کند. کارنامه اسرائیل خود گویا است، این حکومت نباید نقشی در تحقیق در باره قتل شیرین داشته باشد.

شیرین بیش از دو دهه صدای بی صدایان بود و شهید از دنیا رفت. تا زمانی که باشیم یادش را گرامی می داریم و عزاداری می کنیم.

جلال ابوخطار نویسنده ای اهل بیت المقدس است *



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

مبارزه طبقاتی، نیروی محرکه و تکامل جامعه

از زمانی که جامعه اشتراکی اولیه بر اثر تکامل نیروهای مولد دستخوش تلاشی شد و این تلاشی به پیدایش طبقات انجامید. تاریخ جامعه بشر تاکنون تاریخ مبارزه طبقاتی است. "مرد آزاد و برده، پاتریسین و پلسین، مالک و سرف، استادکار و شاگرد، خلاصه ستمگر و ستمکش با یکدیگر در تضاد دائمی بوده و به مبارزه ای بلا انقطاع گاه نهان، گاه آشکار، مبارزه ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فناء مشترک طبقات متخاصم ختم می‌گردید، دست زده ند". (مانیفست). مبارزه طبقاتی شکل بروز قانون دیالکتیکی تضاد در جامعه انسانی است. دیالکتیک مارکسیستی سرچشمه تکامل را در طبیعت و اجتماع، تضاد میان نیروها، میان گرایش‌های درونی اشیاء و پدیده‌ها می‌داند. در جامعه نیز مبارزه طبقاتی نیروی محرکه پیشرفت و تکامل است. ماتریالیسم تاریخی قانون حرکت و تکامل جامعه طبقاتی را در این می‌داند که:

"کلیه مبارزات تاریخی در زمینه سیاسی، مذهبی، فلسفی یا هر زمینه دیگر در واقع بیان کم و بیش روشن مبارزات طبقاتی اجتماع اند. وجود و بنابر این برخورد این طبقات وابسته به درجه تکامل وضع اقتصادی آنها، نوع و شیوه تولید آنها و بر این اساس مبادله آنها است". (انگلس).

این قانون عام است و در تمام جوامع طبقاتی صدق می‌کند. تئوری مارکسیستی مبارزه طبقاتی به نظریات غیرعلمی در تاریخ پایان بخشید. نظریاتی که بموجب آنها هر فرد در جامعه مستقل از دیگران عمل می‌کند. و تاریخ گویا مجموعه حوادثی است که پیرو هیچ قانونی نیست. مارکسیسم در کلاف پیچیده و بغرنج حوادث تاریخی جوامع طبقاتی به قانونمندی دست یافت و نشان داد که مبارزه طبقاتی قانون تمام جوامعی است که به طبقات متخاصم تقسیم شده‌اند و نشان داد که مبارزه طبقاتی نیروی محرک تکامل جامعه است.

بورژوازی ترقی و پیشرفت تکنیک را بحساب خود می‌گذارد، در حالی که تکامل تکنیک بخودی خود مورد علاقه او نیست. بدون مبارزه و مقاومت کارگران، سرمایه دار ترجیح می‌داد سود خود را، هر چه بیشتر از تقلیل دستمزد و افزایش ساعات کار بدست آورد. اگر سرمایه دار به تکنیک جدید و بکار بردن آن تمایل نشان می‌دهد برای آنست که در کنار رقابت در بازار، با مبارزه سرسخت طبقه کارگر روبرو است. همین مبارزه است که جامعه را بجلو می‌راند، همین مبارزه است که وسیله نابودی و پوسیدگی و وسیله برانداختن نظام کهنه است. این تضاد طبقاتی را که پیوسته حاد و حادتر می‌شود سرانجام انقلاب اجتماعی حل می‌کند. انقلاب حادثترین شکل برخورد طبقاتی است.

تمام "تئوری" هائی که در پرده یا آشکار مبارزه طبقاتی را نفی می‌کنند یا این مبارزه را نه به عوامل درونی جامعه، بلکه به عوامل خارجی نسبت می‌دهند، یا مبارزه طبقاتی را که سرچشمه تکامل جامعه است مانعی بر سر راه پیشرفت جامعه می‌شمرند. تمام این "تئوری" ها بر واقعیات تکیه نمی‌زنند و هدفشان حفظ نظام موجود، حفظ منافع طبقات استثمارگر است.

مبارزه طبقاتی از اختلاف یا تضاد منافع طبقاتی ناشی می‌شود و منافع طبقاتی، از مقام و نقش طبقات در تولید، از مطالبات و نیازمندی‌های آنها برمی‌خیزد. بنابرین منافع طبقاتی نه تنها زمینه اقتصادی، بلکه زمینه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی را نیز در بر می‌گیرد. در مواردی که منافع طبقاتی متناقض و آشتی ناپذیرند مبارزه طبقاتی نیز آشتی ناپذیر است. طبقاتی که منافع آن آشتی ناپذیر است، طبقات متخاصم (آنتاگونیست) نامیده می‌شوند که علی القاعده همان دو طبقه اصلی جامعه‌اند. معدالک آشتی ناپذیر بودن منافع منحصر بدو طبقه اصلی نیست. منافع طبقات استثمارگر نیز می‌تواند در حالاتی آشتی ناپذیر باشد یا آشتی ناپذیر گردد (طبقه فئودال و بورژوازی در اواخر دوران فئودالیسم، انحصارهای مختلف بورژوازی و بورژوازی انحصاری کشورهای مختلف در دوران امپریالیسم). گاهی نیز بر عکس دو یا چند طبقه یا قشر می‌تواند در برابر دشمنی واحد منافع مشترکی پیدا کنند و بر اساس این منافع مشترک به مبارزه مشترکی دست زنند. منافع طبقاتی از ذهن انسان منشاء نمی‌گیرد، بلکه خصلت عینی دارد چون محصول عوامل عینی است. اینکه طبقه کارگر در جامعه سرمایه داری فاقد وسائل تولید است و باید به استثمار رضا دهد، واقعیتی عینی است و منافع طبقه کارگر در مبارزه بخاطر تضعیف استثمار و حتی نابودی نظام مبتنی بر کار مزدوری نیز که از این واقعیت عینی برمی‌خیزد نمی‌تواند دارای خصلت عینی نباشد.*



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ

به یک پرسش

پرسش: رفقای توفان، با سلام و عرض ادب و تشکر از نشریات ارسالی و مفید توفان، پرسشی دارم در مورد وضعیت امروز ایران و تظاهرات‌های اخیر علیه گرانی نان و سایر خوراکی‌های روزمره، در بسیاری از شهرهای ایران مردم خشمگین به آتش زدن خودروهای نیروهای انتظامی دست زدند و علیه شخص خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی شعار مرگ بر او و نظام را دادند و تعدادی هم کشته و مجروح شدند. تعدادی از احزاب و سازمان‌های چپ مخالف نظام از قریب الوقوع بودن انقلاب در ایران می‌گویند. حزب شما چه فکر می‌کند آیا در ایران وضع انقلاب در پیش است و نظام در حال فروپاشی و سرنگونی است؟ نظر حزب شما چیست؟ بسیار خوشحال می‌شوم جواب سؤال مرا هر چند مختصر ارسال نمایید. با تشکر از شما. امضا محفوظ. تهران-اردیبهشت ۱۴۰۱

پاسخ: درود بر شما، نخست اینکه انقلاب بدون پیدایش موقعیت انقلابی و یا به گفته صحیح تر وضع انقلابی غیرممکن است. برخی از سازمان‌ها از سال ۶۰ خورشیدی تاکنون انقلاب را قریب الوقوع تعریف کرده و به خورد هوداران‌شان داده‌اند. سازمان مجاهدین در سال ۶۰ اعلام کرد که رژیم تا دوماه دیگر سرنگون خواهد شد. سپس دوماه را به شش ماه افزایش داد و به همین ترتیب در خلال ۴۱ سال حاکمیت جمهوری اسلامی از قریب الوقوع بودن انقلاب سخن گفته است. چنین تحلیل ذهنی و اراده‌گراییه‌ای از انقلاب جز بی اعتباری این جریان حاصلی نداشته است و سرانجام وقتی از سرنگونی رژیم توسط نیرویش مایوس شد از امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه دعوت نمود تا با مداخله نظامی رژیم را سرنگون سازند و شکلی از انقلاب

ناتوی لیبی «را برای مردم ایران به ارمغان آورند. همین برخورد ذهنی در مورد انقلاب را آقای منصور حکمت رهبر سابق «حزب کمونیست کارگری ایران» چند سال قبل از مرگش در کنگره حزبی از قریب الوقوع بودن انقلاب در ایران سخن گفت و با بیان اینکه «رژیم اسلامی بزودی با سربزه زمین فرود خواهد آمد» هوداران فریب‌خورده اش را وعده سرنگونی تحت رهبری حزبش داد!! از آن تاریخ تاکنون که قریب به بیست سال می‌گذرد پیروانش امروز تحت رهبری آقای حمید تقوایی با الهام از منصور حکمت هر حرکت اعتراضی در ایران را انقلاب تعریف می‌کنند و قول سرنگونی را در کوتاه مدت می‌دهند. این حزب اعتراضات خرداد ۸۸ تحت رهبری موسوی و کروبی را انقلاب نامید. به همین ترتیب اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ انقلاب نام گرفتند و به این اعتبار ایران در خلال چهاردهه اخیر نه فقط انقلاب بهمن بلکه چند انقلاب دیگر نیز تجربه کرده است که خود مردم ایران از آن بیخبرند!! ادامه اینگونه برخوردهای ذهنی و انحرافی و آلودگی سیاسی وایدئولوژی این تشکیلات به لیبرالیسم بورژوایی و تفکرات شبه ترسکیستی سرانجام آن را به ورطه خیانت و به ابزار دست امپریالیسم و صهیونیسم در ایران و منطقه بدل کرده است. این حزب امروز از «انقلاب ناتوی لیبی»، انقلاب رنگین اوکراین و مداخله ناتو و تجاوز نظامی غرب به ممالک منطقه الهام می‌گیرد و انقلاب مورد نظرش مداخله «بشر دوستانه نظامی» در پارکابی ارتش آمریکا و اسرائیل و ارتجاع منطقه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

اما برای اینکه به پرسش شما پاسخی آموزنده و مسئولانه داده باشیم توجه شما را به این امر جلب می‌کنیم که انقلاب کارتوده هاست و خارج از اراده این سازمان و یا آن گروه رخ می‌دهد. زمان هیچ انقلابی را نمی‌توان از قبل تعیین کرد و به مردم وعده دروغین داد. اکنون از انقلاب بهمن ۴۳ سال گذشته و رژیم همچنان بر مسند قدرت نشسته است و مردم متأسفانه قادر نگشته‌اند او را سرنگون سازند. لنین با جمع‌بندی و درس‌گیری از انقلاب ۱۹۰۵ بدرستی تاکید نمود که «یک مارکسیست نمی‌تواند در این موضوع شکی داشته باشد که انقلاب بدون وضع انقلابی غیرممکن است». در ضمن هر وضع انقلابی به انقلاب نیز ختم نمی‌شود. لنین بصورت درخشانی علایم یک وضع انقلابی که دارای سه علامت عمده است بدین شکل اشاره کرد:

(۱) طبقات حاکم امکان نداشته باشند حاکمیت خود را به شکل تغییر نیافته حفظ کنند؛ بحران در میان بالایی‌ها یعنی بحران سیاست طبقه حاکم موجب پیدایش شکافی می‌شود که نا

رژیم بلکه در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی و تحت رهبری جناح اصلاح طلب صورت گرفته است و در تکاملش در خرداد سال ۸۸ به بن بست رسید و سرانجام جنبش اعتراضی مردم بویژه فرودستان جامعه در دی ۹۶ با نفی جناح‌های رژیم به میدان آمد و سرکوب شد. ادامه این اعتراضات با افزایش نرخ بنزین و سرکوب خونین توده زحمتکش در آبان ۹۸ نیز موقتا پایان یافت. این اعتراضات اگرچه در بیش از ۱۰۰ شهر صورت گرفت اما به یک جنبش عمومی و سراسر تبدیل نشد. کارگران و سایر مزدبگیران اجتماعی بنابر دلایل مختلف از جمله فقدان رهبری به میدان نیامدند و اعتصابی صورت نگرفت. به عبارت دیگر وضع انقلابی رخ نداد که توده‌های میلیونی نه تنها رژیم را نخواهند بلکه برای تغییر رژیم به میدان آیند و رژیم هم نتواند مثل گذشته حکومت کند و با یک بحران عمومی روبرو گردد. رژیم جمهوری اسلامی در طی چهاردهه اخیر بویژه پس از آغاز تعدیل اقتصادی و اجرای سیاست‌های نولیبرالی با چالش‌های مختلفی روبرو بوده است و توانست با اتکا به پول نفت، نیروهای بسیج و سپاه و ده‌ها گروه‌های سرکوب پنهان و آشکار و بخشی از توده‌های نا آگاه و با توسل به مانورهای مختلف سیاسی و اجتماعی و با تشکیل انتخابات فرمایشی حکومت کند. شرایط عینی انقلاب و نارضایتی عمومی و اشکال پراکنده اعتراضات و شورش‌های خودجوش و بدون رهبری هنوز به معنای وضع انقلابی و قریب الوقوع بودن انقلاب نیست و با تعاریف من درآوردی و ولنتاریستی نمی‌توان به مردم دروغ گفت و وعده انقلاب داد. توده نارضاضی غیر متشکل، فاقد رهبری آگاه سیاسی بویژه رهبری کمونیستی چگونه می‌خواهد در مقابل نیروی متشکل و سرکوبگر رژیم بایستد و او را سرنگون سازد. حزب ما بارها گفته است که ایران آستان حوادث مهمی است، از یک سو توده‌ها در مقابل رژیم فاسد و خونریز قرار دارند که جانشان را به لب رسانده است و از سوی دیگر در محاصره تحریم و تجاوز نظامی قرار دارند و اگر سرنگونی رژیم تحت کنترل و رهبری نیروی انقلابی قرار نداشته باشد فرجامی جز گسیختگی اجتماعی و سیاسی و شکست نخواهد داشت. اگر در شرایطی با وضع انقلابی روبرو شویم و عامل عینی انقلاب با عامل ذهنی پیوند نخورد انقلابی صورت نخواهد گرفت و رژیم هم علیرغم بحران‌های موجود خود بخود سرنگون نخواهد شد. اینها آن نکاتی است که باید مورد توجه قرار گیرند و با تشکیلات منسجم حزبی، مسلح به مارکسیسم - لنینیسم به استقبال توده‌ها رفت، از مطالباتشان دفاع کرد و صبورانه بدون شعارهای زودرس به سازماندهی آنها پرداخت. با شعار و بدون شعور و آگاهی سیاسی نمی‌توان توده‌ها و انقلاب را رهبری کرد.

پیروز باشید، به مکاتبه خود با ما ادامه دهید!*

خرسندی و برآشفستگی طبقات ستم‌دیده در آن راه می‌یابد. برای شروع انقلاب معمولا کافی نیست که پایینی‌ها نخواهند بر روال سابق زندگی کنند، بلکه علاوه بر آن لازم است که بالایی‌ها هم نتوانند بر روال سابق زندگی کنند.

۲) تشدید بیش از حد عادی فقر و بدبختی طبقات ستم‌زده.
۳) ترفیع قابل ملاحظه ناشی از علل پیش گفته فعالیت توده‌ها، که در دوران «آرام» به آرامی اجازه می‌دهند، غارتشان کنند. ولی در ادوار طوفانی چه تحت تأثیر مجموع بحران و چه به وسیله خود «بالایی‌ها» به میدان عمل تاریخی مستقل کشانده می‌شود بدون این تغییرات عینی، که نه تنها از اختیار گروه‌ها و احزاب جداگانه بلکه از اختیار طبقات جداگانه هم مستقل می‌باشند، به عنوان یک قانون عمومی، انقلاب غیرممکن است.

چنین موقعیتی در سال ۱۹۰۵ در روسیه و در تمام دوران انقلاب در غرب وجود داشت. اما آن وضع همچنین در سال‌های شصت قرن ۱۸ در آلمان و در سال‌های ۶۱-۱۸۵۹ و ۸۰-۱۸۷۹ در روسیه وجود داشت اگر چه در این حالات، انقلابی به وقوع نپیوست. چرا؟

بخاطر اینکه هر وضع انقلابی باعث انقلاب نمی‌گردد. در چنین شرایطی فقط وقتی انقلاب به وقوع می‌پیوندد که علاوه بر تغییراتی که در بالا ذکر شد، تغییری ذهنی هم اضافه گردد. یعنی قدرت طبقه انقلابی برای به انجام رساندن عملیات توده‌ای انقلابی به قدر کافی قوی باشد تا بتواند دولت قدیم را - که **حتی در دوره بحران هم اگر سرنگون نشود به خودی خود سقوط نمی‌کند** - خرد (و یا جابجا) کند. اینها نظرات مارکسیستی درباره انقلاب می‌باشند، نظراتی که بارها تکامل یافته اند، به وسیله تمام مارکسیست‌ها بدون بحث قبول شده اند و برای ما روسی‌ها در تجربه ۱۹۰۵ به طریق تکان دهنده‌ای اثبات شده اند»

شاید بشود کل مسئله را در این عبارات تلخیص کرد. برای انقلاب به شرایط عینی (یعنی پایینی‌ها نخواهند و بالایی‌ها دیگر نتوانند)، شرایط ذهنی یعنی عامل رهبری و سازماندهی توده‌ها نیاز است ولی باید یک وضع انقلابی یعنی وضعی که یک شرایط الهامی و تشنج‌زا در جامعه حاکم شده باشد که احساسات عمومی را تهیج کرده باشد نیز وجود داشته باشد. در این زمینه می‌توان آتش زدن سینما رکس آبادان به عنوان نمونه یاد کرد. حال با توجه به این تعریف علمی باید تحلیل کرد در کدام برهه از تحولات ۴۱ سال اخیر، یعنی پس از کودتای سال ۶۰ و قلع و قمع جریانات سیاسی و شکست انقلاب بهمن و تثبیت رژیم جمهوری اسلامی **وضع انقلابی** وجود داشته است که منجر به انقلاب نشده است. تحولات رفرمیستی دواخردادی نه برای سرنگونی

باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: دوستان محترم حزب کار ایران، ما می‌دانیم که حکومت آخوند ها همیشه مخالف ورزش ملی ایران بوده و تا توانسته از ورزشکاران و مدال‌هایشان بنفع خودش استفاده کرده است. آیا فکر نمی‌کنید حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی قطر بنفع جمهوری اسلامی است و حذف آن در صحنه بین المللی بنفع مردم ایران باشد؟ آیا لغو بازی دوستانه بین ایران و کانادا که بزودی برگزار می‌شود تسکین دهنده خانواده هایی نیست که در شلیک به هواپیمای مسافربری جانشان را از دست داده اند؟

پاسخ: خیر دوست عزیز، اینطور نیست. هرپیروزی و موفقیت ورزشی، علمی و هنری دست آورد مردم ایران است و نگاه منفی و تحقیر آمیز بدان بنفع رژیم جمهوری اسلامی است. کسانی که به غرور ملی و افتخارات ملی اعتقادی ندارند، عرق ملی و میهن دوستی هم ندارند و با فرهنگ و تاریخ و روحیات مردمشان بیگانه اند و جز این نیز نمی‌تواند باشد. متأسفانه برخی ها با نام ایران و غرور ملی و اساساً با شرکت ورزشکاران در این میادین مشکل دارند و اگر روزی ایران را در عرصه ورزشی تحریم نمایند این محافل غیر مسئول و ایران ستیز به رقص و پایکوبی می‌پردازند. این جماعت تخیلات و ذهنیت‌های خود را جای واقعیت های عینی می‌نشانند و نمی‌فهمند که شرکت در عرصه ورزشی و در میادین بین المللی به معنای پذیرش مدیریت ورزشی جمهوری اسلامی، خواندن سرود رسمی کشور، برافراشتن پرچم رسمی کشور، ملاقات با سران بلند پایه رژیم و قبول مقررات نظام حاکم است. همانطور که در آمریکا و ترکیه و آلمان، کلمبیا، برزیل و کره و روسیه و اردن و مصر و گامبیا و اندوزی و تایلند و استرالیا و شیلی و اوروگوئه و... نیز چنین است. علاوه بر این باید سوء استفاده های تبلیغاتی رژیم و فشار و کنترل بر بازیکنان را نیز در نظر گرفت. تازه اگر جامعه جهانی ورزش که تحت کنترل ممالک قدرتمند جهان هست و به تحریم کاروان‌های ورزشی ایران متوسل نشود، هم میهنان ورزشکار ما می‌توانند با امکانات ضعیف و تحت فشار و استرس روحی و روانی به میدان آیند. این فرقه های ظاهراً میهن دوست بدون در نظر گرفتن این شرایط ناهنجار و سیاست سرکوب مافیای ورزشی حاکم برای جوانان ما نسخه می‌پیچند که چرا دست رد به سینه سازمان اطلاعات اسلامی نمی‌زنند و با قاتلان مردم دست داده و یا زیر قران رد می‌شوند و... لاغیر.

اینان بجای حمایت از ورزشکاران و هنرمندان و دانشمندان ایران که در سخت ترین شرایط اجتماعی به فعالیت مشغولند و قهرمان می‌شوند، آنها را مورد توهین و حمله قرار می‌دهند که چر «انقلابی» و رادیکال برخورد نکرده اند. بجای حمله به رژیم و نقد سیاست های ارتجاعی او در سرکوب علم و خرد و اندیشه. ورزشکاران ایران را مورد توهین و تمسخر می‌گیرند و به نفی پیروزی‌هایشان می‌پردازند. حرف دل یک عده این است که ورزشکاران ایران نباید تحت رهبری نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی در میادین رقابت‌های ورزشی حضور یابند زیرا رژیم از آنها بنفع خود بهره برداری سیاسی می‌کند. پس اساساً تحریم ورزشی ایران می‌تواند امر مثبتی باشد زیرا مانع سوء استفاده های سیاسی رژیم می‌شود! نتیجه چنین استدلال‌ات سطحی جزاین نمی‌باشد که در دام توطئه های امپریالیستی بر علیه میهنان در غلیم. **حضور تیم ملی فوتبال ایران** در جام جهانی قطر موجب شادی و سربلندی مردان و جوانان و نوجوانان و کودکان و همه مردم ایران می‌گردد. شادی و نشاط و غرور ملی مردم ایران پتکی است بر سر حکام اسلامی که بیش‌ترانه بیش از ۴۰ سال کوشیدند تا واژه «ملت ملی ایران» را بر اندازند و امت اسلامی را جای آن بنشانند؛ روضه خوانی و غم و گریه را با زور چماق و تزویر و ریا جای شادی و نشاط و بر مردم تحمیل کنند. این سیاست ارتجاعی در اثر مقاومت مردم شریف ایران با شکست روبرو شده است رشد فعالیت های هنری و ورزشی و تحصیل گسترده دختران در دانشگاه‌ها و برگزاری اعیاد و سَنَن ملی چون نوروز و چهارشنبه سوری.... اینها همه بر رژیم اسلامی تحمیل گشته است و این روند تا براندازی کامل آن بدست خود مردم ایران ادامه خواهد داشت. همانطور که اشاره رفت هر پیروزی و پیشروی در عرصه علمی و هنری و ادبی و ورزشی دست‌آورد مردم ایران است و ربطی به رژیم های ارتجاعی حاکم ندارد. رژیم ها می‌آیند و می‌روند اما ایران و دست‌آوردهای مردم ایران ماندنی و مایه افتخار و غرور ملی و سربلندی همه مردم ایران است. ادیبان و شعرا بی نظیر خیام و سعدی و مولوی و حافظ، شاملو و نیما.... در دوره استبداد و حکومت های ارتجاعی سر بلند کردند و مایه افتخار و غرور ملی مردم ایران گشتند. زنده یاد جهان پهلوان تختی نیز قهرمان ملی مردم ایران است که در دوره استبداد رژیم پهلوی باعث سربلندی مردم ایران گشت و جاودانه شد. این دست‌آوردها را نباید به رژیم‌ها نسبت داد، این‌ها همه دست‌آورد تاریخی مردم ایرانند و باید آنها را بعنوان گنجینه تاریخی گرامی داشت و به جلو حرکت کرد.

از بازی دوستانه تیم ملی فوتبال ایران با تیم ملی کانادا باید استقبال کرد و در دام تبلیغات دشمنان ایران در نغلتنید. فاجعه سرنشینان هواپیمای مسافربری که منجر به جانباختن هموطنان بی‌گناه ما گردید محکوم است و عاملان آن در ایران باید محاکمه و مجازات شوند، لیکن نباید اجازه داد تا دشمنان مردم و موافقان تحریم اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران از احساسات پاک خانواده‌های جانباخته سوء استفاده کنند و آنها را در مسیر غلطی رهنمون کنند. اگر ترور جنایتکارانه قاسم سلیمانی فرمانده وقت سپاه پاسداران که به دستور مستقیم رئیس جمهوری سابق آمریکا اجرا شد، رخ نمی‌داد حادثه دلخراش هواپیمای مسافربری هم اتفاق نمی‌افتاد. آمریکا مسبب اصلی این ماجراست اما بیش‌ترانه خود را پشت خانواده های جانباختگان هواپیمای پنهان کرده و برای آنها دلسوزانی می‌کند. از این رو ما با اقدامات خانواده های جانباختگان هواپیمای مسافربری در مورد لغو بازی دوستانه فوتبال ایران و کانادا هیچ موافقتی نداریم و آن را اقدامی انحرافی و انتقام‌جویانه و غیر منطقی ارزیابی می‌کنیم. موفق و پیروز باشید*



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<u>POSTBANK</u>						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
<u>P.O. BOX 1138</u>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						